



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



بسم اللہ الرحمن الرحیم  
ہفت روزہ "آبِ حیات" کے مدیران اور  
معاونین کی خدمت میں عرض ہے کہ  
میں نے آپ کے "آبِ حیات" کے شمارے  
میں "بسم اللہ الرحمن الرحیم" کے  
موضوع پر لکھی ہوئی مضمون  
میں "بسم اللہ الرحمن الرحیم" کے  
موضوع پر لکھی ہوئی مضمون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فصلنامه فرهنگ زیارت

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	فصلنامه فرهنگ زیارت، جلد ۱
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۷	اذن دخول
۱۲	زیارت و امامت
۲۹	زیارت در سیره معصومین علیهم السلام
۶۶	زیارت عتبات در سیره و سخن امام صادق علیه السلام
۸۷	زیارت مزار خدایاوران
۱۰۳	زیارت وداع
۱۱۰	آداب زیارت در نخستین رساله عملیه فارسی
۱۲۰	نگاهی به پیاده روی زائران حسینی
۱۳۵	مرجعیت شیعه و مقاومت در برابر اشغالگران
۱۳۹	حرم نجف اشرف و خاکسپاری امیر مؤمنان علیه السلام
۱۴۵	پژوهشی درباره محل دفن امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا
۱۵۸	مسجد عمران بن شاهین
۱۶۳	ستارگان حرم علوی
۱۸۲	گزارشی از سفر ابن جبیر به عراق
۱۸۶	کتاب‌شناسی زیارت
۱۹۹	درباره مرکز

## فصلنامه فرهنگ زیارت، جلد ۱

## مشخصات کتاب

نام کتاب: فصلنامه فرهنگ زیارت

نویسنده: مرکز تحقیقات حج

موضوع: نشریات

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۴

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: پاییز ۱۳۸۸

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

## اشاره

جواد محدثی

موضوع «زیارت»، به عنوان یکی از آیین‌های مذهبی که سابقه‌ای دیرین دارد و مورد سفارش فراوان اولیای دین است. همراه خود یک سلسله اصطلاحات، آداب، سنن، اعلام و اشخاص، حوادث، ابزار و وسایل، معارف و مناسک خاص دارد که دانستن آن‌ها برای «زائر»، مفید است.

گاهی برخی اصطلاحات و واژه‌ها، با آن که بسیار رایج و مشهورند، اما سابقه‌ای ناشناخته دارند یا مردم از معنی و ریشه آنها اطلاع چندانی ندارند. ریشه‌یابی این گونه الفاظ و اصطلاحات، می‌تواند جالب باشد.

اذن دخول

اذن دخول به معنای اجازه ورود طلبدن است.

ورود به مکان‌های خاص، آداب و رسوم دارد و داخل شدن به حرم‌های مطهر و مکان‌های مقدس دینی نیز از این قاعده مستثنا نیست. آگاهی و رعایت این مقدرات و آداب، نشانه معرفت و ادب کسی است که وارد جایی می‌شود و از آنجا بازدید به عمل می‌آورد و گویای ادب و احترامی است که برای صاحب یک خانه یا مسئول یک معبد و بارگاه یا شخصی که در یک مرقد و حرم آرمیده است، قائل هستیم.

قرآن کریم به عنوان یک توصیه اخلاقی می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وارد خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان نشوید؛ مگر آن که بیشتر خبر دهید و اعلام کنید (و سر زده وارد نشوید) و به اهل آن خانه سلام دهید .... اگر در آن خانه‌ها کسی را نیافتید، وارد نشوید؛ مگر آن که به شما «اذن» داده شود و

اگر گفته شد «برگردید»، برگردید .... (۱)

این آیه که مسئله خبر دادن و اذن و استیناس را هنگام ورود به خانه دیگران مطرح می‌کند، به نوعی در بردارنده اذن دخول برای ورود به منزل دیگران است و به عنوان یک ادب اجتماعی به شمار می‌رود.

وارد شدن به خانه پیامبر صلی الله و علیه و آله، به خاطر حرمت و جایگاهی که هم خانه و هم صاحب خانه دارد، نیازمند اجازه گرفتن است. این ورود، چه برای حضور در ضیافت و بر سر سفره اطعام آن حضرت باشد و چه برای پرسیدن چیزی یا درخواست حاجتی، لازم است.

باز هم از قرآن بشنویم که از ورود بدون اجازه به خانه پیامبر خدا صلی الله و علیه و آله نهی می‌کند:

## اذن دخول

---

۱- نور، آیه ۲۷ و ۲۸.

ص: ۲

یا ایها الذین آمنوا تالا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام؛ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وارد خانه‌ها (یا اتاق‌های) پیامبر نشوید؛ تا آن که به شما اجازه دهند و به طعام دعوت شوید. از مجموع این گونه آیات برمی‌آید که ورود سر زده و بی خبر و بدون اجازه به خانه دیگران، از جمله خانه حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله، دور از ادب و اخلاق است و اذن قبلی، نشانه حرمت نهادن به صاحب خانه است، حتی جبرئیل علیه السلام نیز هر گاه می‌خواست به حضور پیامبر خدا برسد، کنار در، اجازه می‌طلبید. آن‌چه در مسجد النبی به نام «باب جبرئیل» معروف است، جایگاه ایستادن جبرئیل علیه السلام در وقت اذن دخول خواستن از پیغمبر خدا صلی‌الله علیه و آله بوده است. حرم‌های معصومین علیهم‌السلام به دلیل آن که مدفن کسانی است که زنده و مرده آنان یکسان است و زائران را می‌بینند و می‌شناسند و سلام‌ها را جواب می‌دهند، در حکم خانه آنان است. از این رو، رعایت ادب، اقتضا می‌کند که قبل از وارد شدن به حرم، به ارزش و قداست جایگاه و مقام و منزلت صاحب بقعه، توجه کنیم و از خدا و فرشتگان و رسول خدا و امامان علیهم‌السلام، اذن بطلبیم. در کتاب‌های دعا و زیارت، برای زیارت حرم حضرت علی علیه السلام آدابی ذکر شده که به نحوی، قدم به قدم، اذن ورود خواستن برای تشرّف است.

هنگام ورود به دروازه نجف، دعای خاصی نقل شده است. وقتی زائر، وارد شهر می‌شود، دعای ویژه‌ای دارد. هنگام رسیدن به درگاه حرم، آن درگاه را آستانه خدا دانستن و وقوف در درگاه والای منتسب به پروردگار، مضمون دعای خاصی آن است. هنگام رسیدن به در صحن، هنگام ورود به صحن شریف، هنگام رسیدن به رواق، وقت ورود به رواق و هنگام قرار گرفتن رو به روی قبر مطهر، برای همه این مراحل، ذکرها و دعاهایی است که زائر را به جایگاه والا و حرمت معنوی زیارتگاه توجه می‌دهد و ادب او را نسبت به صاحب قبر مطهر، نشان می‌دهد. (۲) همه اینها قدم به قدم، وارد شدن به حریم حرم یک امام، با آمادگی روحی و اجازه خواستن برای عتبه بوسی است.

دعایی که به عنوان «اذن دخول» در کتاب‌های دعا آمده است و خوب است هنگام زیارت حرم نبوی یا بارگاه هر یک از معصومین علیهم‌السلام خوانده شود، همه مضامین یاد شده را در بر دارد. آن چه به عنوان اذن دخول هر یک از حرم‌های شریف در مفاتیح الجنان، به نقل از مرحوم کفعمی آمده است، بسیار زیباست و این گونه آغاز می‌شود:

«اللهم انی وقف علی باب من ابواب بیوت نبیک .... (۳)

مضمون این اذن دخول، چنین است:

خداوند! من در آستانه دری از درهای خانه پیامبرت ایستاده‌ام، تو مردم را از این که بدون اجازه وارد آن شوند، نهی کرده و فرموده‌ای: ای اهل ایمان! وارد خانه‌های

۱- احزاب، آیه ۵۳.

۲- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امیر المؤمنین علیه السلام.

۳- همان، بخش آداب زیارت.



ص: ۳

پیامبر نشوید؛ تا آن که به شما اذن داده شود. خداوند! من به حرمت و احترام صاحب این حرم شریف، در دوران غیبتش، اعتقاد دارم؛ همان گونه که به حرمت او در حال حیات، معتقدم و می‌دانم که رسول تو و خلفای تو- که درود خدا بر همه آنان باد- نزد تو زنده‌اند و روزی می‌خورند به جایگاه مرا می‌بینند؛ سخن مرا می‌شنوند و سلام مرا پاسخ می‌دهند و تو گرچه گوشم را از شنیدن کلامشان محجوب ساخته‌ای، ولی دریچه فهم مرا به لذت مناجاتشان گشوده‌ای. خدایا! ابتدا از تو، سپس از پیامبرت، آنگاه از امام معصوم و خلیفه واجب الطاعة اجازه می‌خواهم و از همه فرشتگانی که گماشته به این آستان مبارکند، اذن می‌طلبم. ای پیامبر خدا! آیا وارد شوم؟ ای حجت خدا! آیا وارد شوم؟ ای فرشتگان مقرب الهی که مقیم این درگاهید! آیا وارد شوم؟ ای مولای من! اجازه بده که وارد شوم؛ همچون بهترین اجازه و رخصتی که به یکی از دوستانت داده‌ای. اگر من اهل و شایسته ورود نیستم، تو شایسته اجازه دادنی».

مرحوم محدث قمی، سپس اذن دخول دیگری را از علامه مجلسی نقل می‌کند که مفصل‌تر است و در آن به موضوعات توحیدی، جایگاه والای رسولان الهی و صاحبان شرایع آسمانی اشاره می‌شود و بر نعمت توفیق حضور در مرقد اولیاء الله، ادای شکر به درگاه خدا می‌شود و با بیان مقام اوصیای معصومین و برگزیدگی آن انسان‌های والا و درخواست توفیق برای حضور همواره و مشتاقانه در حرم‌های پاک آنان، این گونه اجازه ورود درخواست می‌شود:

خداوند! ما را اجازه بده که وارد این عرصه‌های نورانی شویم؛ جایگاه‌هایی که از بندگانت خواسته‌ای با زیارت آنها، عبودیت خود را نشان دهند. خدایا! اشک ما را در سایه خشوع مهابت، جاری ساز و اعضا و جوارح ما را با خضوع بندگی، رام گردان ....

پس از آن، توصیه شده که با اشک چشم و خشوع قلبی، وارد حرم شوی و به زیارت بپرداز.

معمولاً متن «اذن دخول»، در مدخل ورودی حرم امامان معصوم علیهم السلام بر کاشی‌های دیوار نگاشته شده یا بر لوحی نوشته شده و در قاب قرار گرفته شده است و زائران، هنگام ورود، آن را می‌خوانند؛ سپس داخل روضه منوره هر یک از معصومین علیهم السلام یا امامزادگان می‌شوند.

در مورد زیارت حضرت موسی ابن جعفر علیهما السلام در کاظمین، پس از آداب و اذکاری که در بدو ورود به حرم نقل شده، سفارش شده که چون به در قبه شریفه رسیدی، بایست و اذن دخول طلب کن و بگو:

أدخل یا رسول الله؟ أدخل یا نبی الله؟ أدخل یا محمد بن عبدالله؟ أدخل یا

ص: ۴

امیرالمؤمنین؟ أدخل یا ابامحمدالحسن؟ أدخل یا ابا عبدالله الحسین؟ أدخل یا ابا محمد علی بن الحسین؟ أدخل یا ابا جعفر محمد بن علی؟ أدخل یا ابا عبدالله جعفر بن محمد، أدخل یا مولای یا ابالحسن موسی بن جعفر؟ أدخل یا مولای یا ابا جعفر، أدخل یا مولای محمد بن علی؟ (۱)

جالب این جاست که برای ورود به حرم امام موسی بن جعفر و امام جواد علیهما السلام، ابتدا از حضرت رسول صلی الله و علیه و آله، سپس از امیرالمؤمنین علیه السلام و آن گاه از هر یک از امامان قبل از آنها، اذن دخول طلبیده می‌شود؛ سپس از خود آن دو پیشوای معصوم که در حرم کاظمین مدفونند، اذن دخول خواسته می‌شود و این، همان مضمونی است که در اذن دخول‌های دیگر هم مطرح شده است و هر یک از این حرم‌های شریف اولیای دین، خانه پیامبر صلی الله و علیه و آله و سرای عترت مصطفی به شمار می‌رود که متعلق به این خاندان پاک است.

در این قسمت، نقل کلام مرحوم شیخ عباس قمی در آداب زیارت، خالی از لطف نیست. وی به عنوان ادب نهم از آداب زیارت، می‌نویسد:

نهم: بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن، به تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور، و این که می‌بیند ایستادن او را و می‌شنود کلام او را جواب می‌دهد سلام او را، چنان که به همه اینها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبیر در محبت و لطفی که به شیعیان و زائرین خود دارند و تأمل در خرابی‌های حال خود و خلاف‌ها که با آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی‌حدّ که از ایشان نشنیده. و آزارها و اذیت‌ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزردهن ایشان است و اگر به راستی در خود نگرده، قدم‌هایش از رفتن بازایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این، روح تمام آداب است .... (۲)

انجام این سنت و رعایت این ادب، به طور طبیعی برای زائر هر یک از حرم‌ها، «انقلاب روحی» پیش می‌آورد و خود را در «محضر» صاحب قبر حسّ می‌کند و خشوع قلبی برایش پیدا می‌شود.

از قول مرحوم شهید نقل شده است که زائر، بر درگاه حرم بایستد؛ دعا کند و اذن بطلبد و اگر در دل خود، خشوعی احساس کرد و رقت قلب حاصل شد، وارد شود و گرنه، بهتر است که برای ورود، زمان دیگری را انتخاب کند که رقت قلب و خشوع، حاصل شود.

(۳)

۱- همان، بخش کیفیت زیارت امام موسی بن جعفر علیهما السلام.

۲- همان، آداب زیارت، ادب نهم.

۳- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۷ ص ۱۲۶.

ص: ۵

ورود سر زده و بی خبر و بدون اجازه به خانه دیگران، از جمله خانه حضرت رسول صلی الله و علیه و آله، دور از ادب و اخلاق است و اذن قبلی، نشانه حرمت نهادن به صاحب خانه است، حتی جبرئیل علیه السلام نیز هر گاه می خواست به حضور پیامبر خدا برسد، کنار در، اجازه می طلبید.

از قول مرحوم شهید نقل شده است که زائر، بر درگاه حرم بایستد؛ دعا کند و اذن بطلبد و اگر در دل خود، خشوعی احساس کرد و رقت قلب حاصل شد، وارد شود و گرنه، بهتر است که برای ورود، زمان دیگری را انتخاب کند که رقت قلب و خشوع، حاصل شود

ص: ۶

## زیارت و امامت

محمد محمدی ری شهری

به کوشش: محمود شریفی

اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام

یکی از مسائل بسیار مهم و قابل بررسی در ارتباط با موضوع زیارت، پیدا کردن راز آن همه تأکید و توصیه اهل بیت علیهم السلام به زیارت این خاندان بزرگوار است. وقتی سخنان اهل بیت علیهم السلام را در مورد ترغیب و تشویق به زیارت قبور خاندان رسالت، مرور می‌کنیم، با انبوهی از روایاتی روبه‌رو می‌شویم که در نگاه اول و در نگاه سطحی، قدری اغراق آمیز به نظر می‌رسند؛ ولی این روایات در منابع معتبر ما آمده، بسیاری از آنها از نظر سند هم صحیح می‌باشند. در این جا به روایاتی اشاره می‌کنیم که حج و زیارت اهل بیت علیهم السلام را با هم مقایسه کرده، تا ببینیم رمز این همه تأکید و تصریح به زیارت اهل بیت علیهم السلام، آن هم در مقایسه با حج، چیست و این روایات، چه پیامی برای پیروان اهل بیت علیهم السلام و پیروان قرآن دارند.

روایات زیادی درباره زیارت سیدالشهداء علیه السلام نقل شده که در بخش زیارت کتاب دانشنامه امام حسین علیه السلام گردآوری شده‌اند. در این جا، نمونه‌ای از این روایات را نقل می‌کنیم:

۱. قال الامام الصادق علیه السلام:

«من أتى قبر الحسين

عليه السلام

كتب الله له حجة و عمرة؛

(۱) کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بیاید، خداوند متعال برای او یک حج و یک عمره می‌نویسد».

۲. قال الامام الصادق علیه السلام:

ایما مؤمن زار الحسين بن علی

عليهما السلام

عارفاً بحقه فی غیر یوم عید، كتب له عشرون حجة و عشرون عمرة مبرورات متقبلات، و عشرون غزوة مع نبی مرسل او امام عادل؛  
(۲) هر مؤمنی قبر امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید، عارفانه و با شناخت حق او، زیارت کند، برای او ثواب بیست حج و بیست عمره نیکو و قبول شده و بیست جنگ همراه با پیامبر و امام عادل، نوشته می‌شود.

۳. «عن الامام الصادق علیه السلام قال:

کان الحسين بن علی

عليه السلام

ذات یوم فی حجر رسول الله

صلی الله و علیه و آله

یلاعبه و یضحکه، فقالت عائشة یا رسول الله ما اشد اعجابک بهذا الصبی!

فقال لها: و یلک و کیف لا احبه و لا اعجب به و هو ثمرة فؤادی، و قره عینی، اما ان امتی

۱- صدوق، ثواب الاعمال و عقابها، مکتبه الحیدریه، ۱۳۲۶، ص ۳۲۵، ح ۱.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۱۷، ح ۲۴.

ص: ۷

سقتلته، فمن زاره بعد و فاته كتب الله له حجتي من حججی. قالت: یا رسول الله حجۀ من حججک؟! قال: نعم، حجّین من حججی. قالت یا رسول الله حجّین من حججک؟ قال نعم و اربعه. قال فلم تزل تزاده و یزید و یضعف حتی بلغ تسعین حجۀ من حجج رسول الله

صلی الله و علیه و آله

باعمارها؛

(۱) روزی حسین بن علی علیهما السلام در دامن پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله بود که آن حضرت با او شوخی می کرد و او را می خنداند.

عایشه گفت: ای رسول خدا! چقدر از این کودک شگفت زده هستی؟ رسول خدا صلی الله و علیه و آله فرمود: وای بر تو! چرا او را دوست نداشته باشم و از او شگفت زده نباشم؛ در صورتی که میوه دلم و نور چشم من است و آگاه باش که امت من، او را به زودی می کشند؛ پس هر کس که او را زیارت کند، خداوند برای او ثواب حجی از حج های مرا می نویسد.

عایشه گفت: ثواب حجی از حج های شما؟ پیامبر فرمود: بله، بلکه ثواب دو حج از حج های من. عایشه دوباره گفت: ثواب دو حج؟ پیامبر فرمود: بله و ثواب چهار حج.

امام ششم علیه السلام فرمود: مرتب پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله بر این تعداد می افزود و می افزود تا رسید به نود حج، از حج های پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله.

۴. موسی بن جعفر علیه السلام قال:

من زار قبر ولدی کان له عندالله سبعین حجۀ مبرورۀ قلت: سبعین حجۀ؟ قال: نعم و سبعین الف حجۀ. قلت و سبعین الف حجۀ؟ قال نعم و رب حج لا تقبل و من زاره و بات عنده لیلۀ کان کمن زار الله فی عرشه؛

کسی که قبر فرزندم (امام رضا) را زیارت کند، برای او پیش خدا ثواب هفتاد حج نیکو خواهد بود، یحیی بن سلیمان مازنی می گوید: به امام گفتم: هفتاد حج؟! امام فرمود: بله و هفتصد حج. گفتم: ثواب هفتصد حج؟ فرمود:

بله و هفتاد هزار حج. گفتم: هفتاد هزار حج؟ فرمود: بله و چه بسا حجی که پذیرفته نمی شود و کسی که او را زیارت کند و یک شب کنار قبر آن حضرت بخوابد، همانند کسی است که خدا را در عرش او زیارت کند ....

عن ابی عبدالله علیه السلام قال:

من زار امیرالمؤمنین

علیه السلام

ماشياً كتب الله له بكلّ خطوة و عمره، فان رجع ماشياً كتب له بكلّ خطوة حجّتان و عمرتان

«؛ (۲) کسی که امیرالمؤمنین را با پای پیاده زیارت کند،

۱- ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۶۸؛ ثواب الاعمال و عقابها، ص ۳۲۸.

۲- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۳، ص ۵۱۹.



ص: ۸

خداوند متعال برای او برای هر قدمی که برداشته، ثواب یک حج و یک عمره می‌نویسد و اگر پیاده بر گردد، خداوند برای هر قدمی، ثواب دو حج و دو عمره ثبت می‌کند.

مقایسه زیارت ائمه علیهم‌السلام با حج

در بخش قابل توجهی از این روایات آمده است که ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام، معادل حج و عمره مستحبی است. در برخی از این روایات دیگر آمده که ثواب زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام، مخصوص کسی است که موفق نشده در آن سال به حج مشرف شود؛ ولی روایات بسیار زیادی که سندشان هم معتبر است، زیارت سیدالشهدا را به طور مطلق و کلی، بالاتر از حج و عمره، بلکه معادل هزار حج و عمره، دانسته است که تعدادی از آنها ذکر می‌شود.

۱. عن الصادق

علیه‌السلام

قال:

من زارالحسین

علیه‌السلام

یوم عرفة عارفاً بحقه، كتب الله له ألف حجة مقبولة و ألف عمره مبرورة؛

(۱) کسی که امام حسین علیه‌السلام را در روز عرفه با شناخت حق او زیارت کند، خداوند متعال ثواب هزار حج مقبول و هزار حج نیکو برای او می‌نویسد.

۲. قال الصادق

علیه‌السلام

لرفاعه و قد أخبره أنه زار الحسين

علیه‌السلام

یوم عرفة اخبرني ابي قال::

من خرج الى قبر الحسين

علیه‌السلام

عارفاً بحقه، غير مستكبر صحبه الف ملك عن يمينه و الف ملك عن يساره و كتب له الف حجة و الف عمره مع نبي او وصي نبي؛

(۲)

امام ششم به رفاعه که قبر امام حسین علیه‌السلام را روز عرفه زیارت کرده بود، خبر داد که پدرم - امام باقر علیه‌السلام - فرمود: کسی با شناخت حق امام حسین علیه‌السلام، برای زیارت به سوی قبر مطهر آن امام بیرون رود، هزار فرشته در طرف راست او و هزار فرشته در طرف چپ او، او را همراهی کرده، برای او ثواب هزار حج و هزار عمره‌ای که همراه پیامبری یا جانشین پیامبری انجام شوند، نوشته می‌شود.

از این نکته که بگذریم، روایتی است که مرحوم شیخ صدوق از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که در آن آمده است:

من زار واحداً منا كان كمن زار الحسين

علیه‌السلام؛ (۳) تمام آن ثواب‌هایی که برای زیارت امام حسین علیه‌السلام گفتیم، برای سایر اهل بیت علیهم‌السلام نیز هست.

از پیامبر اکرم صلی‌الله و علیه و آله نقل شده که فرمود:



من زارنی او زار احداً من ذرّیتی، زرتّه یوم القیامه فانقلّه من احوالها؛ (۴)  
کسی که مرا یا یکی از فرزندان مرا زیارت کند، من هم روز قیامت او را دیدار می‌کنم و از هول و

۱- شیخ طوسی، مصباح المتجهّد، ص ۷۱۵؛ ثواب الاعمال و عقابها، ص ۳۳۳، ح ۷.

۲- مصباح المتجهّد، ص ۷۱۶، ثواب الاعمال و عقابها، ص ۳۳۳، ح ۸.

۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۲۶.

۴- کامل الزیارات، ص ۱۱، ح ۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۳، ح ۳۱.

ص: ۹

هراس‌های آن روز نجاتش می‌دهم.

از امام صادق علیه السلام نیز چنین نقل شده است:

قال الحسين

عليه السلام

صلوات الله عليه لرسول الله

صلي الله و عليه و آله

ما جزاء من زارك؟ فقال يا بني من زارني حياً او ميتاً او زار أخاك او زارك كان حقاً عليّ ان ازوره يوم القيامة حتى اخلقه من ذنوبه؛.

(۱) امام حسین علیه السلام به رسول خدا صلی الله و علیه و آله عرض کرد:

پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله در پاسخ فرمود: ای فرزندم! کسی که مرا در زمانی که زنده هستم یا مرده‌ام، زیارت کند یا برادر تو را یا خود تو را زیارت کند، بر من لازم است که روز قیامت او را دیدار کنم؛ تا این که او را از گناهانش رهایی بخشم.

امام رضا علیه السلام فرمود:

من زار قبر ابی بیغداد کمن زار قبر رسول الله

صلي الله و عليه و آله

و قبر امیر المؤمنین

عليه السلام

ألا ان لرسول الله

صلي الله و عليه و آله

و لأمیر المؤمنین

عليه السلام

فضلهما؛

(۲)

کسی که قبر پدرم - موسی بن جعفر علیه السلام - را در بغداد زیارت کند، همانند کسی است که قبر مطهر رسول خدا صلی الله و علیه و آله و قبر امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کرده است، جز این که فضل و برتری رسول خدا و امیر المؤمنین که درود خدا بر آنان باد، جای خود دارد.

دلالت التزامی اینها این است که زیارت سایر اهل بیت علیهم السلام هم ثوابش از حج بیشتر و بلکه معادل هزار حج است. از این مهم‌تر، برخی از روایات تصریح می‌کنند که ثواب زیارت امام رضا علیه السلام، معادل یک میلیون حج است که احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی برایش خیلی تعجب آور بوده که چگونه می‌شود زیارت یک امام، معادل یک میلیون حج و ثوابش بیش از ثواب زیارت امام حسین علیه السلام باشد.

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می‌گوید در یک نوشته‌ای از امام رضا علیه السلام، دیدم که حضرت فرمود:

أبلغ شيعتي أنّ زیارتي عند الله تعدل ألف حجّة و الف عمره متقبلة كلّها

؛ به شیعیان و پیروان من بگو که زیارت من، ثواب هزار حج و هزار عمره مقبوله دارد؛

سپس می‌گوید:

با امام جواد علیه السلام این موضوع را در میان گذاشتم که چطور می‌شود ثواب زیارت پدر بزرگوار شما، معادل هزار حج و هزار عمره باشد؟ گویا می‌خواسته سؤال بکند آیا این روایت، صحیح است و نوشته، نوشته پدر شماست؟ امام جواد علیه السلام پاسخ داد:

---

۱- کامل الزیارات، ص ۱۱، ح ۲.

۲- کافی، ح ۲، ص ۵۸۳، ح ۱.

ص: ۱۰

«ای واللّه و ألف ألف حجّة لمن زاره عارفاً بحقه؛

(۱) بلی، به خدا سوگند! معادل یک میلیون حج است؛ برای کسی که پدرم را عارفاً بحقه زیارت کند».

این روایت نشان می‌دهد که عدد در این جا مفهوم ندارد. همچنین درباره سایر روایاتی که اختلاف در عدد دارند، باید گفت که در آنها عدد مفهوم ندارد و به معنای مطلق کثرت است و این روایت هم مؤید همین معناست و در واقع، امام علیه‌السلام می‌خواهد بگوید که اصلاً قابل مقایسه نیست.

این را هم عرض کنم که شبیه این تردید را علی بن مهزیار هم در این روایت داشته است. او می‌گوید: من با امام جواد علیه‌السلام این مسئله را در میان گذاشتم که چگونه می‌شود ثواب زیارت پدر شما از ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام بیشتر باشد؟ حضرت فرمود:

زيارة أبي أفضل و ذلك أنّ أبا عبد الله يزوره كلّ الناس و ان أبي لا يزوره إلّا الخواصّ من شيعة

(۲)

علتش این است که امام حسین علیه‌السلام را همه زیارت می‌کنند؛ ولی پدرم را فقط خواص از شیعه [کسانی که شیعه دوازده امامی هستند] زیارت می‌کنند».

این نشان می‌دهد که شرایط سیاسی-اجتماعی در این که ثواب زیارت کدام امام بیشتر است، دخالت دارند.

پیام روایات و تحلیل آنها

برای فهم دقیق این روایات، چند نکته زیر قابل توجه است:

۱. بدون تردید، موضوع سنجش در این روایات، سنجش حج واجب و زیارت مستحب نیست و منظور این نیست کسی که حج برایش واجب و مستطیع است، حجش را ترک کند و به جای آن، به زیارت قبور یکی از اهل بیت علیهم‌السلام برود؛ بلکه مقایسه میان زیارت مستحب و حج مستحب است و به این مطلب- همان طور که اشاره کردم- در بعضی از روایات، تصریح شده که بعد از حجّه‌الاسلام و بعد از حج تمتّع، ثواب زیارت قبور اهل بیت علیهم‌السلام، ثوابش بیشتر از حج مستحب است.

به روایت ذیل توجه کنید:

عن محمد بن سليمان قال سألت ابا جعفر

عليه السلام

عن رجل حج حجّة الاسلام فدخل متمتعاً بالعمرة الى الحج فأعانه الله على عمرته و حجه ثم اتى المدينة فسلم على النبي

صلى الله و عليه و آله

ثم اتاك عارفاً بحقك يعلم أنّك حجّة الله على خلقه و باب الذي يؤتى منه فسلم عليك ثم اتى ابا عبد الله الحسين

عليه السلام

ثم اتى بغداد و سلم على ابي الحسن موسى

عليه السلام

ثم انصرف الى بلاده، فلما كان في وقت الحج رزقه الله الحج فأيهما افضل

۲- التهدیب، ج ۶، ص ۸۴ ح ۱.

ص: ۱۱

هذا الذي قد حج حجة الاسلام يرجع ايضاً فيحج او يخرج الى خراسان الى ابيك علي بن موسى

عليه السلام

فسلم عليه؟ قال:

[لا

[ بل ياتي خراسان فيسلم علي ابي الحسن

عليه السلام

افضل و ليكن ذلك في رجب و ...؛

(۱)

محمد بن سلیمان گوید: از امام جواد علیه السلام در مورد مردی سؤال کردم که موفق به انجام حجه الاسلام شده است؛ او نیت عمره تمتع و حج تمتع کرد و خداوند هم او را کمک کرد و عمره و حج را انجام داد و سپس به مدینه آمد- و موفق به زیارت پیامبر صلی الله و علیه و آله شد- و به آن حضرت سلام کرد و سپس در حالی که عارف به حق شما بود و می دانست تو حجت خدا بر خلق او هستی و بابتی هستی که از آن باید وارد شد، خدمت شما آمد و به شما سلام کرد؛ سپس به زیارت امام حسین علیه السلام رفت و بعد به بغداد آمد و سلام بر امام هفتم کرد و سپس به شهر خود برگشت و سال بعد که ایام حج شد، خداوند هزینه حج را روزی او کرد؛ ایام انجام حج الآن- دوباره- برای او بهتر است یا این که بهتر است به خراسان برود و پدر شما علی بن موسی الرضا علیه السلام را زیارت و بر او سلام کند؟ امام فرمود: نه، بهتر است به خراسان بیاید و سلام به ابي الحسن علیه السلام بکند که افضل است و این زیارت هم در ماه رجب باشد.

۲. این روایات، نخستین پیامشان این است که می خواهند به امور مهم و سرنوشت ساز اجتماعی جامعه اسلامی، توجه دهند و مقصود این نیست که از اهمیت حج بکاهند؛ زیرا اگر حج اهمیت نداشته باشد، معیار قرار دادن آن، مناسبتی ندارد و این که زیارت اهل بیت علیهم السلام را با حج مقایسه می کنند، نشانه این است که حج، مهم است؛ ولی زیارت اهل بیت علیهم السلام در شرایط خاصی، مهم تر است و این موضوع، اختصاص به زیارت اهل بیت علیهم السلام هم ندارد. در روایاتی نقل شده که اصلاح میان زن و شوهر یا صبر در مصائب، پاداش هزار شهید را دارد. این روایات، نمی خواهند که مردم را از جبهه رفتن و جهاد و رزم باز دارند؛ بلکه می خواهند بگویند که این، کار مهمی است و در جایی که نیازی به جبهه نیست، این کار، ثوابش از جبهه رفتن بیشتر است؛ نه این که در جایی که جامعه اسلامی به جهاد و مجاهد نیاز دارد، مردم جبهه ها را خالی بگذارند؛ تا دشمن وارد خاک کشور اسلامی بشود و بعد بگویند که نمی خواهد بروی جبهه؛ بیا برو میان زن و شوهر را اصلاح کن؛ چون این، ثوابش بیشتر است. این روایات در واقع، می خواهند اهمیت پیشگیری از متلاشی شدن یک خانواده را بیان کنند و به بیان روشن تر، از آن جا که اهمیت حج و اهمیت شهادت در راه خدا، بین مسلمانان معلوم است، پیشوایان اسلام برای توجه دادن مسلمانان به ارزش و اهمیت مسائل مهم اجتماعی که نقشی اساسی در سازندگی جامعه دارند، آنها را با حج و جهاد مقایسه می کنند و به کسانی که در کنار وظایف واجب خودشان، به



ص: ۱۲

این مسائل می‌پردازند، مژده می‌دهند که ثواب شما، بیشتر است و خداوند از فضل خودش، پاداشی به شما عنایت می‌کند که قابل مقایسه با حج مستحبی و عمره مستحبی نیست و اگر کسی می‌خواهد عمره مستحبی انجام بدهد یا حج مستحبی انجام بدهد، بهتر است برای یک خانواده بیچاره‌ای، خانه بخرد یا برای ازدواج یک جوان، اقدام کند. بنابراین، علت مضاعف بودن پاداش در اموری که به آنها اشاره شد، این است که از یک سو ملاک وجوب در اینها نیست تا شارع واجب بکند و از سوی دیگر، برای ساختن جامعه مطلوب اسلامی، ضرورت دارد که این کار انجام شود. از این رو، برای بیان اهمیت این کار و برای این که مردم خیال نکنند که همه ثواب‌ها در حج و عمره خلاصه می‌شوند، مردم به این سلسله امور، تشویق شده‌اند.

۳. اصلی‌ترین نکته این است که مهم‌ترین نقش سیاسی-اجتماعی زیارت اهل بیت علیهم‌السلام در همین موضوع خلاصه می‌شود. روایاتی که تأکید می‌کنند زیارت امام حسین علیه‌السلام برتر از حج است یا زیارت اهل بیت علیهم‌السلام مثل زیارت امام حسین علیه‌السلام است، یعنی ثواب آن هم بیش از حج است و روایتی که می‌گوید زیارت امام رضا علیه‌السلام معادل یک میلیون حج است، در شرایط سیاسی-اجتماعی، این مسئله تفاوت دارد و در واقع، همه این روایات می‌خواهند جامعه را به این مسئله توجه بدهند که روح همه عبادات-که حج جامع‌ترین آنهاست-حاکمیت نظام اسلامی است و این روایات، بیان می‌کنند که حاکمیت نظام مبتنی بر آرمان‌های توحیدی، با رهبری امام عادل تحقق می‌یابد و این، روح همه عبادات است؛ زیرا در سایه حاکمیت اهل بیت است که همه ارزش‌ها در جامعه تحقق می‌یابند. کلینی در کافی از امام رضا علیه‌السلام چنین نقل می‌کند:

«إِنَّ الإِمَامَةَ أَسُّ الأِسْلَامِ؛

(۱) اساس اسلام، امامت و رهبری است».

این روایات، بیان می‌کنند که رهبری امام عادل و اهل بیت علیهم‌السلام که جلوه کامل حاکمیت توحید هستند، روح و جوهر حقیقی حج است و حجی با حقیقت همراه است که در سایه رهبری امام عادل باشد. حجی همراه با حقیقت است که با حاکمیت امام عادل در جامعه، همراه باشد؛ اما آن حجی که در حاکمیت طاغوت انجام می‌شود، در واقع، ظاهر حج است. سراسر حج، لیبیک گویی به خدای واحد و برائت از مشرکین است. بنابراین، جامعه‌ای که بنای مبارزه با شرک و کفر و سردمداران شرک و کفر را ندارد، در آن جامعه، حج واقعیت پیدا نمی‌کند. حجی که با نظام توحیدی و امامت پیوند نخورد، در واقع، با حقیقت خودش پیوند نخورده، بلکه حج جاهلیت است.

در روایتی چنین آمده است:

نظر ابو جعفر الی الناس یطوفون حول الکعبه؛ امام باقر علیه‌السلام مردمی را دید که [با ولایت و امامت پیوند ندارند] دور کعبه می‌گردند؛ فرمود: «

هكذا یطوفون فی الجاهلیه؛

در جاهلیت هم همین طور طواف می‌کردند.

این در زمان امام باقر علیه‌السلام بود که امام می‌فرماید: این حجی که با امامت پیوند ندارد، حج جاهلیت است و بعد حضرت



ص: ۱۳

می‌فرماید:

إِنَّمَا أَمْرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا فَيَعْلَمُونَ أَوْلَايَتَنَا مَوَدَّتْهُمْ وَيَعْرَضُوا عَلَيْنَا نَصْرَتَهُمْ؛

(۱) اصلاً آمدن این حج، برای این است که بیایند این جا و طواف کنند و بعد بیایند مودت خودشان را به ما عرضه کنند و برای این است که یاری خودشان را به ما و برای برپایی حکومت اسلامی، اعلام بکنند.

امام علیه السلام در روایت دیگری می‌فرماید:

تمام الحج لقاء الإمام؛

(۲) آن حجی کامل است که همراه با دیدار امام باشد و با امامت، پیوند بخورد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

إذا حج أحدكم فليختم حجّه بزيارتنا لأن ذلك من تمام الحج.

(۳)

اینها در واقع، همه به یک نکته اساسی اشاره می‌کنند. این روایات به روشنی نشان می‌دهند که ولایت اهل بیت علیهم السلام، روح حج و حقیقت حج است و حج بدون پیوند با رهبری امام عادل و برائت از سران شرک حاکم در جامعه، حج واقعی نیست.

رابطه زیارت ائمه علیهم السلام با حج

با در نظر گرفتن نکاتی که عرض کردم، این راز گشوده می‌شود که آن همه فضیلتی که برای زیارت امام حسین علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام نقل شده، برای این است که عبادات و در رأس همه، حج، با روح ائمه علیهم السلام پیوند داده شوند.

وقتی گفته می‌شود که زیارت امام رضا علیه السلام، با یک میلیون حج مستحبی برابر است، یعنی تا ولایت اهل بیت نباشد، حج که جامع‌ترین عبادات است، مفهوم و معنا ندارد و در واقع، همه این عبادات می‌خواهند مسلمانان را برای حکومت جهانی اسلام، به رهبری مهدی آل محمد صلی الله و علیه و آله آماده کنند. پس مهم‌ترین پیام سیاسی تأکید بر زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، زمینه‌سازی برای حکومت اهل بیت علیهم السلام است و این پیام، از زیارت همه حرم‌های مربوط به اهل بیت علیهم السلام، قابل استنباط و استشمام است و به این دلیل، زیارت هر امامی که این محتوا را بیشتر برساند، فضیلت بیشتری دارد. آن زیارتی که مردم را برای تشکیل حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام بیشتر آماده کند و برای زمینه‌سازی حکومت جهانی اسلام، مناسب‌تر باشد، آن زیارت، ارزشش بیشتر است.

از این رو، در روایات، تأکید بیشتری روی زیارت سیدالشهدا علیه السلام شده است و به همین دلیل است که این زیارت، تأثیر بیشتری دارد؛ البته در بعضی از اعصار و در بعضی شرایط سیاسی-اجتماعی، ممکن است این پیام در زیارت یکی دیگر از امامان، نمود بیشتری داشته باشد؛ همان طور که در زیارت امام رضا علیه السلام بیان شد؛ اما به طور مطلق، در طول

۱- همان، ص ۳۹۲، ح ۱.

۲- همان، ج ۴، ص ۵۴۹، ح ۲.

۳- صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱.



ص: ۱۴

تاریخ، تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام، پیامی که زیارت سیدالشهدا علیه السلام برای تشکیل حکومت اسلامی به رهبری اهل بیت علیهم السلام دارد، از همه امامان، قوی تر است و به همین جهت، تأکید بیشتری روی زیارت سیدالشهدا شده است. سوتیتر:

در بخش قابل توجهی از این روایات آمده است که ثواب زیارت امام حسین علیه السلام، معادل حج و عمره مستحبی است. در برخی از این روایات دیگر آمده که ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام، مخصوص کسی است که موفق نشده در آن سال به حج مشرف شود؛ ولی روایات بسیار زیادی که سندشان هم معتبر است، زیارت سیدالشهدا را به طور مطلق و کلی، بالاتر از حج و عمره، بلکه معادل هزار حج و عمره، دانسته است

بدون تردید، موضوع سنجش در این روایات، سنجش حج واجب و زیارت مستحب نیست و منظور این نیست کسی

ص: ۱۵

که حج برایش واجب و مستطیع است، حجتش را ترک کند و به جای آن، به زیارت قبور یکی از اهل بیت علیهم‌السلام برود؛ بلکه مقایسه میان زیارت مستحب و حج مستحب است و به این مطلب - همان طور که اشاره کردم - در بعضی از روایات، تصریح شده که بعد از حجة‌الاسلام و بعد از حج تمتع، ثواب زیارت قبور اهل بیت علیهم‌السلام، ثوابش بیشتر از حج مستحب است. در روایات، تأکید بیشتری روی زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام شده است و به همین دلیل است که این زیارت، تأثیر بیشتری دارد؛ البته در بعضی از اعصار و در بعضی شرایط سیاسی - اجتماعی، ممکن است این پیام در زیارت یکی دیگر از امامان، نمود بیشتری داشته باشد

## زیارت در سیره معصومین علیهم السلام

محمود شریفی

اعتقاد به معاد یکی از مهم‌ترین ارکان اعتقادی و اصول دین به شمار می‌رود و قرآن هم روی آن بسیار تأکید کرده و آیات فراوانی را به آن اختصاص داده است. توجه به روز قیامت و یادآوری آن، برای تربیت انسان و حفظ انسان از افتادن در مسیرهای انحرافی، نقش بسیار مهمی دارد.

از این رو، رفتن به زیارت قبور، به ویژه قبور انسان‌های وارسته، از جایگاه خاصی برخوردار است که ملت‌های مختلف جهان و به ویژه خداپرستان عالم، آن را کاری پسندیده دانسته، به آن عمل می‌کنند.

اسلام نیز که کامل‌ترین ادیان است، آن را تجویز و تأیید کرده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله و جانشینان او در سخنان خود، مردم را به رفتن به زیارت قبور اولیای الهی و مؤمنین فرا خوانده‌اند و احادیث فراوانی درباره تشویق و ترغیب به زیارت قبور، به ویژه قبور ائمه علیهم السلام، در حد تواتر به ما رسیده که در کتاب‌های حدیثی ثبت شده‌اند.

پیشوایان دین علاوه بر گفتار فراوانی که در این زمینه دارند، در عمل نیز خود پیشتاز بوده و پیروان خود را به این سیره حسنه و بزرگداشت یاد و خاطره گذشتگان و بهره‌گیری از روح بلند و ملکوتی آنان و خودسازی، راهنمایی کرده‌اند که در این جا به مواردی از آنها الگوها اشاره می‌کنیم:

سیره زیارتی پیامبر صلی الله و علیه و آله در کتاب‌های اهل سنت

الف. زیارت بقیع

۱. ابن ماجه در سنن خود این چنین آورده است:

عن عائشۀ قالت: فقدتہ - / تعنی النبئ

صلی الله و علیه و آله

- فاذا هو بالبقیع فقال: السلام علیکم دار قوم مؤمنین، انتم لنا فرط و انا بکم لاحقون، اللهم لا تحرمننا اجرهم و لا تفتننا بعدهم؛ عایشه می‌گوید: پیامبر صلی الله و علیه و آله را گم کرده بودم- و به دنبالش می‌گشتم- آن گاه او را در بقیع یافتیم که می‌فرمود: سلام بر شما باد ای کسانی که در خانه گروه مؤمنان هستید! شما پیش فرستادگان ما هستید و ما هم به زودی به شما ملحق خواهیم شد،- سپس چنین دعا کرد- خدایا از پاداش آنان ما را محروم مگردان و ما را پس از آنان، مورد آزمایش قرار مده.

۲. ابن شَبَّه نیز از همسر پیامبر صلی الله و علیه و آله چنین نقل کرده است:

ص: ۱۷

عن عائشة قالت: خرج رسول الله

صلی الله و علیه و آله

من عندی، فظننت أنه خرج إلى بعض نسائه، فتبعه حتى جاء البقیع فسلم و دعا ثم انصرف، فسألته: أين كنت؟ فقال: أتت امرت أن اتی

اهل البقیع فأدعو لهم و اصلی علیهم؛ (۱)

رسول خدا از پیش من بیرون رفت؛ من خیال کردم پیش یکی از همسران خود رفت. از او سؤال کردم: کجا بودی؟ فرمود: من

مأمور شدم به بقیع بروم و برای آنان دعا کنم و بر آنان درود فرستم.

۳. همچنین ابن شُبّه از ابی رافع - آزاد شده پیامبر صلی الله و علیه و آله - این طور نقل می کند:

عن ابی رافع - مولى رسول الله

صلی الله و علیه و آله

- أن رسول الله

صلی الله و علیه و آله

أتی البقیع فوقف فدعا و استغفر؛ (۲)

رسول خدا صلی الله و علیه و آله به بقیع آمد و ایستاد؛ سپس دعا و استغفار کرد.

۴. بیهقی در کتاب معروف خود از عایشه چنین نقل کرده است:

كان رسول الله

صلی الله و علیه و آله

كلما كان ليلتها من رسول الله

صلی الله و علیه و آله

يخرج من آخر الليل الى البقیع فيقول: السلام عليكم، دار قوم مؤمنين ايانا و اياكم ما توعدون، فأتانا ان شاء الله بكم لاحقون، اللهم اغفر

لاهل البقیع الغرقد. (۳)

ب. زیارت قبر مادر

۱. حاکم نیشابوری چنین نقل کرده است:

زار النبى

صلی الله و علیه و آله

قبر امه فى الف مقنّع فلم یر باکیاً اکثر من یومئذ؛ (۴)

رسول خدا صلی الله و علیه و آله با هزار نفر سوار مسلح - در بازگشت از جنگ - به زیارت قبر مادرش رفت - و بسیار گریست - به

طوری که هیچ گاه بیشتر از این وقت، گریان نبود.

۲. محمد بن سعد گوید:

مرّ رسول الله

صلی الله و علیه و آله

فى عمرة الحديبية بالابواء قال: إن الله قد أذن لمحمد فى زیارة قبر أمه فأتاه رسول الله

صلی الله و علیه و آله

فاصلحه و بکی عنده، و بکی المسلمون لبكاء رسول الله

صلی الله و علیه و آله

فقیل له؟ فقال: ادرکتی رحمتها فبکیت؟ (۵)

پیامبر خدا صلی الله و علیه و آله در عمره حدیبیه - سال ششم هجری - به ابواء (۶) که رسید، فرمود: خداوند به محمد اجازه داد که به زیارت مادرش برو؛ پس پیامبر خدا به آن جا آمد و قبر مادرش را بازسازی کرد و کنار قبر مادرش گریست و مسلمانان نیز به

۱- ابن شُبّه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۹۰؛ احمد حنبل، مسند، ج ۶، ص ۷۶.

۲- ابن شُبّه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۹۴.

۳- سنن الکبری، ج ۸، ص ۵۱؛ موسوعة سنن الرسول الاعظم صلی الله و علیه و آله، ص ۵۹۱، ح ۱۷۹۹.

۴- المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۴۴۲، ح ۳۵۵۱۴.

۵- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۸؛ تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۹۸، شماره ۳۷۹۱ با تلخیص.

۶- ابواء، روستایی میان مکه و مدینه است که در ۲۷ کیلومتری جحفه واقع شده است.

ص: ۱۸

خاطر گریه آن بزرگوار، گریستند و بعد آنان به او گفتند: چه شده است؟ فرمود: دلم به یاد مهر و محبت او افتاد و گریه کردم.  
۳. مسلم در صحیح خودش و ابن ماجه (۱) با اسناد خودشان از ابی هریره روایت کرده‌اند که او گفت:

زار النبی

صلی الله و علیه و آله

قبر امه فبکی و ابکی من حوله فقال

صلی الله و علیه و آله

: استاذنت ربی فی أن أستغفر لها فم یأذن لی و استأذنته فی أن ازور قبرها فأذن لی، فزروا القبور فأنها تذاکر کم الموت قال النودی فی شرح صحیح مسلم: هو حدیث صحیح بلاشک؛

پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله قبر مادرش را زیارت کرد؛ پس آن جا گریست و کسانی را هم که اطراف او بودند، گریاند؛ سپس فرمود: من از خدا خواستم که اجازه دهد برای او استغفار کنم؛ ولی به من اجازه نداد؛ ولی از خدا اجازه خواستم که قبر مطهر او را زیارت کنم؛ پس اجازه داد. بنابراین، شما هم قبرها را زیارت کنید؛ زیرا زیارت قبور، مرگ را یادآوری می‌کند.

نووی در شرح صحیح مسلم گفته است: این حدیث، بدون شک صحیح است.

علت این که آنان مسئله اجازه گرفتن پیامبر را در مورد قبر مادرش مطرح کرده‌اند، این است که مادر پیامبر صلی الله و علیه و آله، مشرک بوده است؛ ولی مسلم و ثابت است که مادر پیامبر صلی الله و علیه و آله، همانند پدران و اجداد پیامبر، مؤمن و موحد بوده است و این توجیه و تفسیر، مخالف با اصول و عقاید اسلامی است و آنان با این تفسیر و تحلیل می‌خواهند مشرک بودن پدران و اجداد خلفا را بدون اشکال جلوه دهند؛ زیرا شیعه معتقد است که امام جامعه، علاوه بر این که خود باید موحد باشد، پدر و اجداد وی هم باید موحد باشند.

ج. زیارت عثمان بن مظعون

مؤلف کتاب شذرات الذهب می‌گوید: «ابن عماد حنبلی در ضمن بیان حوادث سال دوم هجرت چنین آورده است:

و فیما توفی عثمان بن مظعون القرشی الجمحی و هو اول من المهاجرین بالمدينة بعد رجوعه من بدر، و قبله النبی

صلی الله و علیه و آله

و هو میّت، و کان یزوره؛ (۲)

در سال دوم هجری، عثمان بن مظعون وفات کرد و او نخستین مهاجر به مدینه بود که پس از بازگشت از جنگ بدر، از دنیا رفت و پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله او را که مرده بود، بوسید و مرتب او را زیارت می‌کرد.

ابن ابی الحدید به نقل از واقدی چنین آورده است:

مرّ رسول الله

صلی الله و علیه و آله

علی قبر مصعب بن عمر، فوقف علیه و دعا و قرأ: (من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نجبه و منهم من

ینتظر و ما بدلوا



۲- شذرات الذهب، ج ۱، ص ۹؛ موسوعه الزیارات المعصومین علیه السلام، مقدمه، ص ۹۶.

ص: ۱۹

تبدیلًا) ثم قال: ان هولاء شهداء عند الله يوم القيامة، فاثوهم فزروهم و سلّموا عليهم، و الذی نفسى بیده لا یسلّم علیهم احد الی يوم  
القیامة الا ردّوا علیه؛ (۱)

وقتی رسول خدا صلی الله و علیه و آله در حال عبور به قبر مصعب بن عمیر رسید، ایستاد و دعا کرد؛ سپس آیه «  
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الرَّجَالَ ...

» را خواند و سپس فرمود: «اینها روز قیامت پیش خدا جزء شهدا هستند؛ پس کنار این شهدا بیایید و آنان را زیارت کنید و بر آنان  
سلام کنید؛ سپس اضافه کرد: قسم به کسی که جانم در دست اوست، هر کسی تا روز قیامت بر آنان سلام کند، آنان جواب سلام  
او را می دهند.

د. زیارت شهدای احد

۱. عباد بن ابی صالح می گوید:

ان رسول الله

صلی الله و علیه و آله

كان یأتی قبور الشهداء بأحد علی رأس کل حول فیقول: السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار.

(۲)

قال و جاءها ابوبکر ثم عمر ثم عثمان.

(۳)

رسول خدا صلی الله و علیه و آله هر سال به زیارت قبور شهدای احد می آمد و چنین می فرمود: «سلام و درود بر شما به واسطه صبر  
و تحملی که از خود نشان دادید! سرای آخرت چه سرای نیکویی است؛ سپس افزود: ابوبکر و عمر و عثمان نیز برای زیارت قبور  
شهدا می آمدند.

۲. عبد الاعلی بن عبدالله بن الی مروه از پدرش چنین نقل می کند:

انّ النبی

صلی الله و علیه و آله

زار قبور الشهداء بأحد فقال: اللهم انّ عبدک و نبیک یشهد انّ هؤلاء شهداء، و أنّه من زارهم و سلم علیهم الی يوم القیامة ردّوا علیه

«؛ (۴)

پیامبر عظیم الشان، قبور شهدای احد را زیارت می کرد و در زیارتش خطاب به آنان چنین می فرمود: خدایا! بندهات و پیامبرت،  
شهادت می دهد که اینها شهیدند و هر کس آنان را تا روز قیامت زیارت کند، آنان جواب سلام او را می دهند.

۳. ابی داوود از طلحه بن عبیدالله چنین آورده است:

خرجنا مع الرسول

صلی الله و علیه و آله

یرید قبور الشهداء حتی اذ اشرفنا علی حرة و اقم فلما تولینا منها و اذا قبور بمنحیة قال قلنا: یا رسول الله اقبور اخواننا هذه؟ قال:  
اصحابنا فلما جئنا قبور الشهداء قال: هذه قبور اخواننا؛

(۵)

ما همراه رسول خدا صلی الله و علیه و آله که عازم زیارت قبور شهدا بود، از شهر بیرون رفتیم؛ تا این که مشرف به حره واقم (۶)

شدیم. هنگامی نزدیک آن جا رسیدیم، آن

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۴۰؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۱.

۲- رعد، آیه ۲۴.

۳- ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۳۲؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲.

۴- وفاء الوفاء، ج ۹۳۲؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۸۲، ح ۲۹۸۹۷ با تلخیص.

۵- ابی داوود، سنن، ج ۲، ص ۲۱۸، شماره ۲۰۴۳؛ سنن الکبری، ج ۸، ص ۵۲، ح ۱۰۴۳۴.

۶- حرّه واقم، یکی از دو حرّه شرقیه است؛ حرّه زمینی است که دارای سنگ‌های سیاه و زمخت است (مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۸۵).

ص: ۲۰

جا قبوری در بلندی واقع شده بودند. در این هنگام به رسول خدا صلی الله و علیه و آله گفتیم: ای رسول خدا! آیا اینها قبور برادران ماست؟ فرمود: اینها قبور اصحاب ماست. هنگامی که نزدیک قبور شهدا آمدیم، فرمود: اینها قبور برادران ماست.

۵. زیارت قبور با پای پیاده

طبرانی با اسناد خود از ابن عمر نقل کرده است که روش پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله در زیارت چنین بود:

كان رسول الله

صلى الله و عليه و آله

يذهب الى الجبان ماشياً و يرجع ماشياً

«(۱)»

رسول خدا صلی الله و علیه و آله برای زیارت قبور، با پای پیاده می‌رفت و پیاده هم بر می‌گشت.

سیره زیارتی پیامبر صلی الله و علیه و آله در کتاب‌های شیعه

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

لاتدع اتيان المشاهد كلها مسجد قبا فإنه المسجد الذي اسس على التقوى من أول يوم و مشربة أم ابراهيم و مسجد فضيغ و قبور

الشهداء و مسجد الاحزاب و هو مسجد الفتح، قال: و بلغنا ان النبي

صلى الله و عليه و آله

كان اذا اتى قبور الشهداء قال: السلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار...؛

«(۲)»

زیارت همه مشاهد مشرفه را همانند مسجد قبا که از روز اول بر پایه تقوا بنا نهاده شد و مشربه ام ابراهیم و مسجد فضیغ و قبور شهدا

و مسجد احزاب را که همان مسجد فتح است، رها نکن؛ سپس فرمود: به ما چنین رسیده است که پیامبر صلی الله و علیه و آله

هنگامی که به زیارت قبور شهدا می‌آمد، چنین می‌فرمود:

سلام بر شما به خاطر صبر و بردباری که ورزیدید و سرای آخرت، چه سرای نیکویی است.

۲. امام باقر علیه السلام فرمود:

كان رسول الله

صلى الله و عليه و آله

اذا مرّ بقبور قوم مؤمنين قال: السلام عليكم من ديار قوم مؤمنين، و إنا ان شاء الله بكم لاحقون

«(۳)»

رسول خدا صلی الله و علیه و آله هنگامی که از کنار قبور مؤمنان می‌گذشت، چنین می‌فرمود: از ديار مؤمنان بر شما سلام باد و اگر

خدا بخواهد، ما به شما ملحق خواهیم شد.

۱- المعجم الكبير، ج ۱۲، ح ۱۳۳۸۲؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۵۹.

۲- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۶۰، ح ۱؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷، ح ۱۸؛ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۵، ح ۱.

۳- ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۳۲، ح ۱۳؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه ۱: ۱۷۹، ح ۵۳۲؛ موسوعه سنن الرسول الاعظم، ص ۵۹۰، ح ۱۷۹۶.

ص: ۲۱

۳. مرحوم شیخ مفید می‌نویسد:

پیامبر عظیم الشان در زمان حیاتش دستور می‌داد که به زیارت حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام بروید و خودش نیز به زیارت شهدا می‌رفت و حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها نیز پس از رحلت پیامبر صلی الله و علیه و آله، مرتب به زیارت قبر حضرت حمزه می‌رفت و مسلمانان نیز به زیارت او رفته، ملازم قبر او می‌شدند. (۱)

۴. دیلمی می‌گوید:

رسول خدا صلی الله و علیه و آله هنگامی که به قبرستان وارد می‌شد، خطاب به مردگان چنین می‌فرمود:  
سلام بر شما ای جسمان فانی شده و استخوان‌های پوسیده شده و از دنیا خارج شده.  
سپس می‌فرمود:

خدایا بر آنان آسایش و راحتی عنایت فرما و سلامی از ما و خودت که ارحم الراحمین هستی، به آنان برسان. (۲)

سیره زیارتی امیر المؤمنین علیه‌السلام

۱. ذیال بن حرمه می‌گوید:

کان علی بن ابیطالب

علیه السلام

یقدو و یروح علی قبر رسول الله

صلی الله و علیه و آله

بعد وفاته و بیکی تفجیعا ثم یقول: یا رسول الله ما احسن الصبر الا عنک و اقیح البكاء الا علیک.

ما غاض دمی عند نازله الا جعلتک للبكاء مسبباً

و اذ ذکر تک میتاً سفحت منی الجقون ففا فی وانسکبا

ثم یمرغ وجهه فی التراب و بیکی و یندب و یذکر ما حلّ به بعده و یقول بعد ذلک:

ماذا علی من شمّ تربته احمد الا یشمّ مدی الزمان غوالیا

صبت علی مصائب لو أنّها صبت علی الايام عون لیالیا (۳)

علی بن ابی طالب علیه السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله، مرتب نزد قبر آن بزرگوار می‌رفت و می‌گریست و سپس می‌فرمود: بردباری زیباست؛ مگر در مصیبت تو و گریه ناپسند است؛ مگر بر تو و سپس می‌فرمود: هرگز اشکم در مشکل و مصیبتی کم نشد؛ مگر آن که تو را سبب گریه قرار دادم. چون از تو یاد می‌کنم، اشک چشمانم سخاوتمندانه سرازیر می‌شود.  
بعد امام علیه السلام صورتش را بر خاک می‌گذاشت و گریه و زاری می‌کرد و از آن

۱- الفصول المختارة، ص ۱۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۴۴، موسوعه سنن الرسول الاعظم، ص ۵۹۱، ح ۱۷۹۸۱.

۲- دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۵۸.

۳- قاضی القضاة، دستور معالم الحکم، ص ۱۹۸؛ موسوعه زیارات المعصومین، مقدمه، ص ۱۰۰، ح ۱.



ص: ۲۲

چه بعد از پیامبر به او رسیده، یاد می‌کرد و می‌فرمود: آن کس که خاک تربت احمد را می‌بوید، او را چه زیان اگر در طول روزگار، بوی عطری را استشمام نکند.  
مصیبت‌هایی بر من فرود آمدند که اگر بر روزها فرود می‌آمدند، به شب تبدیل می‌شدند».

روایت شده که امیر مؤمنان علی علیه السلام هر هفته قبر پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و حضرت فاطمه سلام الله علیها را زیارت می‌کرد و این اشعار را می‌خواند:

الی الله اشکو لا الی الناس اننی أرى الحلق تبقى و الأخلأ تذهب

اخلاى لو غیر الحمام أصابکم عتبت و لکن ما علی الموت معتب (۱)

من به خدا شکایت می‌کنم؛ نه به مردم که من می‌بینم زمین باقی است و دوستان می‌روند. دوستان من! اگر غیر مرگ به سراغ شما می‌آمد، او را سرزنش می‌کردم؛ ولی بر مرگ ملامتی نیست.

۳. قاضی نعمان می‌گوید:

عن علی

علیه السلام

أنه کان اذا مرّ بالقبور قال: السلام علیکم یا اهل الدار فإننا بکم لاحقون ثلاث مرّات؛

(۲)

علی علیه السلام هنگامی که به قبور می‌رسید، سه بار می‌فرمود: سلام بر شما ای اهل خانه! پس ما هم به شما ملحق خواهیم شد.  
۴. متقی هندی به نقل از حارث می‌گوید:

کان علی

علیه السلام

إذا أتى القبور قال: السلام علیکم علی الدیار من المؤمنین و المسلمین؛

(۳)

علی علیه السلام وقتی به زیارت قبور می‌آمد، می‌فرمود: سلام بر شما ای اهل خانه مؤمنان و مسلمانان!

۵. ابن صباغ مالکی می‌گوید:

و روی جعفر بن محمد

علیه السلام

قال: لما ماتت فاطمة

سلام الله علیها

کان علی یزور قبرها فی کل یوم؛

(۴)

امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: زمانی که حضرت فاطمه سلام الله علیها رحلت کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام هر روز قبر آن حضرت را زیارت می‌کرد.

سیره زیارتی فاطمه زهرا سلام الله علیها



۱- احادیث اهل بیت عن طرق اهل السنه، ج ۱، ص ۵۵۱، ح ۷۲۰؛ موسوعه زیارت المعصومین مقدمه، ص ۱۰۰، ح ۲.

۲- دعائم السلام، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۹.

۳- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۶۱، ح ۴۲۹۹۷.

۴- الفصول المهمه، ص ۱۴۰؛ اثبات الهداء، ج ۵، ص ۳۶، ح ۳۸۰.

ص: ۲۳

۱. ابن صباغ مالکی می‌گوید: از علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

ان فاطمه بنت رسول الله

عليهما السلام

جاءت الى قبر ابيها بعد موته

صلى الله و عليه و آله

فوقفت عليه و بكت ثم اخذت قبضة من تراب القبر فجعلتها على عينها و وجهها و انشأت تقول:

ماذا على من شمّ تربة احمد

ان لا يشمّ مدى الزمان غواليا

صبت على مصائب لو أنّها

صبت على الايام عون ليا ليا

(۱)

فاطمه دختر رسول خدا صلی الله و علیه و آله پس از رحلت پدر بزرگوارش، کنار قبرش آمد و گریست؛ سپس مشتی از خاک قبر برداشت و روی صورت و چشم مبارک خود قرار داد [و اشعار فوق را خواند].

۲. از امام صادق

عليه السلام

نقل شده است که فرمود:

دخلت فاطمة الى المسجد و طافت بقبر ابيها عليه و آله السلام و هي تبكي؛

(۲)

فاطمه زهرا سلام الله عليها، وارد مسجد شد و قبر پدر بزرگوارش را در حال گریه زیارت کرد.

۳. واقدی گفته است:

و كانت فاطمة بنت رسول الله

صلى الله و عليه و آله

تأتيهم

[يعنى شهداء احد

[بين الیومین و الثلاثة فتبکی عندهم و تدعو]؛

(۳) فاطمه دختر رسول خدا علیهما السلام، دو یا سه روز در میان، کنار قبر شهدای احد می‌آمد و می‌گریست و دعا می‌کرد.

۴. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

كانت فاطمة

سلام الله عليها

نزور قبر حمزة و تقوم عليه و كانت في كل سنة

(۴)

تأتي قبور شهداء مع نسوة معما فيدعون و يستغفرون؛

(۵)

فاطمه که درود خدا بر او باد، قبر حضرت حمزه را زیارت می‌کرد و کنار آن می‌ایستاد و هر ساله یا شنبه‌ها) با جمعی از زنان، کنار قبور شهدا می‌آمدند و دعا و اسغفار می‌کردند.

۵. از امام حسین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

كَانَتْ تَزُورُ قَبْرَ عَمَّتِهَا حَمْزَةَ كُلَّ جُمُعَةٍ فَتُصَلِّيُ وَتَبْكِي عِنْدَهُ

«(۶)

۱- الفصول المهمة، ص ۱۴۰، موسوعه شهادة المعصومين عليهم السلام مقدمه، ص ۱۲۶، ح ۱۷۹؛ موسوعه زیارت المعصومين، ص ۹۹، ح ۱.

۲- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۵۷؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۶، ح ۱؛ موسوعه زیارة المعصومين عليهم السلام، ص ۹۹، ح ۱.

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۴۰؛ ابن اثیر، البداية و النهایة، ج ۴، ص ۵۱؛ موسوعه زیارة المعصومين عليهم السلام، مقدمه، ص ۹۹.

۴- در مستدرک الوسائل به جای کلمه سنه، السبت آمده است؛ یعنی حضرت فاطمه ۳ هر روز شنبه همراه زنان به زیارت شهدا می‌آمد.

۵- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۹، ح ۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۱؛ موسوعه زیارات المعصومين عليهم السلام،

۶- مستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۳۹۶؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲، (به نقل از امام علی علیه السلام)؛ موسوعه زیارات المعصومين عليهم السلام، مقدمه، ص ۱۰۰.

ص: ۲۴

فاطمه دختر گرامی پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله قبر عمویش حمزه را هر جمعه- یا هر هفته- زیارت می‌کرد و کنار قبرش نماز می‌خواند و گریه می‌کرد.

از این روایت و بعضی از احادیث گذشته استفاده می‌شود که دعا، استغفار و نماز خواندن و گریه کردن کنار قبور، جایز است.

۶. سمهودی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

انّ فاطمة بنت رسول الله

صلی الله و علیه و آله

كانت تزور قبر حمزة رضي الله تعالى عنه، ترمّه و تصلحه و قد تعلمته بحجر

؛ (۱)

حضرت فاطمه سلام الله علیها دختر رسول خدا صلی الله و علیه و آله قبر حضرت حمزه را زیارت می‌کرد و آن را مرمت و بازسازی می‌کرد و گاهی با سنگ علامت گذاری می‌کرد.

۷. مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

عاشت فاطمة

سلام الله علیها

بعد رسول الله

صلی الله و علیه و آله

خمسة و سبعين يوماً لم تُرَ كاشرةٌ ولا ضاحكةٌ تأتي قبور الشهداء في كل جمعة مرتين الاثنتين والخميس فتقول: ها هنا كان رسول الله

صلی الله و علیه و آله

وها هنا كان المشركون

». و فی روایة اخرى:

[عن]

[ابان، عمّن اخبره، عن ابی عبد الله

عليه السلام

انّها كان تصلى هناك و تدعو حتّى ماتت؛

(۲)

حضرت فاطمه سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر صلی الله و علیه و آله هفتاد و پنج روز زندگی کرد و هیچ وقت در این دوران، شاد و خندان دیده نشد؛ هر هفته دو بار، یعنی روزهای دوشنبه و پنجشنبه، کنار قبر شهدا می‌آمد [و پس از زیارت] می‌فرمود: این جا، رسول خدا صلی الله و علیه و آله بود و این جا، مشرکین بودند.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فاطمه سلام الله علیها تا زنده بود، آن جا نماز می‌خواند و دعا می‌کرد.

۸. شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

انّ فاطمة

سلام الله علیها

كانت تأتي قبور الشهداء في كل غداة سبت فتأتي قبر حمزة و تترحم عليه و تستغفر له؛  
حضرت فاطمه سلام الله عليها هر صبح روز شنبه، سر قبر حضرت حمزه می آمد و برای او رحمت می فرستاد و استغفار می کرد.

۱- وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۶۱، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۶، ح ۱۲؛ عوالم العلوم، ج ۶، ص ۲۳۱، ح ۱۱.

ص: ۲۵

سیره زیارتی امام حسن مجتبی علیه السلام

نه تنها ائمه معصوم علیهم السلام در زمان حیات خود قبر پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله، شهدا و صالحان را زیارت می کردند، بلکه آن طور که از احادیث برمی آید، حتی وصیت و سفارش می کردند که پس از شهادتشان نیز- همان طور که امروز هم بین مسلمانان موسوم است- جنازه آنان را برای تجدید عهد با اولیای الهی، کنار قبور آنان ببرند؛ تا با آنان تجدید عهد شود.

۱. مرحوم کلینی از امام باقر علیه السلام چنین آورده است:

عن محمد بن مسلم قال سمعت ابا جعفر

علیه السلام

يقول: لما احتضر الحسن بن علی

عليهما السلام

قال للحسين: يا اخي اني اوصيك بوصيته فاحفظها، فاذا انامت فهيئن، ثم وجهني الي رسول الله

صلى الله و عليه و آله

لاحدث به عهداً، ثم اصرفني الي امي فاطمه

سلام الله عليها

ثم ردني فادفني بالبقيع ...

(۱)

محمد بن مسلم می گوید از امام باقر

علیه السلام

شنیدم که می فرمود:

هنگامی که امام حسن علیه السلام در حال احتضار به سر می برد، به امام حسین علیه السلام فرمود: ای برادرم! وصیتی به تو می کنم؛ پس آن را محافظت کن و عمل کن؛ زمانی که من از دنیا رفتم، مرا مهیا کن کارهای غسل و حنوط و غاز را انجام بده) سپس مرا به سوی قبر رسول خدا صلی الله و علیه و آله ببر؛ تا با او تجدید عهد کنم و پس از آن مرا به سوی قبر مادرم فاطمه سلام الله علیها برده، سپس برگردان و در بقیع دفن کن».

۲. شیخ مفید از زید مخارق چنین نقل کرده است:

لما حضرت الحسن

علیه السلام

الوقاه استدعى الحسين

عليه السلام

وقال يا اخي، اني مفارقك و لاحق برّبي ... فاذا قضيت فغمّضني و غسلني و كفنني و احملني على سريري الي قبر جدّي رسول الله

صلى الله و عليه و آله

لأجدد به عهداً ثم ردني الي قبر جدتي فاطمة بن اسد

سلام الله عليها

فادفني هناك ...؛

(۲) آن گاه که امام حسن علیه السلام در آستانه شهادت بود، امام حسین علیه السلام را پیش خود خواند و گفت: برادرم! تو را ترک می‌کنم و به پروردگارم می‌پیوندم... منتظر باش؛ پس وقتی که از دنیا رفتم، چشم‌هایم را ببند؛ غسل ده؛ کفنم کن و جسد مرا بر روی تختی گذاشته، به سوی قبر جدم رسول خدا صلی الله و علیه و آله ببر؛ تا با او عهدی تازه کنم؛ سپس مرا به سوی قبر مادر بزرگم، فاطمه بنت اسد سلام الله علیها برگردان و آن جا دفنم کن...».

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۳؛ موسوعه شهادة المعصومین علیهم السلام ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۶۹۸.

۲- مفید، الارشاد، ص ۱۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۵۵، ح ۲۵.

ص: ۲۶

به طور قطع، کسی که چنین وصیت‌هایی را به خاندانش می‌کند، در زمان حیات خود هم به زیارت قبر پیامبر گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله و شهدا- که به تعبیر قرآن مثل پیامبر زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند- می‌رفته است؛ اَمَّا بِا تَوْجِهَ بَه مَظْلُومِیَّت و محدودیتی که امام مجتبی علیه السلام در زمان خود دچارش شد. تاریخ حوادث و وقایع زندگی او را به طور دقیق برای ما نقل نشده است و طبیعی است که این قسمت از زندگی او هم برای ما نقل نشده باشد.

سیره زیارتی امام حسین علیه السلام

۱. حمیری از امام صادق علیه السلام و او از پدرش امام باقر علیه السلام چنین آورده است:

اَنَّ الْحَسینَ بِنِ عَلِیِّ كَانِ یُزُورُ قَبْرَ الْحَسَنِ

عَلِیهِ السَّلَامِ

كُلَّ عَشِیَّةٍ جَمَعَهُ

«(۱)»

امام حسین علیه السلام شام هر شب جمعه، قبر امام حسن علیه السلام را زیارت می‌کرد.

۲. مرحوم شیخ صدوق و مرحوم مجلسی می‌گویند:

زمانی که امام حسین علیه السلام خواست از سرزمین حجاز مدینه) به عراق برود، به زیارت قبر پیامبر صلی الله و علیه و آله رفت و

وداع کرد. (۲)

۳. در جریان کربلا از امام حسین علیه السلام چنین نقل شده است:

رَوَى أَنَّهُ اشْتَرَى النُّوَاحِیَ الَّتِی فِیْهَا قَبْرُهُ مِنْ أَهْلِ نِینَوَى وَ الْغَاضِریَّةِ بَسْتِینَ الْفِ دِرْهَمٍ وَ تَصَدَّقَ بِهَا عَلَیْهِمْ وَ شَرَطَ عَلَیْهِمْ أَنْ یُرْشِدُوا الِی

قَبْرِهِ وَ یَضِیْفُوا مِنْ زَارِهِ ثَلَاثَةَ آیَامٍ؛

(۳)

روایت شده که امام حسین علیه السلام، زمین را که قبر او در آن واقع شده است، از مردم نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم، خریداری کرد و آن را به ایشان صدقه داد و شرط کرد تا [مردم را] به قبرش، راهنمایی کنند و تا سه روز از زائرانش پذیرایی کنند.

از این حدیث به خوبی استفاده می‌شود که در آن زمان، زیارت قبور و به ویژه قبور معصومین علیهم السلام، بین مردم موسوم بوده که امام حسین علیه السلام علاوه بر این که خود به زیارت قبر جدش و پدرش و برادرش و دیگران می‌رفته، به مردم نینوا و غاضریه کربلا) در زمان حیات خودش نیز سفارش می‌کند که مردمی را که به زیارت قبر مبارک او خواهند آمد، راهنمایی کنند و از آنان پذیرایی کنند و زمین‌های محل قبر و اطراف آن را که طبق روایت منقول از امام صادق علیه السلام، حدود هشت کیلومتر در هشت کیلومتر بوده است، (۴) خریداری و وقف می‌کند؛ تا زائرین قبرش با خیال آسوده به زیارتش بیایند و در آسایش باشند.

سیره زیارتی امام سجاد علیه السلام

۱. صاحب کتاب فرحة الغری درباره قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام چنین آورده است:

۱- قرب الاسناد، ص ۱۳۹، ح ۴۹۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۵۰، ح ۲۱؛ موسوعه کلمات الحسین علیه السلام، ص ۶۵۱، ح ۶۷۴.

۲- صدوق، امالی، ص ۱۳۰، مجلس ۳۰ ضمن حدیث ۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۲، ج ۱.



۳- مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۸؛ فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۲۵، ح ۳۳۹.

۴- معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۸۴؛ فرهنگ جامعه سخنان امام حسین علیه السلام، پاورقی صفحه ۴۲۵.

ص: ۲۷

قال الامام علی بن الحسین

علیه السلام

فی حدیث لابی حمزه: هل لك ان تزور معی قبر جدی علی بن ابی طالب

علیه السلام

قلت: اجل، فسرتُ فی ظلِّ ناقته یحدّثنی حتی اتینا الغرّیین- و هی بقعه بیضاء تلمع نوراً- فنزل عن ناقته و مرّغ خدیّه علیها و قال: یا ابا

حمزه هذا قبر جدی علی بن ابی طالب

علیه السلام

، ثم زاره بزیارة اولها: السّلام علی اسم الله الرّضی و نور وجهه المّضیء، ثم ودّعه و مضی الی المدینة

«(۱)»

امام زین العابدین علیه السلام طبق روایتی به ابی حمزه فرمود: «آیا با من به زیارت قبر جدّم علی بن ابی طالب علیه السلام می آیی؟ گفتم: بله، می آیم؛ من هم همراه او در سایه شتر او حرکت می کردم و او با من گفت و گو می کرد؛ تا این که به نجف، محل دفن علی علیه السلام رسیدیم- که قطعه‌ای نورانی و سفید بود و می درخشید- پس امام از شترش پایین آمد و صورتش را روی آن گذاشت و فرمود: ای اباحمزه! این قبر جدّم علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ سپس به زیارتی را خواند که اول آن چنین بود: سلام بر اسم خدایی که خشود است و بر نور صورتش که روشنی بخش است ... سپس وداع کرد و به مدینه آمد.

۲. مرحوم کلینی از امام باقر علیه السلام نقل کرده فرمود:

کان ابی علی بن الحسین

علیه السلام

یقف علی قبر النبی

صلی الله و علیه و آله

فیسلّم علیه و یشهد له بالبلاغ و یدعو بما حضره ثم یسند ظهره الی المروءة الخضراء الدقیقة العرض ممّا یلی القبر و یلتزق بالقبر و یسند ظهره الی القبر و یتقبل القبلة فیقول: ...؛

(۲)

پدرم حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می آمد کنار قبر پیامبر صلی الله و علیه و آله می ایستاد و بر او سلام می کرد و شهادت به ابلاغ رسالت آن بزرگوار می داد و به آن چه در نظرش بود، دعا می کرد؛ سپس پشت خود را به سنگ سبز کم عرض کنار قبر مطهر تکیه می داد و به قبر می چسبید و کمر خود را به قبر تکیه می داد و رو به قبله کرده، دعا می کرد.

۳. صاحب کتاب شفاء العزام بنقل از امام صادق علیه السلام آورده است:

عن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، عن ابيه، عن جدّه

علیهم السلام

أنّه کان اذا جاء یسلّم علی النبی

صلی الله و علیه و آله

وقف عند الاسطوانة التي ممّا یلی الروضة فسلّم ...؛

(۳)

امام باقر علیه السلام از اجداد بزرگوارش نقل کرده است که امام

---

۱- فرحۃ العزی، ص ۴۷؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۵، ح ۳۱.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۵۱، ح ۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۳، ح ۲۰.

۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۲، ص ۴۶۲.

ص: ۲۸

زین العابدین علیه السلام هنگامی که برای سلام دادن به پیامبر صلی الله و علیه و آله می آمد، نزدیک ستونی که پهلوی روضه بود، می ایستاد؛ سپس سلام می کرد.

۴. سید بن طاووس چنین آمده است:

قال محمد بن علی

علیه السلام

فخرج

[علی بن الحسین

علیهما السلام]

سلام الله علیه متوجها الى العراق لزيارة امير المؤمنين

علیه السلام

و انا معه و ليس معنا ذو روح الا- التاقتين، فلما انتهى الى النجف من بلاد الكوفة و صار الى مكانه منه، فبكا حتى اخضلت لحيته بدموعه ثم قال:

السلام عليك يا امير المؤمنين و رحمة الله و برکاته ... ثم وضع خده على القبر و قال: اللهم انّ قلوب المختبتين اليك و الهة ...

(۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: امام علی بن الحسین علیهما السلام برای زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام، به سوی عراق حرکت کرد و من هم با آن بزرگوار بودم و فرد دیگری با ما نبود. زمانی که او به نجف و محل قبر رسید، گریست و محاسن مبارکش با اشک‌هایش تر شد و سپس فرمود: سلام بر تو ای امیر مؤمنان و رحمت و برکات خدا بر تو باد ... سپس صورتش را روی قبر گذاشت و دعای فوق را خواند.

سیره زیارتی امام باقر علیه السلام

ابن عساکر از قیس بن نعمان چنین نقل می کند:

روزی به سوی یکی از قبرستان‌های مدینه رفتم؛ ناگاه دیدم کودکی در کنار قبری نشسته و به شدت می گرید و چهره‌اش نورافشانی می کند؛ نزد او رفتم، گفتم ای کودک! از غم چه می نالی و چه دیدی که تو را به تنهایی و خلوت در خانه مردگان و گریه بر بدن‌های پوسیده وا داشته است؛ در صورتی که اول نوجوانی و شادابی توست و باید تو را از گذشت روزگار و ناله‌های اندوهبار باز دارد؟

قیس می گوید: او سرش را بلند کرد و بعد پایین انداخت و در اندیشه پاسخ بود؛ پس سرش را بلند کرد و گفت:

انّ الصبی صبی العقل لاصغر ازری بذی العقل فیئالا و لاکبر

کودکی از آن کسی است که عقل کودکانه داشته باشد و گرنه انسان‌های عاقل، نه از خردی گزند بینند و نه از بزرگی.

سپس به من گفت: چه می گویی؟ گویا سری فارغ از اندیشه و دلی سالم از سوز و

۱- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۷۳؛ فرحة الغری، ص ۴۰؛ موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام مقدمه، ص ۱۰۲، ح



ص: ۲۹

گذاز داری! آیا بر اثر آرزوهای دراز از نزدیکی مرگ در امانی؟

آن چیزی که مرا به تنهایی و خلوت در خوابگاه مردگان وا داشته است، کلام خداوند متعال است که فرمود:

«فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يُنْسَلُونَ»؛

(۱) به ناگاه همه به سرعت از قبرها به سوی خدا می‌شتابند. گفتیم: پدر و مادرم به فدایت باد! تو کیستی؟ من چه سخن زیبایی

می‌شنوم! فرمود: یکی از بدبختی‌های گرفتاران به دنیا) کمی شناخت آنان نسبت به فرزندان پیامبر است. من محمد بن علی بن

الحسین بن علی هستم و این هم قبر پدرم می‌باشد. راستی کدام انس و الفتی، مأنوس‌تر از نشستن در نزد پدر می‌باشد و چه وحشتی

است که بتواند در این جا دوام آورد؛ سپس اشعاری را خواند. (۲)

سیره زیارتی امام صادق علیه‌السلام

۱. مرحوم علامه مجلسی با اسناد از صفوان جمال چنین نقل می‌کند:

لما وافیت مع جعفر الصادق

علیه السلام

یرید ابا جعفر المنصور قال لی: یا صفوان انخ الراجله فهذا قبر جدی امیر المؤمنین

علیه السلام

فانختها، ثم نزل فاغتسل و غیر ثوبه و تحفی ... ثم مشی و مشیت معه و علینا السکینه و الوقار نسبح و نقدس و نهلل الی ان بلغنا

الذکوات، فوقف

علیه السلام

و نظر یمنه و یسره و خط بعکازته فقال لی: اطلب فطلبت فاذا اثر القبر ثم ارسل دموعه علی خده و قال: انا لله و انا الیه راجعون و قال:

السلام علیک ایها الوصی البرّ التقی ... ثم قام فصلی عند الرأس رکعات و قال یا صفوان من زار امیر المؤمنین

علیه‌السلام

بهذه الزیارة و صلی بهذه الصلاة رجع الی اهله مغفوراً ذنبه مشکوراً سعيه و یکتب له ثواب کل من زاره من الملائكة ...؛

(۳)

زمانی که با امام صادق علیه‌السلام به کوفه رسیدم، امام قصد داشت پیش ابوجعفر منصور برود. امام علیه‌السلام فرمود: ای صفوان!

کجاوه را پایین بیاور؛ این قبر جدم امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. من کجاوه را پایین آوردم؛ سپس پیاده شد و غسل کرد و لباس

خود را عوض کرد و پابرنه شد؛ سپس راه افتاد و من هم با او حرکت کردم و با آرامش در حالی که تسبیح می‌گفتیم و مشغول

ذکر بودیم، راه می‌رفتیم؛ تا این که به ذکوات رسیدیم. پس امام علیه‌السلام ایستاد و به چپ و راست نگاه کرد، و با عصایش

علامت‌گذاری کرد و فرمود: جست‌وجو کن. من هم جست‌وجو کردم؛ تا این که اثر قبر پیدا شد. در این هنگام، اشک‌های امام

روی صورتش جاری شد و

۱- یس، آیه ۵۱.

۲- تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام سجاد علیه‌السلام، ص ۱۴۶، ح ۴۲؛ موسوعه شهادة المعصومین علیهم السلام، ج ۳، ص ۶۱، ح

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۷۹، ح ۱۵؛ موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام مقدمه، ص ۱۰۳، ح ۱۵ (با تلخیص).

ص: ۳۰

فرمود:

«أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

و بعد فرمود: سلام بر تو ای جانشین نیک و پرهیزگار و ... سپس چند رکعت نماز نزد بالا سر خواند و فرمود: ای صفوان! کسی که امیر مؤمنان را به این نحو زیارت کنید و این گونه نماز بخواند، به سوی خاندانش با آمرزش گناهان و سعی مشکور باز می‌گردد و ثواب زیارت همه فرشتگانی که او را زیارت کرده‌اند، برای او نوشته می‌شود.

۲. مرحوم کلینی از محمد بن مسعود نقل می‌کند که او گفت:

رأيت أبا عبد الله

عليه السلام

انتهي إلى قبر النبي

صلى الله و عليه و آله

فوضع يده عليه و ...؛

(۱)

امام صادق علیه السلام را دیدم که به قبر مطهر پیامبر گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله رسید؛ پس دست خود را روی قبر گذاشت و ....

۳. ابن قولویه با اسناد خود از مسلمی چنین نقل کرده است:

كان ابو عبد الله

عليه السلام

يقول اذا دخل الجبنة: السلام على اهل الجنة؛

(۲)

امام صادق علیه السلام هنگامی که وارد قبرستان می‌شد، چنین می‌فرمود: سلام بر اهل بهشت باد.

۴. ورام بن ابی فراسی گوید:

كان جعفر بن محمد

عليهما السلام

ربما ياتي القبور ليلاً و يقول: يا اهل القبور! مالي اذا دعوتكم لا تجيبون؟ ثم يقول: حيل و الله بينهم و بين الجواب و كأنني اكون مثلهم ...؛

(۳)

امام صادق علیه السلام گاهی شبانه به زیارت قبور می‌آمد و می‌فرمود: ای اهل قبور! چه شده مرا که وقتی شما را می‌خوانم، جواب نمی‌دهید و سپس می‌فرمود: به خدا قسم! بین آنان و پاسخ، مانعی پیدا شده است و مثل این که من هم همانند آنان خواهم شد.

سیره زیارتی امام هفتم علیه السلام

مرحوم کلینی به نقل از بعضی اصحاب چنین نقل کرده است:

حضرت ابوالحسن الاول

عليه السلام



و هارون ... بالمدينة قد جاؤوا الى قبر النبي

صلى الله و عليه و آله

... و تقدّم ابوالحسن

عليه السلام

فقال: السلام عليك يا ابيه اسأل الله الذي اصطفاك و اجتباك و هداك و هدى بك ان يصلّي عليك ...؛

(۴)

با امام هفتم علیه السلام و هارون در مدینه بودم که آنان آمدند کنار قبر مطهر پیامبر

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۵۲، ح ۴؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۰، ح ۱۶.

۲- کامل الزیارات، ص ۲۳۲، ح ۱۸؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۹، ح ۲۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۱۱.

۳- تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، ج ۱، ص ۲۸۴؛ قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۲۸، ص ۳۷۵.

۴- کافی، ج ۴، ص ۵۵۳، ح ۸ (با تلخیص).

ص: ۳۱

گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله و امام کنار قبر مطهر رفت و چنین فرمود: سلام بر تو ای پدر! از خدایی که ترا انتخاب و برگزید و راهنمایی کرد و دیگران را هم توسط شما هدایت کرد می‌خواهم که بر تو درود فرستد.

سیره زیارتی امام رضا علیه السلام

۱. صفوان بن یحیی می‌گوید:

سألت ابالحسن

علیه السلام

ثانی) عن الممّر فی مؤخر مسجد رسول الله

صلی الله و علیه و آله

و لا اسلم علی النبی

صلی الله و علیه و آله

فقال: لم یکن ابوالحسن

علیه السلام

یصنع ذلك، قلت: فیدخل المسجد فیسلم من بعید لایدنو من القبر؟ فقال: لا، قال: سلم علیه حین تدخل و حین تخرج و من بعید؛

(۱)

از امام هشتم علیه السلام سؤال کردم از عبور از آخر مسجد پیامبر صلی الله و علیه و آله، در حالی که سلام بر پیامبر نکنم و بگذرم. امام علیه‌السلام فرمود: «ابوالحسن، یعنی امام هفتم، چنین عمل نمی‌کند یعنی بدون سلام بر پیامبر از مسجد عبور نمی‌کند».

گفتم: پس اگر داخل مسجد بشود و از دور سلام دهد و نزدیک قبر نرود چطور؟

امام علیه‌السلام فرمود: هنگامی که وارد می‌شوی و بیرون می‌روی و از دور، سلام کن.

۲. مرحوم صدوق از حسن بن علی بن فضال چنین نقل می‌کند:

رأیتُ ابا الحسن الرضا

علیه السلام

و هو یرید ان یودع للخروج الی العمره فأتی القبر عن موضع رأس النبی

صلی الله و علیه و آله

بعد المغرب، فسلم علی النبی

صلی الله و علیه و آله

و لزیق بالقبر، ثم انصرف حتی انا القبر فقام الی جانبه یصلی، فالزیق منکبه الایسر بالقبر قریباً من الاسطوانة الی دون الاسطوانة المخلقة عند رأس النبی

صلی الله و علیه و آله

و صلّی ست رکعات او ثمان رکعات فی نعلیه. قال و کان مقدار رکوعه و سجوده ثلاث تسیحات او اکثر، فلما فرغ سجد سجدة اطلال فیها حتی بل عرقه الحصى، قال: و ذکر بعض اصحابه انه الصق خده بارض المسجد؛

(۲)

امام هشتم علیه السلام را دیدم که قصد وداع و بیرون رفتن برای عمره را دارد؛ پس از مغرب از طرف بالا سر آمد؛ کنار قبر مطهر

پیامبر صلی الله و علیه و آله و بر پیامبر اکرم سلام کرد و به قبر مطهر چسبید؛ سپس برگشت و در کنار قبر نماز خواند؛ به این

---

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۵۲، ح ۶؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۶، ح ۲۹.

۲- صدوق، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶، ح ۴۰؛ بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۱۴، ح ۵.

ص: ۳۲

شکل که شانه چپ او وصل به قبر بود؛ نزدیک ستونی که پایین‌تر از ستون مخلقه قرار دارد و نزدیک سر مطهر ایستاد و شش یا هشت رکعت نماز خواند که رکوع و سجود او به اندازه سه تسبیح یا بیشتر طول کشید. پس وقتی نماز پایان یافت، سجده‌ای کرد و به قدری سجده را طول داد که عرق او سنگریزه‌ها را مرطوب کرد و بعضی از اصحاب گفتند که صورت خود را بر زمین گذاشت. ۳. صدوق قدس سره از محول سجستانی چنین نقل کرده است:

لَمَّا وَرَدَ الْبَرِيدَ بِأَشْخَاصِ الرَّضَا

عَلَيْهِ السَّلَامِ

إِلَى خِرَاسَانَ كُنْتُ أَنَا بِالْمَدِينَةِ، فَدَخَلْتُ الْمَسْجِدَ لِيُودَعَ رَسُولُ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامِ

، فَوَدَّعَهُ مَرَارًا، كُلَّ ذَلِكَ يَرْجِعُ إِلَى الْقَبْرِ وَيَعْلُو صَوْتَهُ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ ...؛

(۱)

هنگامی که نامه برای تبعید کردن امام رضا علیه السلام به خراسان رسید، من در مدینه بودم. امام رضا علیه السلام وارد مسجد شد تا با رسول خدا صلی الله و علیه و آله وداع کند. او چند بار وداع کرد و در همه وداع‌ها به طرف قبر بر می‌گشت و با صدای بلند گریه می‌کرد.

سیره زیارتی امام جواد علیه السلام

۱. عبدالله بن رزین که مجاور مدینه الرسول بود، چنین گفته است:

وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ

عَلَيْهِ السَّلَامِ

يَجِيءُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَعَ الزَّوَالِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَيَنْزِلُ فِي الصَّحْنِ وَيَصِيرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ وَ عَلَيْهِ وَ آله

وَ يَسَلِّمُ عَلَيْهِ وَ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ

سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا

فِي خَلْعِ نَعْلَيْهِ وَ يَقُومُ فَيُصَلِّي ...؛

(۲)

امام جواد علیه السلام هر روز برنامه‌اش این بود که ظهر به مسجد می‌آمد و در صحن مسجد پیاده می‌شد و از آن جا می‌آمد کنار قبر رسول خدا صلی الله و علیه و آله و بر آن بزرگوار سلام می‌کرد و از آن جا با پای برهنه به طرف خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌رفت و آن جا می‌ایستاد و نماز می‌خواند ....

۲. مرحوم کلینی با اسناد خود از یحیی بن اکثم - قاضی سامرا - این طور نقل کرده است:

قال: بينا انا ذات يوم دخلت اطوف بقبر رسول الله

صلى الله و عليه و آله

فَرَأَيْتَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرَّضَا

عَلَيْهِمَا السَّلَامِ

يَطُوفُ بِهِ ...؛

(۳)

روزی وارد مسجد شدم تا قبر رسول خدا را زیارت کنم که در این هنگام دیدم امام جواد علیه السلام، فرزند امام رضا علیه السلام هم مشغول زیارت قبر آن بزرگوار است.

---

۱- همان، ص ۲۱۸، ح ۲۶.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۷؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۹۵.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۵۳، ضمن حدیث ۹؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۶، ح ۴.

ص: ۳۳

سیره زیارتی امام هادی علیه‌السلام

ابن قولویه از محمد بن حسن ولید چنین نقل می‌کند:

روی عن ابی الحسن علیه‌السلام انه کان یقول عند قبر امیرالمؤمنین

علیه السلام

: السلام علیک یا ولی الله، اشهد انک انت اول مظلوم و اول من غضب حقه...؛

(۱)

از امام هادی علیه‌السلام نقل شده است که امام علیه‌السلام- وقتی برای زیارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌آمد- این طور سلام می‌کرد: سلام بر تو ای ولی خدا! شهادت می‌دهم که تو اول مظلوم عالم هستی و نخستین کسی هستی که حقش غضب گردید.

سیره زیارتی امام حسن عسکری و حضرت مهدی علیهماالسلام

از آن جا که امام حسن عسکری علیه‌السلام اکثر عمر مبارکش را تحت نظر یا در زندان بوده و خلفای عباسی به شدت مراقب آن حضرت بودند؛ تا جایی که حتی امام علیه‌السلام را طبق نقل مرحوم علامه مجلسی در محله‌ای به نام عسکر- محل لشکریان و نظامیان- منزل داده بودند؛ تا کاملاً مراقب او باشند، از این رو، مشهور است که امام عسکری علیه‌السلام حتی به زیارت خانه خدا نیز نتوانست مشرف شود و طبیعی است که از زیارت‌های وی هم چیزی نقل نشده باشد؛ ولی می‌توان گفت قطعاً آن امام نیز مخفیانه یا به طور آشکار به زیارت اجدادش به ویژه رسول خدا صلی الله و علیه و آله رفته است؛ همانطور که در مورد فرزند بزرگوارش حضرت مهدی علیه‌السلام با این که از نظرها غایب است، نقل شده که افراد صالح و شایسته، آن بزرگوار را در حرم‌های امامان معصوم علیهم‌السلام مشاهده کرده‌اند. (۲)

بنابراین، از احادیث نقل شده از کتاب‌های شیعه و سنی به خوبی استفاده شود که زیارت قبور مؤمنین به ویژه قبور معصومین علیهم‌السلام، مورد ترغیب و تشویق پیامبر عظیم الشان صلی الله و علیه و آله و خاندانش بوده است و آنان عملاً هم دیگران را به این موضوع توجه داده و سعی کرده‌اند آنان را به این امر راهنمایی کنند و علاوه بر این از احادیث استفاده می‌شود که ایستادن، نماز خواندن، دعا کردن و استغفار نمودن برای خود و مردگان، به ویژه اولیای الهی، در کنار قبر آنان، نه تنها جایز، بلکه کار شایسته و پسندیده‌ای است و بر خلاف عده‌ای از منحرفان از مکتب اسلام- همانند وهابیان- که این اعمال را شرک و زائران را متهم به بت‌پرستی می‌کنند، نماز خواندن، دعا کردن، استغفار نمودن و ایستادن بر سر قبور و زیارت اولیای الهی، کاری شایسته و پسندیده و مورد تأیید و تشویق رهبران دینی بوده است و کتاب‌های حدیثی تشیع و تسنن، این موضوع را اثبات می‌کند.

۱- کامل‌الزیارات، ص ۴۱، باب ۱۱، ح ۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۵، ح ۳.

۲- برای اطلاع از این موضوع، می‌توان به کتاب‌های النجم الثاقب و بحارالانوار، ج ۵۱، مراجعه کرد.







ص: ۳۶

پیامبر عظیم الشان، قبور شهدای احد را زیارت می‌کرد و در زیارتش خطاب به آنان چنین می‌فرمود: خدایا! بنده‌ات و پیامبرت، شهادت می‌دهد که اینها شهیدند و هر کس آنان را تا روز قیامت زیارت کند، آنان جواب سلام او را می‌دهند

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله، مرتب نزد قبر آن بزرگوار می‌رفت و می‌گریست و سپس می‌فرمود: بردباری زیباست؛ مگر در مصیبت تو و گریه ناپسند است؛ مگر بر تو و سپس می‌فرمود: هرگز اشکم در مشکل و مصیبتی کم نشد؛ مگر آن که تو را سبب گریه قرار دادم. چون از تو یاد می‌کنم، اشک چشمانم سخاوت‌مندانه سرازیر می‌شود

بعد امام علیه السلام صورتش را بر خاک می‌گذاشت و گریه و زاری می‌کرد و از آن چه بعد از پیامبر به او رسیده، یاد می‌کرد

فاطمه دختر رسول خدا صلی الله و علیه و آله پس از رحلت پدر بزرگوارش، کنار قبرش آمد و گریست؛ سپس مشتی از خاک قبر برداشت و روی صورت و چشم مبارک خود قرار داد

روایت شده که امام حسین علیه السلام، زمین را که قبر او در آن واقع شده است، از مردم نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم، خریداری کرد و آن را به ایشان صدقه داد و شرط کرد تا [مردم را] به قبرش، راهنمایی کنند و تا سه روز از زائرانش پذیرایی کنند

با امام هفتم علیه السلام و هارون در مدینه بودم که آنان آمدند کنار قبر مطهر پیامبر گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله و امام کنار قبر مطهر رفت و چنین فرمود: سلام بر تو ای پدر! از خدایی که ترا انتخاب و برگزید و راهنمایی کرد و دیگران را هم توسط شما هدایت کرد می‌خواهم که بر تو درود فرستد.

امام جواد علیه السلام هر روز برنامه‌اش این بود که ظهر به مسجد می‌آمد و در صحن مسجد پیاده می‌شد و از آن جا می‌آمد کنار قبر رسول خدا صلی الله و علیه و آله و بر آن بزرگوار سلام می‌کرد و از آن جا با پای برهنه به طرف خانه حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها می‌رفت و آن جا می‌ایستاد و نماز می‌خواند ...

## زیارت عتبات در سیره و سخن امام صادق علیه السلام

محمدجواد طبسی

طلیعه

مسئله زیارت معصومین علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام، یکی از مسلمات فرهنگ شیعه است که هیچ راهی برای انکار و رد آن وجود ندارد؛ زیرا پیامبر صلی الله و علیه و آله و معصومان علیهم السلام در گفتارهای فراوان خود، بر این مسئله پافشاری کرده‌اند.

یکی از امامانی که بر این وظیفه تأکید و سفارش فرموده، امام جعفر صادق علیه السلام است که با شیوه‌های گوناگون، همگان را به زیارت معصومین علیهم السلام، به ویژه امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام، تشویق کرده است. وی به یکی از ده‌ها موضوع زیارت اشاره کرده، می‌فرماید: زیارت ابی عبدالله بر فقیر و ثروتمند و زن و مرد، به عنوان فریضه و ادای حق امام حسین علیه السلام، لازم و فرض است.

سپس امام علیه السلام به فاصله دو زیارت پرداخته، می‌فرماید: شخص دارا و متمکن، باید سالی دو مرتبه و شخص فقیر، سه سال یک مرتبه به زیارت برود.

همچنین فرموده که سزاوار نیست مسلمان بیش از چهارسال، زیارت امام حسین علیه السلام را ترک کند و در برخی گفته‌های آن حضرت آمده که اگر سه سال بگذرد و شخص به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نرود، عاق رسول خدا صلی الله و علیه و آله شده و حرمت او را از بین برده است؛ مگر این که معذور باشد.

وی به شخصی که از عراق خدمتش رسیده بود، فرمود: شما مردم چقدر جفا می‌کنید؛ زیرا اگر قبر امام حسین علیه السلام نزدیک ما بود، آن جا را محل هجرت خودمان قرار می‌دادیم.

امام علیه السلام هم دیگران را به زیارت امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام تشویق می‌کرد و هم خود مشتاقانه به زیارت این دو بزرگوار می‌رفت.

امید است که پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با مطالعه این نوشته، بیش از پیش نسبت به زیارت اهل بیت علیهم السلام علاقمند شوند و توفیق زیارت پیدا کنند.

امام صادق علیه السلام و حضور در عراق

پنجمین امامی که پس از شهادت امیر مؤمنان و سومین امامی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام مشتاقانه برای زیارت آباء و اجداد خویش راهی عراق شد، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام در سفرهای اختیاری و یا اجباری که به عراق داشته، هرگز از زیارت این دو امام بزرگ، غفلت نکرده، حتی در سفرهای اجباری خود به بغداد، در بین راه، اول به سراغ قبر اجداد خود رفته، سپس نزد منصور عباسی روانه

ص: ۳۸

می شد.

امام صادق علیه السلام در زمانی به زیارت قبر مولی الموحدین می رفت که هنوز قبر امیر مؤمنان علیه السلام مخفی بود و کسی از محل دفن آن حضرت اطلاع دقیقی نداشت؛ زیرا هنوز قبر امیر مؤمنان علیه السلام آشکار نشده بود و پس از رفع موانع، امام علیه السلام به یکی از یارانش دستور داد تا به مرمت و بازسازی قبر امیر مؤمنان علیه السلام بپردازد.

امام صادق علیه السلام در سفرهایی که به عراق داشت، بیشتر اوقات، در حیره کنار شهر کوفه سکونت می کرد و از همان جا به زیارت قبر امیر مؤمنان و یا امام حسین علیه السلام می رفت.

تشویق به زیارت امیر مؤمنان علیه السلام

بر اساس شواهد تاریخی و روایی، امام صادق علیه السلام چه در آن روزهایی که در مدینه اقامت داشت و چه در روزهایی که به اجبار در عراق، اقامت داشت، بسیاری از یاران خود را به زیارت قبر امیر مؤمنان تشویق می کرد و در برخی موارد آنان را بر ترک زیارت، توبیخ می کرد که به دو نمونه زیر اشاره می کنیم:

۱. سرزنش ابووهب بصری؛

ابووهب بصری می گوید: وارد مدینه شده، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و به او عرض کردم: نزد شما آمدم؛ در حالی که قبر امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت نکرده‌ام.

امام علیه السلام فرمود:

بسیار کار بدی انجام دادی و اگر از شیعیان ما نبودی، هرگز به سوی تو نظر نمی کردم. آیا زیارت نمی کنی کسی را که خداوند با فرشتگان او را زیارت می کنند و پیامبران و مؤمنان به زیارتش می روند؟

گفتم: فدایت شوم! آگاهی درستی نداشتم.

حضرت فرمود:

پس بدان که امیر مؤمنان علیه السلام نزد خدا افضل از تمام امامان است و برای اوست ثواب عمل‌های آنها و به اندازه اعمالش فضیلت و برتری داده شده است» (۱).

۲. یادآوری یزید بن عمرو؛

یزید بن عمرو بن طلحه می گوید: در آن روزهایی که امام صادق علیه السلام در حیره بودند، روزی به من فرمود: آیا نمی خواهی آن چه را که به تو وعده دادم، انجام دهم؟

عرض کردم: آری- و وعده حضرت رفتن به سوی قبر امیر مؤمنان علیه السلام بود- پس آن حضرت سوار شد و فرزندش اسماعیل نیز سوار شد و من نیز همراهشان سوار شدم؛ تا این که از ثویّه (۲) گذشتیم و در ذکوات [تپه‌های کوچک اطراف قبر امیر مؤمنان] فرود آمد و اسماعیل نیز پیاده شد و من هم پیاده شدم. او نماز خواند و اسماعیل هم نماز خواند و من هم نماز

۱- ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۸۹.

۲- ثویّه، مکانی است در کوفه که در آن قبر ابوموسی اشعری و مقبره بن شعبه واقع است (مجمع البحرین، ص ۱۶).



ص: ۳۹

خواندم. امام صادق علیه السلام رو به اسماعیل کرده، فرمود: از جا برخیز و به جدت امام حسین علیه السلام سلام بده. گوید: عرض کردم: فدایت شوم! مگر امام حسین در کربلا نیست؟ فرمود: آری، اما وقتی که سر مقدسش را به شام بردند، یکی از دوست‌داران ما سر مقدس امام حسین علیه السلام را از آن جا برداشت و در کنار قبر امیرمؤمنان علیه السلام دفن کرد. (۱)

زیارت امام صادق علیه السلام از قبر امیر مؤمنان علیه السلام

امام صادق علیه السلام علاوه بر تشویق علاقه‌مندان به زیارت امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام و بیان ثواب و فضیلت زیارت، خودش نیز در سفرهایی که به عراق می‌رفت، بارها به زیارت قبر امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام می‌رفت.

گریه امام صادق علیه السلام کنار قبر امیر مؤمنان (۲)

صفوان بن مهران می‌گوید:

به همراه امام صادق علیه السلام از قادسیه حرکت کردیم؛ تا این که به بلندی‌های نجف رسیدیم؛ سپس به من فرمود: این کوهی است که فرزند جدّم نوح به آن پناه برد و گفت: به کوهی پناه خواهم برد که از آب مرا ننگه بدارد. پس خداوند به نجف وحی کرد که آیا او، از من به تو پناه می‌آورد؟ این جا بود که کوه فرو ریخت و قطعه قطعه گشته، قسمتی از آن به اطراف شام پرتاب شد؛ سپس فرمود: از راه اصلی فاصله بگیر و به حرکت خود ادامه داد تا به غری رسید.

وقتی که کنار قبر قرار گرفت، نخست بر آدم و بعد بر یک یک پیامبران سلام کرد و من نیز سلام می‌کردم تا این که نوبت سلام به پیامبر صلی الله و علیه و آله رسید. در این هنگام، خود را روی قبر انداخت و بر امیر مؤمنان علیه السلام سلام کرد و گریه‌اش بالا گرفت؛ سپس از جای برخاسته، چهار رکعت نماز گزارد و من نیز نماز خواندم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! این قبر کیست؟ فرمود: این قبر جدّم، امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام است.

آشکار کردن قبر امیر مؤمنان علیه السلام

تا پیش از دوران امامت امام جعفر صادق علیه السلام، قبر امیر مؤمنان علیه السلام مخفی بود و جز عده اندکی از یاران امامان علیهم السلام، کسی از محل دقیق دفن آن حضرت خبر نداشت و امام زین العابدین یا امام باقر علیهما السلام نیز به صورت پنهانی قبر آن حضرت را زیارت می‌کردند و علتش این بود که رفتار خشن و نابخردانه خوارج، به هیچ وجه اجازه نمی‌داد که قبر امیرالمؤمنین علیه السلام ظاهر باشد؛ زیرا ممکن بود جسارتی به ساحت مقدس آن حضرت بشود؛ اما بعدها با فروکش کردن احساسات کینه‌توزانه علیه امام و تغییر حکومت امویان، دیگر ضرورتی برای مخفی کردن قبر وجود نداشت.

از این رو، در روزگاری که امام صادق علیه السلام به عراق احضار شد، وی در سفرهای متعددی، به زیارت امیر مؤمنان رفت و مکان قبر آن حضرت را تعیین کرد و به یارانش نیز مکان قبر را نشان داد.

نشان دادن قبر به عمر بن یزید

عبدالله بن سنان می‌گوید: روزی عمر بن یزید پیش من آمده، گفت: همراهم بر مرکب سوار شو؛ پس سوار شدم و همراه

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸.

۲- کامل الزیارات، ص ۸۴.



ص: ۴۰

او حرکت کردم؛ تا این که به درب منزل حفص کناسی آمده، او را هم از خانه بیرون آورد، و هر سه نفر به راه افتادیم؛ تا به غری و محل دفن امیر مؤمنان علیه السلام رسیدیم. گفتیم از کجا دانستی که این جا قبر امیر مؤمنان علیه السلام است؟ گفت: آن روزگاری که امام صادق علیه السلام در حیره بود، چند مرتبه همراه وی به این جا آمدم و او به من خبر داد که این جا قبر امیر مؤمنان علیه السلام است. (۱)

دستور بازسازی قبر امیر مؤمنان علیه السلام

در سفری دیگر که حضرت امام صادق علیه السلام به اجبار به عراق رفت، پیش از آن که به سوی منصور عباسی برود، هنگام ورود به کوفه، به همراه صفوان به سوی قبر امیر مؤمنان علیه السلام رفته به صفوان فرمود: ای صفوان! شتر را بخوابان که این جا نزدیک قبر جدّم، امیرالمؤمنین علیه السلام است و پس از غسل و تغییر لباس‌ها، پای برهنه روانه نجف شدند .... تا این که به تپه‌های اطراف قبر امیر مؤمنان رسیده، با چوبی که در دست داشت، خطی کشید و فرمود: جست‌وجو کن. صفوان می‌گوید: اثر قبری را یافتم و حضرت با مشاهده قبر جدش، امیر مؤمنان علیه السلام اشکش جاری شده، حضرت را زیارت کردند.

صفوان می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم: رخصت دهید اصحاب را از اهل کوفه خبر دهم و نشان این قبر را به ایشان بدهم. فرمود: آری و چند درهم داد و من قبر را مرمت و بازسازی کردم. (۲)

تشویق به زیارت امام حسین علیه السلام

از بین صدها روایتی که از معصومین علیهم السلام درباره زیارت امام حسین علیه السلام نقل شده، روایات امام صادق علیه السلام در تشویق مردم برای زیارت امام حسین علیه السلام از همه معصومین علیهم السلام بیشتر است که به چند نمونه زیر اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام به معاویه بن وهب فرمود:

یا معاویه لا تدع زیارة الحسین لخوف فان من ترکه رأى من الحسرة ما یتمنى أن قبره کان عنده؛ ای معاویه! هیچ گاه زیارت امام حسین را حتی اگر ترس داشته باشی، رها نکن؛ زیرا با ترک زیارت، حسرت و پشیمانی خواهد دید که آرزو داشته باشد قبر او نزد آن حضرت باشد. (۳)

۲. وقتی امام علیه السلام شنید که ابان بن تغلب- که یکی از یاران حضرت و یکی از رؤسای عراق بوده- مدت‌هاست که به زیارت امام حسین علیه السلام نرفته، او را سرزنش کرده، فرمود:

سبحان الله العظیم و انت من رؤساء الشیعه تترک زیارة الحسین؛ سبحان الله برای رفتن به زیارت حسین علیه السلام سستی کرده، در حالی که تو از رؤسای شیعه هستی. (۴)

۱- کامل الزیارات، ص ۸۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۰؛ فرحة الغری، ص ۲۴.

۲- ابن طاوس، فرحة الغری، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۷۹.

۳- کامل الزیارات، ص ۲۷۰.





ص: ۴۱

۳. امام علیه السلام به عبدالملک بن مقرن فرمود:

و لو يعلموا ما فی زیارته من الخیر و یعلم ذلك الناس لا قتلوا علی زیارته بالسیوف و لباعوا اموالهم فی اتیانہ؛ اگر مردم بدانند که چقدر خیر و برکت در زیارت امام حسین علیه السلام وجود دارد هر آینه برای رفتن به زیارت حضرت، دست به شمشیر می‌شوند و همچنین اموال خود را برای زیارتش به فروش می‌رسانند. (۱)

۴. امام علیه السلام به ام سعید که در مدینه قصد زیارت حمزه عموی پیامبر را داشت، فرمود:

ما اعجبکم یا اهل العراق تاتون الشهداء من سفر بعید و تترکون سید الشهداء لا تاتونه؛ مایه تعجب از شما مردم عراق است که از راه دور به زیارت شهدا می‌آیید؛ اما زیارت سید الشهداء را ترک می‌گویید. (۲)

استقبال از زائر امام حسین علیه السلام در نجف

موسی حضر می‌گوید: در اول ولایت و حکمرانی ابوجعفر منصور، امام صادق علیه السلام وارد عراق شده، به سوی نجف رفت و به من فرمود: ای موسی! به طرف راه اصلی رفته، آن جا بمان که مردی از ناحیه قادسیه از راه می‌رسد. وقتی او که به تو نزدیک شد، به او بگو که در این جا مردی از اولاد و فرزندان رسول خدا صلی الله و علیه و آله می‌باشد که تو را فرا می‌خواند؛ پس همراهت خواهد آمد.

موسی می‌گوید: به دنبال انجام فرمان امام حرکت کردم؛ تا به راه اصلی رسیدم. مدتی در آن گرمای شدید صبر کردم و نزدیک بود کور شوم و بدین جهت خواستم کار را رها کرده، برگردم.

در این هنگام چشمم به شبی خورد؛ سپس دیدم که مردی شتر سوار در حال نزدیک شدن است؛ پیوسته به او نگاه کردم؛ تا به من نزدیک شد.

به او گفتم: ای مرد! در این جا مردی از فرزندان رسول خدا صلی الله و علیه و آله می‌باشد که تو را فرا خوانده است. گفت: مرا به نزد او ببر.

موسی می‌گوید: او را به نزد حضرت برده، پس از خواباندن شتر خود، امام صادق علیه السلام او را به درون چادر دعوت کرد.

موسی می‌گوید: مرد عرب داخل خیمه شد و من بر در خیمه ایستاده، سخن هر دو را می‌شنیدم؛ اما آن دو را نمی‌دیدم و می‌شنیدم که امام صادق علیه السلام به او می‌گفت: از کجا آمدی؟ پاسخ داد: از دورترین نقطه یمن. امام فرمود: تو از فلان مکان و موضع هستی؟ گفت: آری، من از فلان مکان هستم. امام فرمود: برای چه به این جا آمدی؟ گفت: به قصد زیارت امام حسین علیه السلام آمده‌ام. امام فرمود: هیچ کاری جز زیارت نداشتی؟ گفت: هیچ کاری ندارم؛ جز این که کنار قبرش نماز بخوانم و زیارتش کنم و سلام بدهم و برگردم. امام صادق علیه السلام فرمود: چه اثری بر این زیارت می‌بینید؟ گفت:

۱- همان، ص ۱۷۶.

۲- صدوق، ثواب الأعمال، و عقاب الأعمال، ص ۸۸.

ص: ۴۲

زیارت او برکت در نفس ما و اهل و کسان و اولاد و فرزندان و همچنین برکت به اموال و دارایی‌هایی خواهد داشت و از آثار و برکات این زیارت، برآورده شدن حاجت‌های ما خواهد بود.

امام فرمود: ای برادر یمنی! آیا چیز دیگری اضافه نکنم؟ گفت: یابن رسول الله! به دانستنی‌هایم اضافه کن. امام فرمود:

زیارت امام حسین علیه السلام برابر با یک حج قبول شده است که همراه رسول خدا انجام شده باشد.

مرد یمنی از سخن امام صادق علیه السلام شگفت زده شد و بعد امام فرمود:

آری و الله! دو حج مبرور و قبول شده، همراه رسول خدا صلی الله و علیه و آله مرد یمنی به شدت متعجب شده بود و امام پیوسته تعداد حج قبول شده را بالا می‌برد؛ تا این که تعداد حج‌ها را به سی حج مبرور و مقبول، همراه رسول خدا صلی الله و علیه و آله رساند. (۱)

شیوه زیارت امام صادق علیه السلام

در زندگی امام صادق علیه السلام در رابطه با زیارت امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام، دو شیوه ضبط شده است که به شرح زیر می‌باشند:

۱. توصیه و سفارش؛

امام صادق علیه السلام به حسن بن عطیه چنین توصیه کرد:

هر گاه وارد حائر - حسینی - شدی، نخست چنین بگو: «الله ان هذا مقام اکرمتنی به و شرفتنی به...» و آن گاه قدری راه رفته، هفت مرتبه تکبیر بگو؛ سپس می‌گویی:

«سبحان الله سبح له الملك و الملكوت...» و آن گاه پنج تکبیر گفته، قدری راه می‌روی و می‌گویی: «اللهم انی بک مؤمن و بوعدک موقن...»؛ سپس سه مرتبه تکبیر گفته، دست‌ها را بالا برده، هر دو را بر قبر امام حسین می‌گذاری و چنین می‌گویی: «اشهد انک طهر طاهر من طهر طاهر...» و آن گاه هر دو گونه‌ات را بر قبر می‌گذاری؛ سپس می‌نشینی و آن چه که می‌توانی، ذکر خدا می‌گویی و آن گاه به سوی پایین پای حضرت رفته، دست‌ها را بر قبر می‌گذاری و می‌گویی: «صلوات الله علی روحک و علی بدنک...»؛ سپس به سوی قبر فرزندش علی رفته، آن چه که دوست داری، اظهار کن و سپس به سوی قبور شهدا رفته، در حال ایستادن به طرف قبور شهدا چنین بگو: «السلام علیکم ایها الشهداء انتم لنا فرط و نحن لکم تبع...» و آن گاه قبر مقدس امام را در مقابلت قرار ده، هر چه می‌خواهی، نماز بخوان و بگو: «جئت وافداً الیک و اتوسل الی الله بک...»؛ سپس یازده تکبیر پشت

ص: ۴۳

سر هم بگو و عجله نکن؛ سپس چند قدم به طرف قبله راه برو و چنین بگو:

«الحمد لله الواحد الموحد فی الامور كلها...» و هفت مرتبه الله اکبر گفته، مقداری راه برو و باز هم به سوی قبله قرار گرفته، چنین

بگو: «الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً...» و در آخر فرمود: هر گاه وارد حائر شدی، پس از سلام، صورت را بر قبر بگذار. (۱)

ابن قولویه می‌نویسد: «یونس به امام عرضه داشت، فدایت شوم! می‌خواهم - امام حسین علیه السلام - را زیارت کنم؛ چه عملی انجام

دهم و چه بگویم؟

امام در پاسخ فرمود:

وقتی به سوی قبر ابی‌عبدالله علیه السلام رفتی، نخست در شاطی فرات، غسل بکن و سپس پاک‌ترین لباس هایت را به تن کن و

قدری راه برو؛ زیرا تو در حریمی از حرم‌های خدا و پیامبرش می‌باشی؛ پس زبان به تکبیر و تهلیل و تمجید و تعظیم خدا بگشا و بر

پیامبر و اهل بیت طاهرینش فراوان درود فرست؛ تا این که به باب الحسین برسی و چنین بگو: «السلام علیک یا حجه‌الله و ابن حجه

...»؛ سپس ده قدم راه رفته، تکبیر بگو و بایست و آن گاه سی و چهار مرتبه تکبیر بگو و راه برو؛ تا به طرف صورت و پیش روی

حضرت برسی؛ به گونه‌ای که صورت به صورت امام شوی و چنین بگو: «السلام علیک یا حجه‌الله و ابن حجه...» و سه مرتبه

می‌گویی: «صلی الله علیک یا اباعبدالله...»؛ سپس از جای برخاسته به سوی فرزندش علی که در زیر پایش می‌باشد، رفته، می‌گویی:

«السلام علیک یا بن رسول الله...» سپس از جای برخاسته، با دستت به قبور شهدا اشاره کرده، سه مرتبه می‌گویی: «السلام علیکم» و

سه مرتبه می‌گویی: «فزتم و الله...» و آن گاه دور بزن و قبر ابی‌عبدالله را در مقابل خود قرار بده، شش رکعت نماز بخوان...» (۲)

نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که حضرت به یوسف کناسی، معاویه بن عمار، مفضل عامر بن جداعه، عمار بن موسی سابطی،

ابوسعید مدائنی، حسین بن عطیه و ابوحمزه ثمالی شبیه همین دستورات را داده است؛ مثلاً به یوسف کناسی فرمود:

پس از غسل در فرات، با سکینه و وقار از طرف شرق حائر وارد شو و بر امام حسین علیه السلام و سایر امامان سلام کن. (۳)

و به مفضل ضمن بیان فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام، فرمود:

۱- کامل الزیارات، ص ۳۵۸.

۲- همان، ص ۳۶۲.

۳- همان، ص ۳۶۷.

ص: ۴۴

وقتی که به درب می‌رسی، سلام بده و وقتی که وارد شدی، دست را روی قبر امام حسین علیه السلام بگذار و بگو: «السلام علیک یا حجّه‌الله فی سماءه و ارضه». (۱)

همچنین به ابوسعید مدائنی فرمود:

اگر امام حسین علیه السلام را زیارت کردی، در بالای سر آن حضرت، هزار مرتبه تسبیح امیر مؤمنان علیه السلام را بر زبان جاری کن و در پایین پای وی، هزار مرتبه تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیهما را بفرست و آن گاه دو رکعت نماز بخوان و در رکعت اول، سوره یاسین و در رکعت دوم، سوره الرحمن را تلاوت کن. (۲)

امام در یک سفارش طولانی به ابو حمزه ثمالی فرمود:

هر گاه خواستی به زیارت امام حسین علیه السلام بروی، نخست سه روز روزه بگیر و آن گاه زن و فرزند را جمع کرده، دعای سفر را بخوان و غسل کن و وقتی که به نینوا رسیدی، روغن نزن؛ سورمه نکش؛ گوشت نخور و به گونه‌ای راه برو که قدم‌هایت کوچک باشد. (۳)

۲. شیوه عملی؛

حضرت امام صادق علیه السلام در سفرهایی که به عراق داشت، خودش به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رفت و به دوستانی که حضرت را همراهی می‌کردند، می‌فرمود: شما نیز چنین کنید. صفوان جمال می‌گوید:

در سفری که با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به نزد ابوجعفر دوانقی رفتیم، وارد کوفه شدیم. حضرت فرمود: ای صفوان! شتر را بخوابان که این جا نزدیک قبر جدم امیر مؤمنان علیه السلام است، پس فرود آمد، غسل کرد، جامه خویش را تغییر داد و پاها را برهنه کرد و فرمود: تو نیز چنین کن؛ پس به سوی نجف روانه شد و فرمود: گام‌ها را کوتاه بردار و سر خود را نیز به زیر انداز که حق تعالی برای تو به عدد هر گامی که برمی‌داری، صد هزار حسنه می‌نویسد و صد هزار گناه را محو می‌کند و صد هزار درجه تو را بلند می‌کند و صد هزار حاجت تو را برمی‌آورد و برای تو ثواب هر صدیق و شهید را می‌نویسد.

من به دنبال حضرت به راه افتاده، با آرامش، تسبیح و تهلیل خدا می‌کردیم؛ تا به تپه‌ها رسیدیم. حضرت به طرف راست و چپ نگاه کرد و با چوبی‌ای که در دست داشت، خطی کشید و فرمود: جست‌وجو کن. من نیز چنین کردم و اثر قبری یافتم.

این جا بود که آب از دیدگان مبارک امام صادق علیه السلام سرازیر شده، فرمود: انا لله و انا الیه راجعون السلام علیک ایها

۱- همان، ص ۳۷۵.

۲- همان، ص ۳۸۴.

۳- همان، ص ۳۹۳.

ص: ۴۵

الوصی البر التقی ...» پس برخاست و در بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز خواند و فرمود: ای صفوان! هر که زیارت کند امیر مؤمنان را به این زیارت و این نماز را بخواند، برگردد به سوی اهل و کسان خود، در حالی که گناهانش آمرزیده شده باشند و عملش مورد قبول و پسندیده شده باشد و نوشته شود برای او ثواب ملائکه‌ای که زیارت آن حضرت رفته باشند. صفوان از روی تعجب پرسید: ثواب فرشتگانی که زیارت کنند حضرت را؟

حضرت فرمود: آری، در هر شبی هفتاد قبیله از ملائکه، آن حضرت را زیارت می‌کنند. صفوان پرسید: هر قبیله چه مقدار هستند؟ امام فرمود: یک صد هزار فرشته.

حضرت در موقع وداع به پشت بیرون آمده، در اثنای بیرون آمدن می‌فرمود:

«یا جداه، یا سیداه، یا طیباہ یا طاہراہ لا جعلہ اللہ آخر العہد منک و رزقنی العود الیک ...» (۱)

امام صادق علیه السلام چنین زیارت کردند

مرحوم شیخ عباس قمی (ره) در زیارت ششم امیر مؤمنان علیه السلام می‌نویسد:

زیارتی است که جماعتی از علما روایت کرده‌اند که از جمله آنها است شیخ محمد بن المشهدی که فرمود: روایت کرده است محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت: بیرون رفتم با صفوان جمال و جمعی از اصحاب به سوی نجف و امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کردیم و چون فارغ شدیم، صفوان روی خود را گردانید به سوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت: زیارت می‌کنم حضرت امام حسین علیه السلام را از این مکان، از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام؛ سپس گفت: با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به این جا آمدیم و حضرت چنین زیارت کرد و نماز و دعا خواند که من انجام می‌دهم و به من فرمود:

ای صفوان! این زیارت را ضبط کن و این دعا را بخوان و همیشه حضرت امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام را به این نحو، زیارت کن که من ضامن هستم بر خدا که هر که ایشان را چنین زیارت کند و این دعا را بخواند، از نزدیک یا دور، زیارتش پذیرفته شود و به عملش مزد داده شود و سلامش به ایشان برسد و حاجتش برآورده شود؛ هر چند عظیم باشد. (۲)

نماز در کنار سر مقدس امام حسین علیه السلام

اگر چه سید بن طاووس فرموده که عالمان شیعه معتقدند که سر مقدس امام حسین علیه السلام به کربلا باز گردانده شده و به جسد شریفش ملحق شده است. (۳)

و یا علامه مجلسی بر این نظر است که مشهور بین علما این است که سر مقدس امام حسین علیه السلام به وسیله امام سجاد علیه السلام به بدن امام حسین علیه السلام ملحق شده است؛ (۴) اما نظرات دیگری هم وجود دارد مبنی بر این که سر

۱- فرحة الغری، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۷۹.

۲- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۶۴۲، (زیارت ششم امیر مؤمنان).

۳- الهدف، ص ۱۹۴، المقتل المأثور الحسین، ص ۲۳۶.

۴- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵.

ص: ۴۶

مقدس امام علیه السلام در جای دیگری دفن شده است. که از جمله آنها، دفن در کنار قبر مقدس امیر مؤمنان علیه السلام است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وقتی که عیدالله ملعون سر مقدس امام حسین علیه السلام را به شام فرساده، یزید آن را به کوفه برگرداند؛ سپس عیدالله گفت: سر مقدس را از کوفه بیرون ببرید؛ تا مردم شیفته و فریفته آن نشوند؛ پس خداوند سر مقدس امام حسین را نزد امیر مؤمنان قرار داد. (۱) از این رو، امام صادق علیه السلام وقتی که همراه یزید بن عمرو بن طلحه و فرزندش اسماعیل از حیره به زیارت امیر مؤمنان رفت، علاوه بر زیارت امیر مؤمنان علیه السلام، دو رکعت نماز دیگر خواند؛ سپس به فرزندش اسماعیل فرمود: برخیز و بر جدت امام حسین علیه السلام سلام بده.

یزید بن عمرو پرسید: فدایت شوم! مگر امام حسین علیه السلام در کربلا دفن نشده؟ حضرت فرمود:

آری، اما زمانی که سر مقدس امام حسین علیه السلام را به سوی شام می‌بردند، یکی از دوستان ما سر را برداشت. و آن را در کنار قبر امیر مؤمنان علیه السلام به خاک سپرد. (۲)

و به ابان بن تغلب نیز چنین فرمود:

سر امام حسین علیه السلام در کنار قبر امیر مؤمنان علیه السلام به خاک سپرده شد. (۳)

همچنین به علی بن اسباط فرمود:

وقتی که به غری رسیدی، دو قبر را مشاهده خواهی کرد؛ یکی بزرگ و دیگری کوچک؛ اما قبر بزرگ که قبر امیر مؤمنان علیه السلام است و اما قبر کوچک، محل دفن سر مقدس امام حسین علیه السلام است. (۴)

نماز و زیارت امام حسین علیه السلام در مسجد حنانه

در نزدیکی‌های شهر نجف، محلی است به نام حنانه و معنای حنانه، ناله کننده می‌باشد.

درباره علت این که آن محل را حنانه می‌نامند، گفته شده که در آن جا نشانه‌ای بوده که وقتی جنازه امیر مؤمنان علیه السلام را از آن جا عبور دادند، آن نشان به علامت تعظیم، خم شد و بدین جهت آن جا را حنانه نامیدند. (۵)

برخی دیگر گفته‌اند: وقتی که جنازه امیر مؤمنان علیه السلام به مکان رسید، ناله شدیدی از آن مکان شنیده شد و وقتی علت ناله را از امام حسن مجتبی علیه السلام پرسیدند. امام در پاسخ فرمود: چون امیر مؤمنان علیه السلام در شب‌های تاریک به این مکان می‌آمد و در آن جا نماز می‌خواند، بدین جهت، این مکان در فراق امیر مؤمنان ناله کرد. (۶) و گفته شده که وقتی سر

۱- همان، ص ۱۷۸.

۲- همان، ج ۴۴، ص ۱۹۹.

۳- مناقب آل‌بی‌طالب، ج ۴، ص ۷۶.

۴- کامل‌الزیارات، ص ۸۴.

۵- معالی السبطین، ج ۲، ص ۹۵.

۶- همان.



ص: ۴۷

مقدس امام حسین علیه السلام را در این مکان گذاشتند، از سر مقدس امام تا صبح ناله شنیده شد. (۱)

مرحوم شیخ عباس قمی می‌نویسد: مستحب است که در آن جا امام حسین علیه السلام زیارت بشود؛ زیرا سر مقدس آن حضرت را در آن مکان قرار دادند. (۲)

امام صادق علیه السلام به هنگام عبور از این مکان، دو رکعت نماز گزارد و هنگامی که علت آن را جویا شدند، فرمود: این مکانی است که سر مقدس جدم امام حسین علیه السلام را به هنگام بردن به سوی عیدالله، در این مکان گذاشتند. (۳)

نماز امام صادق علیه السلام در محل منبر امام زمان علیه السلام بر اساس شواهد قطعی و روایات موجود، محل حکومت امام زمان علیه السلام، در عراق و در شهر کوفه خواهد بود و به یقین امام برای ملاقات مردم، باید مکان و جایگاه وسیعی داشته باشد و برای خطبه خواندن، مسجد به هزاردربی نیاز دارد و در درون آن مسجد، منبری برقرار خواهد بود. این مکان، طبق فرموده امام صادق علیه السلام در بین نجف و کوفه است؛ یعنی درست در همان جایی که مسجد هزاردربی برای نماز جمعه حضرت ساخته می‌شود.

امام صادق علیه السلام پیشاپیش به هنگام عبور از آن محل، دو رکعت نماز خواند و وقتی برخی علت آن را جویا شدند، فرمود: این جا محل منبر امام زمان علیه السلام است.

ابان بن تغلب می‌گوید:

كنت مع ابی عبد الله علیه السلام، فمرّ بظهر الكوفة، فنزل وصلى ركعتين ثم تقدم قليلاً، فصلى ركعتين ثم سار قليلاً فنزل فصلى ركعتين ثم قال: هذا موضع قبر امير المؤمنين عليه السلام. قلت جعلت فداك: فما الموضوعين الذين صليت فيهما؟

قال: موضع رأس الحسين و موضع منبر القائم؛ همراه حضرت امام صادق علیه السلام بودم که مسیر خود را به طرف پشت کوفه ادامه داده، پس فرود آمد و دو رکعت نماز خواند؛ سپس قدری جلوتر رفته، دو رکعت دیگر نماز خواند؛ سپس سوار شده، مقدار دیگری به راه افتاد و بار دیگر پیاده شد و دو رکعت نماز گزارد و فرمود: این، جایگاه قبر امیر مؤمنان علیه السلام است. ابان می‌گوید عرض کردم فدایت گردم! آن دو موضع قبلی چه بود که در آن جا نماز خواندی؟

حضرت فرمود: یکی محل گذاردن سر مقدس امام حسین علیه السلام بود و دیگری محل نصب منبر حضرت قائم علیه السلام. (۴)

مقام‌های امام صادق علیه السلام در عراق

در کربلا و نجف، مقام‌های متعددی برای امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که برخی از آنها سند روایی دارند و

۱- همان.

۲- همان.

۳- شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۲۲۹؛ المقتل الحسين المأثور، ص ۱۹۶.

۴- کامل الزیارات، ص ۸۳.



ص: ۴۸

برخی دیگر در بین مردم معروف هستند که کنار قبر علی علیه السلام و کنار قبر امام حسین علیه السلام و مسجد حنانه، جزء این مقامات است؛ اگر چه این موارد جزء مقام‌ها به حساب نیامده‌اند.

۱. مقام امام صادق علیه السلام در مسجد سهله

در وسط مسجد سهله مکانی که معروف به مقام امام صادق علیه السلام است. و ممکن است این جا همان مکانی باشد که امام با بشار مکاری، برای آزادی یک زن زندانی در کوفه به آن جا رفته و درخواست آزادی‌اش را از خدا کرده بود. بشار مکاری می‌گوید:

- روزی - در کوفه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم که طبقی از رطب در مقابل او بود و از آن تناول می‌کرد و به من فرمود: نزدیک بیا و تناول کن. عرض کردم:

گواری وجود باشد؛ فدایت گردم؛ حال که می‌آمدم، حادثه‌ای مرا سخت آزار داده، قلبم را به درد آورده و غیرتم را تحریک کرد. امام فرمود: به حقی که بر تو دارم، از تو می‌خواهم که پیش بیایی و از این رطب تناول کنی. بشار می‌گوید: به خواست حضرت نزدیک رفته، مقداری از آن رطب را تناول کردم. امام فرمود: حال ماجرای خود را نقل کن. عرض کردم: مأموری را دیدم که بر سر بانویی می‌زد و او را به سوی زندان می‌برد و او نیز با صدایی بلند فریاد می‌زد: «المستغاث بالله و رسوله» و کسی به فکر آزادی‌اش از دست جلادان نبود. امام صادق علیه السلام فرمود: چرا با او چنین رفتاری می‌کردند؟ بشار گوید:

شنیدم که مردم می‌گفتند: او به هنگام رفتن، پایش گیر کرد و بر زمین افتاد و در آن حال گفته بود: «لعن الله ظالمیک یا فاطمه؛ خدا لعنت کند کسانی که به تو ظلم کرده‌اند؛ ای فاطمه! و همین سبب شد که این گونه با او رفتار کردند. بشار می‌گوید:

پس امام از خوردن رطب دست کشیده، آن قدر گریه کرد که دستمال و محاسن شریف و سینه مبارکش پر از اشک شدند؛ سپس فرمود: ای بشار! برخیز با هم به مسجد سهله برویم و از خداوند، آزادی این زن را بخواه و همزمان به یکی از یاران خود دستور داد تا به سوی کاخ خلیفه رفته، بر درب کاخ بماند و آن جا را رها نکند؛ تا فرستاده امام نزدش بیاید و اگر خبری از آن زن به دستش رسید، به سوی مسجد سهله برود.

بشار می‌گوید: به سوی مسجد سهله به راه افتادیم و هر یک از ما دو نفر، دو رکعت نماز خوانده، سپس امام صادق علیه السلام دست خود را به سوی آسمان بالا برده،

ص: ۴۹

فرمود: «انت الله لا اله الا انت مبدی الخلق و معیدهم؛ تویی آن پروردگاری که هیچ خدایی جز تو نیست؛ بندگان را آفریده و آنها را برمی گردانی» و بعد به سجده رفت و از آن حضرت چیزی جز نفس کشیدن را نمی شنیدیم؛ آن گاه سر برداشت و فرمود: برخیز که آن زن آزاد شد. بشار می گوید: هر دو از مسجد بیرون آمدیم که ناگاه همان شخصی را که امام او را به درب کاخ خلیفه فرستاده بود، از راه رسید.

امام پرسید: خیر تازه چه داری؟ گفت: آزادش کردند. امام فرمود: چگونه؟ گفت:

نمی دانم و هم چنان که بر درب کاخ ایستاده بودم، یکی از نگهبانان بیرون آمد و آن زن را فراخواند و به او گفت: تو چه گفته بودی؟ آن زن گفت: پایم گیر کرده، به زمین افتادم و در همان حال گفتم: «لعن الله ظالمیک یا فاطمه» که دیدید با من چه رفتاری کردند؛ سپس آن نگهبان دو دست در هم بیرون آورده، به آن زن داد و گفت:

این پول را بگیر و امیر را حلال کن. آن زن از گرفتن پول خودداری کرد و وقتی که او چنین دید، وارد کاخ شده، صاحب خود را از آن باخبر ساخت؛ سپس بار دیگر بیرون آمد و گفت: به خانه‌ات برگرد و زن برخاسته، به خانه‌اش برگشت. (۱)

۲. مقام امام صادق علیه السلام در مسجد کوفه

دومین مقامی که برای امام صادق علیه السلام نقل شده، مقام آن حضرت در مسجد کوفه است. اگر چه به دلیل اهمیت این مسجد شریف، جای جای آن، محل نماز امام صادق علیه السلام بوده است، اما مقامی که برای وی نقل شده، در نزدیکی قبر حضرت مسلم بن عقیل بوده و مشهور به دگه حضرت صادق علیه السلام است.

مرحوم شیخ عباس قمی در بخش اعمال مسجد بزرگ کوفه می نویسد: اعمال دگه حضرت صادق علیه السلام. پس برو به سوی مقام حضرت صادق علیه السلام و آن واقع است در نزدیکی مسلم بن عقیل و آن جا دو رکعت نماز کن و چون سلام دادی و تسبیح نمودی بگو: یا صانع کل مصنوع و یا ...

۳. مقام امام صادق در وادی السلام نجف

سومین مقامی که برای امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، مقام امام صادق علیه السلام در وادی السلام نجف است که در کنار مقام حضرت امام زمان علیه السلام قرار گرفته و هر دو مقام در یک ساختمان قرار دارند. این مقام، ممکن است که یک ریشه روایی یا تاریخی داشته باشد؛ اما من به چنین مدرکی برخورد نکرده‌ام.

۴. مقام امام صادق علیه السلام در کربلای معلی

چهارمین مکانی که به امام جعفر صادق علیه السلام نسبت می دهند، مقام امام صادق علیه السلام در کربلاست. این مقام که در پشت مقام حضرت صاحب الزمان علیه السلام و در میان باغ‌ها قرار گرفته، از قدیم معروف به مقام امام صادق علیه السلام بوده

ص: ۵۰

است؛ گویا امام در موقع سفر به کربلا و زیارت امام حسین علیه السلام، ابتدا در آن نقطه مستقر شده، سپس به زیارت مرقد پاک و مطهر امام حسین علیه السلام رفت.

این مقام همانند مقام امام صادق علیه السلام در وادی السلام نجف است که ممکن است یک ریشه تاریخی داشته باشد؛ اما این جانب به چنین مدرکی دست نیافته‌ام.

ص: ۵۱

امام صادق علیه السلام در سفرهای اختیاری و یا اجباری که به عراق داشته، هرگز از زیارت این دو امام بزرگ، غفلت نکرده، حتی در سفرهای اجباری خود به بغداد، در بین راه، اول به سراغ قبر اجداد خود رفته، سپس نزد منصور عباسی روانه می‌شد. ابوسعید مدائنی فرمود:

اگر امام حسین علیه السلام را زیارت کردی، در بالای سر آن حضرت، هزار مرتبه تسبیح امیر مؤمنان علیه السلام را بر زبان جاری کن و در پایین پای وی، هزار مرتبه تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیهما را بفرست و آن گاه دو رکعت نماز بخوان و در رکعت اول، سوره یاسین و در رکعت دوم، سوره الرحمن را تلاوت کن

در کربلا و نجف، مقام‌های متعددی برای امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که برخی از آنها سند روایی دارند و برخی دیگر در بین مردم معروف هستند که کنار قبر علی علیه السلام و کنار قبر امام حسین علیه السلام و مسجد حنّانه، جزء این مقامات است؛ اگر چه این موارد جزء مقام‌ها به حساب نیامده‌اند.

## زیارت مزار خدایاوران

حسین ایرانی (۱)

مقدمه

در نگاه قرآن و اسلام، هدف از آفرینش، عبودیت و بندگی خداست؛ «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (۲) و نیز فلسفه بعثت انبیا، همان عبادت می‌باشد؛ «و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدو الله...» (۳)

از طرفی برترین مقام و امتیاز، همان عبد خدا شدن است؛ «سبحان الذی اسرى بعبده» و اشهد ان محمداً عبده و رسوله. علاوه بر این، تنها راه سعادت و تکامل لایق به حال انسان، در عبودیت بوده، به گونه‌ای که قرآن می‌فرماید: «وان اعبدونی هذا صراط مستقیم». (۴)

از طرف دیگر، معیار، عبد زیستن است؛ نه فقط ساعتی مناسکی را انجام دادن؛ یعنی خود را در تمام حالات مملوک خدا دیدن و از همه وابستگی‌های مادی و علائق حیوانی رها شدن و تنها طالب و تسلیم و مطیع خدا شدن و به همین دلیل در اسلام از عوامل غفلت آور، نهی شده و به آن چه موجب ذکر و توجه قلبی به خدا و جدایی از مظاهر مادی است، مانند یاد معاد، توصیه و تأکید شده است.

مشاهد مشرفه و آرامگاه رهبران دین و شخصیت‌های الهی، همانند امام علی علیه السلام که می‌فرماید: «الهی، کفی بی عزاً ان اکون لک عبداً» (۵)، یکی از راه‌های مهم توجه قلبی و یاد خدا می‌باشد. شیعه هرگز نگاه استقلالی به امام و این که امامان قدرتی بالذات در برابر خداوند دارند، نداشته است؛ بلکه پیشوایان دینی با پاکی و صفای باطن (که از طریق عبودیت کسب کرده‌اند)، به اذن خدا واسطه می‌شوند و این معنا در متن زیارت نامه‌ها آمده است: «اتقرب الی الله بحبکم و متقرب الیک بزیارة قبر اخی رسولک، اتوسل، اتوجه و بزیارة حبیب حبیبک تقربت، اللهم الیک صمدت من ارضی ... رجاء رحمتک» و زائر هم در زیارتگاه‌ها به دعا، نماز، قرائت قرآن و ذکر خدا می‌پردازد و در عین احترام و توجه به مقام قرب آنان و موقعیت‌شان نزد پروردگار از آنان بهره‌مند می‌شود؛ همان گونه که در زمان پیامبر صلی الله و علیه و آله نزد آن حضرت می‌آمدند و از خدا طلب مغفرت می‌کردند؛ «ولو انهم اذا ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً» (۶) یا همانند فرزندان حضرت یعقوب که از پدرشان خواستند تا برای آنها در پیشگاه خداوند استغفار کند؛ «قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا...» (۷) و حضرت نفرمود که چرا مرا واسطه قرار دادید و مستقلاً باید سراغ خدا بروید؛ بلکه فرمود: «سوف استغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم»؛ (۸) بزودی از خدایم برای شما طلب آمرزش کنم؛ زیرا او آمرزنده مهربان است» و همین طور وعده حضرت ابراهیم نسبت به استغفار برای پدرش. (۹)

به راستی مگر اصحاب در زمان پیامبر صلی الله و علیه و آله آب وضوی او را به عنوان تبرک بر نمی‌داشتند و دست آن حضرت را نمی‌بوسیدند. (۱۰)

۱- مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین ایرانی از روحانیون مبارز حوزه علمیه قم بود که در دوران رژیم ستمشاهی مبارزات او قابل تقدیر است. پس از پیروزی انقلاب سال‌ها فرمانده سپاه قم را عهده دار بود و در دو دوره، به نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی برگزیده شد و چند سال نیز به عنوان رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان قم به خدمت مشغول بود که

متأسفانه در اثر کسالت طولانی روز ۱۳۸۷/۱۲/۲۹ به رحمت ایزدی پیوست و همه دوستان، آشنایان و همکاران خود را داغدار نمود. از این مرحوم، آثار قلمی متعددی به یادگار مانده است. با چاپ مقاله فوق که به قلم این عالم فرزانه نگارش یافته است، یاد و نام او را گرامی می‌داریم و خدمات و تلاش‌های شبانه‌روزی وی را ارج می‌نهمیم.

۲- ذاریات، آیه ۵۶.

۳- نحل، آیه ۳۶.

۴- یس، آیه ۶۱ و آل عمران، آیه ۵۱.

۵- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۰.

۶- نساء، آیه ۶۴.

۷- یوسف، آیه ۹۷.

۸- یوسف، آیه ۹۸.

۹- توبه، آیه ۱۱۴.

۱۰- کشف الارتیاب، ص ۴۴۳.



ص: ۵۳

اما ساختن گنبد و بارگاه بر مزار صالحان و پاکان، علاوه بر احترام به آنان، برای استراحت زائران و عبادت کنندگان است که از راه‌های دور و نزدیک می‌آیند و هنر اسلامی و شکوه آن را نمایش می‌دهد و نیز نوعی تعظیم شعائر (۱) به شمار می‌آید. همچنین از مصادیق آیه مبارکه «فی بیوت اذن اله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ ...» (۲) می‌باشد؛ زیرا در این مکان‌ها زن و مرد به ذکر خدا و نماز و نیایش حق مشغولند.

روایات متعددی نیز از سنی و شیعه در پاداش و تشویق تعمیر و ساختن قبور پیشوایان اسلام نقل شده است.

پیامبر صلی الله و علیه و آله و امامان معصوم و صالحان بعد از رحلت و شهادتشان، در حکم زندگانی می‌باشند و از ارواح بلندشان درخواست وساطت برای روا شدن حاجات می‌شود و حتی نوعی حیات برزخی برتر از شهدا برای آنان گفته‌اند؛ (۳) «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون». (۴)

احادیث بسیاری از علمای شیعه و سنی نقل شده که پیامبر صلی الله و علیه و آله و امامان علیهم السلام سخن و سلام‌ها را می‌شنوند و از دور و نزدیک، جواب می‌دهند و حتی اعمال امت بر آنان عرضه می‌گردد (۵) و نیز پیامبر صلی الله و علیه و آله با اجساد مرده مشرکان در کنار چاه «بدر» سخن گفت و در جواب «عمر» فرمود: «والذی نفس محمد بیده ما انتم باسمع لما اقول منهم؛ سوگند به آن که جان «محمد» در دست اوست، شما نسبت به آن چه می‌گوییم از آنها شنواتر نیستند (۶) و همچنین امام علی علیه السلام با کشتگان جنگ «جمل» (۷) سخن گفت و نیز در مجامع روایی می‌خوانیم:

«واعلم ان رسلک و خلفائک احياء عندک یرزقون یرون مکانی و یسمعونی کلامی ...». (۸)

زیارت در لغت

زیارت، از ماده «زور» به معنای قصد، میل، انحراف، دیدار، بالای سینه و ملاقات با سینه را گویند. این واژه در قرآن در دو جا آمده است: آیه ۲ تکاثر و آیه ۱۷ کهف و مراد از «قول زور» در آیه ۳۰ حج و آیه ۴ فرقان، سخن منحرف از حق، دروغ و گفتار ظالمانه می‌باشد. (۹) و در اصطلاح، نوعی انس و تمایل قلبی، همراه با حرکت حسی و تکریم و تعظیم مزور می‌باشد و شاید مرحله نهایی آن عشق و اطاعت از زیارت شونده و همانند او شدن در عقیده و عمل باشد (۱۰) و در حدیث آمده است: «اللهم اجعلنی من زوارک؛ خدایا! مرا از قصد کنندگان و پناهندگان در گاهت قرار بده». (۱۱)

زیارت در اسلام

زیارت و احترام شخصیت‌های علمی، انقلابی، مکتبی و ملی، در تمام ملت‌ها و امت‌ها وجود دارد و یک اصل فطری و عقلانی است و در تمام ادوار زندگی بشر به چشم می‌خورد و اسلام از آن جا که دینی جامع است و پاسخ‌گوی تمام تمایلات انسان می‌باشد، اصل زیارت را به دور از خرافات جاهلی و تحریفات شرک آلود، برای پیروان خود بیان کرده است. احادیث فراوان، متواتر و متنوعی در کتاب‌های شیعه و سنی در این باره آمده است.

نگارش صدها کتاب از اهل تسنن و تشیع در آداب و احکام زیارت، همه حاکی از اهمیت زیارت و نقش سازنده و مؤثر

۱- حج، آیه ۲۳.

۲- نور، آیه ۳۶.

- ۳- محمد بن عبد الوهاب، رساله دوم الهدیه الشیعۀ، ص ۴۱ (به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۵)
- ۴- آل عمران، آیه ۱۶۹.
- ۵- کشف الارتیاب، ص ۱۰۹.
- ۶- بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۹۷، باب قتل ابوجهل.
- ۷- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴۸.
- ۸- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۲.
- ۹- راغب، مفردات؛ اقرب الموارد؛ مجمع البحرین و قاموس القرآن.
- ۱۰- نجفی، جواره الکلام، فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۰، ص ۴۴۱.
- ۱۱- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۷.

ص: ۵۴

آن در تربیت و هدایت فرد و جامعه و حفظ و نشر فرهنگ دینی است. (۱)

به طور کلی، زیارت قبور انبیا، امامان و اولیاء و صالحان، اصلی ارزشی و مورد اتفاق فرق اسلامی (غیر از وهابیت) می‌باشد و حتی فخر رازی، دانشمند مشهور و مفسر معروف اهل تسنن (۵۴۳-۶۰۶) «رساله زیارة القبور» را نوشته است و در کتاب‌های «کنز العمال، ج ۱۵»، «احیاء العلوم، ج ۱» و صحاح ستہ و «المغنی و الشرح الکبیر، ج ۲ و ۳» و ... روایات متعددی از پیامبر صلی الله و علیه و آله واصحاب در این باره نقل شده است.

زیارت خوبان خدایی رفتن، عمل کردن به آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله وجاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون» (۲) است که مؤمنان را به دور از شرک و کفر به دنبال وسیله رفتن و توسل جستن، توصیه می‌کند.

روایات فراوانی در باب توسل، از عالمان سنی و شیعه نقل شده است که متواتر بودن آنها ما را از بررسی سندشان بی‌نیاز می‌نماید «سمهودی»، دانشمند مشهور سنی در کتاب خود، کمک و شفاعت خواستن از پیامبر صلی الله و علیه و آله را قبل و بعد از رحلتش و در عالم برزخ و قیامت، جایز می‌داند. (۳)

امام شافعی (پیشوای بزرگ اهل تسنن) در توسل به اهل بیت شعری بدین مضمون نقل کرده است:

خاندان پیامبر صلی الله و علیه و آله وسیله من نزد خدا هستند و امیدوارم به وسیله آنان، فردای قیامت، نامه عمل من به دست راستم داده شود. (۴)

همچنین «آلوسی» می‌گوید:

توسل به خداوند به مقام پیامبر، در زندگی و بعد از ارتحالش و حتی توسل به مقام غیر پیامبر هم جایز است؛ به شرط آن که نزد خدا مقامی داشته باشد. (۵)

چیستی زیارت

زیارت گرچه یک اصل اخلاقی، عبادی، ارزشی و سیاسی است و در مکتب تشیع با شور و شکوه خاصی درخشیده است و بامنطق و استدلال، همراه می‌باشد، اما بیشتر از همه عشق و اشتیاق زائر نسبت به زیارت شونده در آن مطرح است و بیان‌گر یک رابطه دوستی و قلبی خاص است که آن همه رنج‌ها و سفرها و هزینه‌ها را آسان می‌نماید.

از رهگذر محبت است که مجنون درب و دیوار خانه «لیلی»، معشوق و محبوب خود را می‌بوسد و پیوسته نام او را یاد می‌کند.

«و ما حب الیدیار شغفن قلبی

و لکن حب من سکن الیدیار»

مادر، تصویر و لباس فرزندش را می‌بوسد و این، شرک نیست؛ بلکه عشق است. اسلام، دین محبت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هل الذین الا العب؛ (۶) آیا دین چیزی جز محبت است».

در قرآن می‌خوانیم: «قل لا اسئلكم علیه اجرأ الا الموده فی القربی» (۷)

۱- امینی، الغدیر، ج ۵؛ کامل الزیارات؛ بحار الانوار.

۳- وفاء الوفاء، ج ۳ و ص ۱۳۷۱؛ التوصل الی حقیقه التوصل، ص ۲۱۵.

۴- همان، ص ۳۲۹.

۵- تفسیر رحل المعانی، ج ۳، ص ۱۱۴.

۶- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۳۷.

۷- شوری، آیه ۲۳.

ص: ۵۵

به راستی چطور می‌توان دوستدار خداوند بود، اما حبیب خدا، پیامبر صلی الله و علیه و آله و اولیاء دل‌باخته خدا را دوست نداشت؟ مگر مقام ابراهیم علیه السلام جز سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن خانه خدا (کعبه) زیر پای خود گذاشت یا استلام «حجرالاسود»، چیزی جز عشق و احترام و عرفان و عبادت است؟

فقیه و ادیب بزرگ اهل تسنن، (تاج الدین فاکهانی)، به دمشق رفت تا کفش منسوب به پیامبر صلی الله و علیه و آله را ببیند و بعد آن را می‌بوسد و می‌گیرد و شعر می‌سراید. (۱)

زیارت، سراغ اسوها و الگوهای ارزشی رفتن است و از آن جا که الگو خواهی و الگوپذیری، فطری هر انسان است و در مکتب جاوید اسلام، اسوه‌های جاودانه‌ای معرفی شدند، «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»؛ (۲) برای شما [در همه زمان‌ها و زمینه‌ها] پیامبر اسوه و سرمشق نیکوست» خود را ارزیابی و ضعف‌ها و نقص‌های خود را دیدن و ازدام‌های شیاطین درون و بیرون رها شدن و به آن اسوه‌ها اقتدا کردن و سیر تعالی را طی نمودن از اهداف زیارت می‌باشند.

بر این اساس در زیارت‌نامه حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم: «السلام علی میزان الاعمال ومقلب الاحوال». (۳)  
«الکیس کارل» دانشمند مشهور می‌نویسد:

در زندگی عالمان و قهرمانان و پاکان، یک ذخیره تمام نشدنی از انرژی معنوی وجود دارد. این مردان، چون کوه‌هایی در میان دشت، سربالا کشیده‌اند و به ما نشان می‌دهند که تا کجا می‌توانیم بالا برویم و چقدر هدفی که طبیعتاً شعور انسانی به آن متمایل است، عالی است؛ فقط چنین مردانی می‌توانند برای زندگی درونی ما غذای معنوی مورد نیازش را تهیه کنند. (۴)  
آثار زیارت

زیارت قبر و پیشوایان و بزرگان دینی فواید فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تحکیم توحید و خدانشناسی و جایگاه نبوت، امامت و ولایت و تقویت اعتقاد به معاد و شفاعت ....
  ۲. احساس اصالت فرهنگی و هویت و شخصیت با این پیشینه‌های پاک تاریخی و خودباوری مکتبی.
  ۳. عاملی برای تحول روحی و توفیق توبه و رهایی از سقوط در گرداب گناه و بدبختی و زشتی‌ها.
  ۴. تجدید عهد و بیان با محور توحید و امامت پیشوایان دین و دانش و استوار و ثابت ماندن در امواج و کشش‌های مختلف زندگی.
- امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

ان لكل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعته و ان من تمام الوفاء بالعهد زیارة قبورهم ...؛ (۵) به راستی برای هر امامی به گردن دوستان و پیروانش پیمانی است که از وفاء به این پیمان، زیارت قبور آنان است.

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۵۵.

۲- احزاب، آیه ۲۱.

۳- مصابیح الجنان، ص ۲۹۴.

۴- راه و رسم زندگی، ترجمه پرویز دبیری، ص ۱۰۱.

۵- عاملی، ج ۱۴، ص ۳۲۲.

ص: ۵۶

۵. شکسته شدن یأس و رفع غم و تخلیه عقده‌های روحی؛ با گریه و مناجات با خدا و یافتن نشاط و آرامش با توجه به توسل و شفاعت و تقرب جستن به درگاه خدا.

۶. حضور در مزارها با آن اجتماعات، نمادی از قدرت و عظمت و عامل وحدت دینی و ملی و بر طرف کننده اختلافات و کدورت هست.

۷. زمینه پاکی و کاهش جرائم و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند.

۸. زمینه‌ای جهت توسعه اقتصادی، به ویژه تولید کالاهای فرهنگی و همچنین عامل انفاق‌ها و رفع فقر و محرومی‌ها می‌باشد.

۹. زیارت‌ها زمینه‌ساز آشنایی بیشتر با معارف دینی و مفاخر تاریخی و رشد دانش و فرهنگ مکتبی است.

۱۰. تبدیل شدن زیارتگاه‌ها به مراکز فرهنگی و تأسیس حوزه‌های علمیه؛ به طوری که از آغاز در کنار مزار رسول خدا صلی الله و علیه و آله این کار آغاز شد و زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام هزاران دانشجو از سراسر بلاد گرد می‌آمدند و به تعلیم علوم اسلامی می‌پرداختند و نیز بیدارگری‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها از کنار قبر پیامبر صلی الله و علیه و آله آغاز و همچنین فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی ضدظلم و استعمار- در کنار این مراکز صورت می‌گرفت و از کنار مزار حضرت علی علیه السلام و حوزه‌های علمیه نجف و سامراء جنگ برضد استعمار بریتانیای کبیر شکل گرفت و فتوای تاریخی میرزای شیرازی و تحریم تنباکو که انگلیس را به زانو در آورد و حادثه مسجد گوهر شاد و همچنین قیام عظیم امام خمینی (ره) از مدرسه فیضیه همه در کنار این قبور منور و مقدس صورت گرفتند.

مرز توحید و شرک

اتهام شرک بدعت به هر حرکتی و هر نوع احترام و آدابی، دور از منطق و خرداست؛ زیرا حد شرک در قرآن و سنت بیان شده است. قرآن مجید پیروان خود را از قضاوت عجولانه و زدن اتهام بی‌جا، نسبت به دیگران منع نموده می‌فرماید:

و لا تقولوا لمن القى اليكم السلم لست مؤمناً تبتغون عرض الحيوة الدنيا (۱)

به کسانی که اظهار اسلام می‌کنند (و از صلح و سلام سخن می‌گویند)، نگوئید مؤمن نیستید؛ تا از سرمایه ناپایدار دنیا بهره و غنیمتی به دست آید».

پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله وقتی حضرت علی علیه السلام را برای فتح قلعه‌های خیر فرستاد؛ در پاسخ علی علیه السلام که پرسید: حد نبرد با آنان چیست؟ فرمود:

قاتلهم حتی یشهدوا ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله فاذا فعلوا ذلك فقد منعوا منك دماهم و اموالهم الا بحقهم و حسابهم علی الله؛ (۲) با آنها پیکار کن؛ تا آن جا که شهادتین را بگویند در این صورت، جان و مالشان مصون و محترم است؛ مگر موردی که جان و مالشان به حق گرفته شود و حسابشان با خداست.

۱- نساء، آیه ۹۴.

۲- صحیح بخاری، کتاب الایمان، ص ۱۰؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۷؛ باب فضائل علی علیه السلام؛ کشف الارتیاب، ص ۱۰۱.

ص: ۵۷

این، سیره پیامبر و اصحاب و تابعین بوده است.

آیا تنها وهابیان محدود و تند رو، مؤمن هستند و تمام مسلمانان مشرکند؟ (۱) آیا فقط آنها کتاب و سنت را فهمیده‌اند که فتوا به تخریب مزار پیشوایان دین و کشتن زنان و مردان و کودکان بیگناه می‌دهند؟

در تبیین توسل و مرز شرک در اسلام، نقل کلام شهید استاد مطهری مناسب می‌باشد. وی می‌نویسد:

موجودی که به تمام هویتش، وابسته به اراده حق است و هیچ حیثیت مستقل از خود ندارد، تأثیر مافوق طبیعی او مانند تأثیر طبیعی او، پیش از آن که به خودش مستند باشد، مستند به حق است و او جز مجرای برای مرور فیض حق به اشیاء نیست؛ آیا واسطه فیض وحی و علم بودن جبرئیل و واسطه رزق بودن میکائیل و واسطه احیاء بودن اسرافیل و واسطه قبض ارواح بودن ملک الموت، شرک است؟ (۲)

جهان از نظر جهان بینی اسلامی، ماهیت «از اوئی، انا لله» دارد. قرآن کریم در آیات متعددی کارهای اعجاز آمیزی از قبیل:

مرده زنده کردن، شفادادن کور مادرزاد را به برخی پیامبران نسبت می‌دهد؛ اما همراه آن کلمه «باذنه» را اضافه می‌کند. (۳) این کلمه، نمایش گر ماهیت «از اوئی» این کارهاست؛ تا کسی نپندارد که انبیا از خود استقلالی دارند. پس مرز توحید نظری و شرک نظری، «از اوئی» و مرز توحید و شرک در توحید عملی، «به سوی اوئی و انا الیه راجعون» است.

توجه به هر موجودی، اعم از توجه ظاهری و معنوی، هر گاه به صورت توجه به یک راه برای رفتن به سوی حق باشد و نه به عنوان یک مقصد، توجه به خداست. در هر حرکت و مسیر، توجه به راه، از آن جهت که راه است و توجه به علامت‌ها و نشانه‌های راه برای گم نشدن و دور نیفتادن از مقصد، از آن جهت که این‌ها علامت و نشان هستند، «به سوی مقصد بودن و به سوی مقصد رفتن» است.

پیامبران و اولیا، راه‌های خدا هستند؛ «انتم السبیل الاعظم و الصراط الاقوم» و آنان علامت‌ها و نشانه‌های سیر الی الله هستند؛ «و اعلاما لعباده مناراً فی بلاده و ادلاء علی صراطه». پس مسئله این نیست که توسل و زیارت اولیا و انتظار مافوق طبیعی از آنان شرک است. مسئله چیز دیگر است. آنان چنین صعودی در مراتب قرب الهی کرده‌اند که تا این حد مورد موهبت واقع شده‌اند. از قرآن کریم استفاده می‌شود که خدا به پاره‌ای از بندگان خود چنین مقامات و درجاتی عنایت کرده است. (۴)

عباد صالح در مرگ و حیات

اما اینکه پیامبر صلی الله و علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و صالحان بعد از رحلت و شهادتشان در حکم زنده‌ها هستند و درخواست از ارواح بلندشان برای روا شدن حاجت به اذن الهی، هیچ اشکالی ندارد، بلکه در جای خود ثابت شده است. (۵)

۱- همان، ص ۱۰۸-۱۱۴ و ۱۱۴.

۲- مقدمه‌ای بر جهان بینی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳- آل عمران، آیه ۴۹ و مائده، آیه ۱۱۰.

۴- مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۲.



۵- کشف الارتیاب، ص ۱۰۸ و ۱۱۴.

ص: ۵۸

و قرآن کریم می‌فرماید:

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون؛ (۱)

هرگز کشته‌شدگان در راه خدا را مرده مپندار بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

علما سنی و شیعه برای انبیا نوعی حیات برزخی برتر از شهدا گفته‌اند (۲) و احادیث متعدد نقل شده که پیامبر و پاکان، سخن و

سلام زائران را می‌شنوند و از دور و نزدیک جواب می‌دهند؛ حتی اعمال امت بر آنان عرضه می‌گردد. (۳)

و همین طور در مجامع روایی می‌خوانیم: «و اعلم ان رسلک و خلفائک احياء عندک یرزقون یرون مکانی ویسمعون کلامی ...» (۴)

بعلاوه نفس و روح آدمی بامرگ نابود نمی‌شود با این که به عالم بالا-رفته و روح با تجرد قدرتمندتر می‌گردد و ارواح قوی

بزرگان ناظر اعمال ما می‌باشند و فضائل و مقام پیامبر مربوط به جسم و پیکر او نبوده تا با رحلتش پایان پذیرد، بلکه مربوط به روح

شکوهمند آن حضرت می‌باشد که باقی و منشاء برکات است؛ بنابراین مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیاء الهی در زمان حیات

و مرگ یکسان است.

و به این حقیقت آیه شریفه «فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید و جنابک علی هؤلا شهیدا بک علی هؤلاء شهید» (۵) پس چگونه

باشد آنگاه کهاز هر امتی گواهی بیاوریم و تو را بر اینان قرار دهیم.

این آیه به این موضوع تصریح دارد که اداء شهادت و گواهی مستلزم آن است که شاهد (پیامبر صلی الله علیه و آله) بر امت خویش

در طول زمان نظارت و حضور داشته باشد.

و این مسأله آشکارتر می‌شود وقتی می‌بینیم قرآن، سرای آخرت را حیات حقیقی دانسته و می‌فرماید: «وان الدار الاخره لهی الحیوان

لو کانوا یعلمون» اگر بدانند زندگی واقعی همانا سرای آخرت است. (۶) و مرگ دروازه ورود به آخرت و غروب از یک نشئه

و طلوع درعالم دیگر می‌باشد.

شیعه امامیه و پیروان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله همانند سایر مذاهب اسلامی سجده بر غیر خدا را حرام می‌داند حتی اگر به

قصد پرستش غیر هم نباشد، جایز نیست (گواه آن کتب فقهاء شیعه و نظر عالمان مذهب تشیع می‌باشد (۷) و سلیقه برخی عوام

دلیلی بر دیدگاه شیعه نمی‌باشد) و اساساً زیارت‌نامه‌های رسیده از امامان معصوم شیعه سراسر توحید و تسبیح خداوند و بیان معارف

دین و سلام و صلوات بر پیامبر و اولیاء و عبادت صالح خداست که وسیله هدایت و نجات انسانها از شرک و گمراهی بودند و به

مشیت الهی بعد از وفاتشان، مرقد مطهرشان محل رحمت، برکت، اجابت دعا و پناهگاه محبان‌شان می‌باشد، در واقع مکان معرفی

پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت پاکش (کامل‌ترین الگوهای اسلام در راه بندگی خدا و تربیت نفس) و یافتن مدل‌های ارزشی و

عالی زندگی همراه باتولی و تبری یعنی پیروی از خوبان و خوبی‌ها و بیزاری از دشمنان خدا و زشتی‌ها در سیر به سوی خدا و بهشت

جاودان می‌باشد.

هشدار

۱- آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲- کشف الارتیاب، ص ۱۱۲ و ۴۸۳؛ الهدایة السنیه، رساله دوم، ص ۴۱.

۳- همان، ص ۱۰۹؛ تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۸۵؛ دیده‌ها و دریافت‌ها، ص ۱۷۴.

۴- بحارالانوار، ۱۰۲/۸۲- کشف الارتیاب، ص ۲۷۸.

۵- نساء، ۴۱.

۶- عنکبوت، آیه ۶۴.

۷- اگر برخی عوام، گاه در بعضی مزار پیشوایان دین ناآگاهانه‌هاز رویمحبت خممی شوند و به زمین می‌افتند هرگز سجده نبوده و نوعی عتبه‌بوسی و سجده شکر و احترام و تشکر است نه شکر که آن هم نباید انجام شود و باید ترک گردد همانند قفل زدن و نخ‌گره زدن به در و پنجره برخی بقعه‌ها و حاجت‌طلبیدن‌های جاهلانه و ممنوع که در گذر زمان به خاطر ناآگاهی و کوته‌فکری در مراسم زیارت راه یافته (مانند آب‌زلالی کهاز چشمه جاری شود و در عبور از سرزمین‌های مختلف و عادات و افکار شخصیهو ملی آمیخته شود و از پاکی نخستین دور گردد)

ص: ۵۹

آری، دشمنان اسلام و تشیع، وقتی آن همه آثار و برکات را از زیارت راستین و زیارتگاه‌ها مشاهده کردند، تصمیم به تخریب و توقف ظاهری و باطنی این حرکت سازنده و پویا گرفتند و قبر امام حسین علیه السلام و امامان بقیع علیهم السلام را تخریب کردند و اخیراً نیز حرم عسکرین علیهما السلام را خراب کردند و سعی می‌کنند تا بدین وسیله فرهنگ و تفکر شیعه را نابود و یا منزوی سازند؛ اما با عنایت خداند و هوشیاری مسلمانان، نقشه‌های خائانه و جاهلانه آنان نقش بر آب شده است و تفکر شیعی هر روز بیش از گذشته، در حال گسترش و اوج‌گیری است.



ص: ۶۱

. زیارت و احترام شخصیت‌های علمی، انقلابی، مکتبی و ملی، در تمام ملت‌ها و امت‌ها وجود دارد و یک اصل فطری و عقلانی است و در تمام ادوار زندگی بشر به چشم می‌خورد و اسلام از آن جا که دینی جامع است و پاسخ‌گوی تمام تمایلات انسان می‌باشد، چطور می‌توان دوستدار خداوند بود، اما حبیب خدا، پیامبر صلی الله و علیه و آله و اولیاء دلباخته خدا را دوست نداشت؟ مگر مقام ابراهیم علیه السلام جز سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن خانه خدا (کعبه) زیر پای خود گذاشت یا استلام «حجرالاسود»، چیزی جز عشق و احترام و عرفان و عبادت است؟

. از آغاز در کنار مزار رسول خدا صلی الله و علیه و آله این کار آغاز شد و زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام هزاران دانشجو از سراسر بلاد گرد می‌آمدند و به تعلیم علوم اسلامی می‌پرداختند و نیز بیدارگری‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها از کنار قبر پیامبر صلی الله و علیه و آله آغاز و همچنین فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی ضدظلم و استعمار- در کنار این مراکز صورت می‌گرفت و از کنار مزار حضرت علی علیه السلام و حوزه‌های علمیه نجف و سامراء جنگ برضداستعمار بریتانیای کبیر شکل گرفت .

. نفس و روح آدمی بامرگ نابود نمی‌شود با این که به عالم بالا رفته و روح با مجرد قدرتمندتر می‌گردد و ارواح قوی بزرگان ناظر اعمال ما می‌باشند و فضائل و مقام پیامبر مربوط به جسم و پیکر او نبوده تا با رحلتش پایان پذیرد، بلکه مربوط به روح شکوهمند آن حضرت می‌باشد که باقی و منشاء برکات است؛ بنابراین مقام پیامبر صلی الله و علیه و آله و اولیاء الهی در زمان حیات و مرگ یکسان است.

## زیارت وداع

یکی از آداب مستحب در زیارت حرم‌های مقدس، «زیارت خداحافظی و وداع» است. خداحافظی از یک شخصیت محبوب، هنگام پایان دیدار و ترک حضور نیز یکی از آداب دیدار و نشانه‌های حرمت نهادن به طرف مقابل است. میهمان اگر بدون خداحافظی از میزبان خود و تقدیر و تشکر از پذیرایی و ضیافت او، خانه میزبان یا مجلس میهمانی را ترک کند، کم توجهی و بی ادبی به شمار می‌رود.

معمولاً در این خداحافظی‌ها، ضمن سپاس از برخورداری از نعمت و تأکید بر علاقه و محبت و خوشحالی از فرصت دیدار و بهره‌های زیارت و ملاقات، قول و قرار برای دیدارهای بعدی یا دعوت به بازدید یا درخواست زیارت‌های مکرر، مطرح است و دو نفر (زائر و مزور) در حق یکدیگر دعا می‌کنند و با گرمی و مهربانی، از یکدیگر خداحافظی می‌کنند و اگر عشق و علاقه شدید باشد، لحظه وداع آن دو، بسیار سخت خواهد بود. سعدی چنین می‌سراید:

بگذار تا بگرییم، چون ابر در بهاران  
کز سنگ ناله خیزد، روز وداع یاران  
هر کس شراب فرقت، روزی چشیده باشد  
داند که سخت باشد، قطع امیدواران  
با ساریان بگویند، احوال آب چشمم  
تا بر شتر نبندد، محمل به روز باران. (۱)

این ادب، در زیارت خانه خدا هم وجود دارد و زائری که اعمال حج تمتع خویش را انجام داده و می‌خواهد مکه را ترک کند، یک طواف به جا می‌آورد و در هر دور آن، حجرالأسود و رکن یمانی را استلام می‌کند و دعا‌های خاص می‌خواند که این طواف به «طواف وداع» مشهور است؛ سپس مقابل کعبه می‌ایستد و دعایی را می‌خواند که مضمون آن، ثنا و تحیت بر حضرت رسول صلی الله و علیه و آله، امیدواری زائر به آمرزش گناهان و برخورداری از اجر و پاداش بسیار است؛ مانند این دعا:

اللهم لا تجعله آخر العهد من بیتک ....؛

خدایا! این آخرین دیدارم از خانه تو نباشد .... (۲)

در زیارت حرم حضرت رسول صلی الله و علیه و آله و عتبات دیگر نیز همین عرض ارادت و وداع جان‌سوز و آرزوی زیارت دوباره و سپاس به درگاه خدا به خاطر توفیق زیارت، مطرح است.

در زیارت رسول صلی الله علیه و اله، دعایی به عنوان زیارت وداع نقل شده که در جمله‌ای از آن چنین آمده است:

اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة نبیک علیه و آله السلام، و ان توفیتی فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد علیه فی

۱- کلیات سعدی، ص ۵۷۸ غزل ۴۵۰.

۲- ر. ک: ری شهری «الحج و العمرة فی الكتاب و السنه»، ص ۲۶۴.

ص: ۶۳

حیاتی؛ (۱)

خداوندا! این را آخرین زیارت من از قبر پیامبرت (که درود بر او و خاندانش باد) قرار مده و اگر مرا از دنیا بردی، من بر آنچه در حال حیاتم به آن شهادت داده‌ام، پس از مرگ هم بر همان شهادت می‌دهم.

همچنین برای زیارت وداع از شهر مدینه و حرم نبوی، دعا و متن خاصی نقل شده که همین مضامین در آن دیده می‌شود و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که در زیارت وداع جدش رسول خدا صلی الله و علیه و آله به یونس بن یعقوب یاد داد که چنین بگوید:

صلی الله علیک، السلام علیک، لاجعله الله آخر تسلیمی علیک. (۲)

ای که گفתי هیچ مشکل چون فراق یار نیست

گر امید وصل باشد، آن چنان دشوار نیست

برای وداع با قبور مطهر ائمه بقیع نیز از قول شیخ طوسی و سید بن طاووس، «سلام خداحافظی» نقل شده که در آن آمده است:

استودعکم الله و اقرء علیکم السلام؛ (۳)

از شما وداع و خداحافظی می‌کنم و بر شما سلام و درود می‌فرستم.

در توصیه‌های دینی، برای زیارت وداع ائمه مدفون در عراق و اعیان مقدسه نجف، کربلا، کاظمین و سامرا نیز نمونه‌هایی به چشم می‌خورد که همه یادآور رعایت این ادب دینی در پایان زیارت است.

زیارت وداع امیرالمؤمنین علیه السلام نسبتاً مفصل است و آغاز آن چنین است:

السلام علیک و رحمه الله وبرکاته. استودعک و استرعیک و اقرء علیک السلام...؛ (۴)

سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد. با تو وداع می‌کنم و از تو رعایت و توجه می‌طلبم و بر تو سلام می‌دهم.

و در اواخر آن آمده است:

خداوندا این را آخرین زیارت من از این آستان قرار مده و اگر آخرین زیارتم بود، مرا با این پیشوایان محشور گردان. (۵)

سید بن طاووس، از جمله اعمال زائر در حرم سیدالشهدا علیه السلام را سلام و زیارت وداع، هنگام خروج از روضه مقدسه می‌داند؛

یعنی هر گاه زائر از زیارت آن فارغ شد و خواست از حرم بیرون رود، خود رابه ضریح بچسباند و ببوسد و این دعا را بخواند:

السلام علیک یا مولای... که مضمون آن سلام و درودی خالصانه بر آن شهید تشنه لب است؛ سلام وداع کننده‌ای که هرگز از

زیارت، خسته و دل‌تنگ نشده و اگر می‌رود، نه از روی ملال است و اگر می‌ماند، نه از روی بدگمانی است و درخواست این که

آخرین زیارتش نباشد و باز هم توفیق حضور در آستان بلند و مقدسش را داشته باشد و در دنیا و آخرت با او محشور گردد؛ لاجعله

الله آخر العهد منی لزیارتک، و رزقنی الله العود الی مشهدک و المقام بفنائک و القيام فی حرمک ...

۱- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول صلی الله و علیه و آله.

۲- همان، اواخر بخش زیارت پیامبر صلی الله و علیه و آله.

۳- همان، زیارت ائمه بقیع.

۴- همان، ذکر وداع امیرالمؤمنین علیه السلام.

۵- همان، اعمال حرم مطهر امام حسین علیه السلام.





ص: ۶۴

(۱).

همین مضامین با تفاوت‌هایی در زیارت وداع حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نیز به چشم می‌خورند و در آن جا هم توفیق زیارت پیوسته قبر آن شهید بزرگ، درخواست شده است.

درباره زیارت وداع حرم موسی بن جعفر علیهما السلام نیز، به نقل شیخ طوسی در تهذیب، چنین آمده است: چون خواستی با امام موسی بن جعفر علیهما السلام وداع کنی، نزد قبر آن حضرت بایست و بگو:

السلام علیک یا مولای ابوالحسن و رحمه الله و برکاته.

استودعک الله و اقرء علیک سلام.

آمنّا بالله و بالرسول و بما جئت به و ذلت علیه.

اللهم اکتبنا مع الشاهدین.

مثل همین جملات، در وداع با حضرت امام محمد تقی علیه السلام نیز آمده است. (۲)

محتوای این وداع نامه‌ها هم درود چندین باره به این پیشوایان پاک، هم ذکر فضایل و مناقب ایشان، هم وداع خداحافظی، هم آرزوی زیارت دوباره و هم استشهاد گرفتن از خدا و رسول صلی الله و علیه و آله برای این زیارت‌هاست؛ تا ذخیره‌ای برای روز قیامت باشد.

از همین قبیل است متنی که برای زیارت وداع امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در سامرا ذکر شده است؛ یعنی ایستادن نزد قبور مطهر این دو امام مظلوم و گفتن سلام وداع، با این مضمون:

سلام بر شما دو تن که ولی خدایید!

از شما خداحافظی می‌کنم و سلامتان می‌دهم.

به خدا و رسول و آنچه شما فرمودید، ایمان داریم.

خداوندا! ما را از شاهدان و حاضران در این مشهد بنویس و این زیارت را آخرین زیارت ما از حرم این دو امام قرار مده، توفیق بازگشت به زیارتشان عطا کن و مرا با این دو امام و پدران پاک اینان و با حضرت قائم (عج) که از نسل اینان است، محشور

بگردان. (۳)

زائر عتبات، هر چند از این قبور مقدس و حرم‌های نورانی خداحافظی می‌کند، اما دلش را آن‌جا می‌گذارد و می‌رود.

من رفتم و هوای تو از دل نمی‌رود.

باری ... زائر حرم معشوق، از آن حریم دل نمی‌کند و اگر وداع می‌کند، به امید بازگشت و تجدید دیدار است و گرنه ...

«قیامت است سفر کردن از دیار حبیب».

در سیره پیشوایان معصوم نیز وداع از قبور مطهر، دیده می‌شود. وقتی سید الشهداء علیه السلام می‌خواست از مدینه به قصد مکه، سپس کربلا خارج شود. شب آخر را تا صبح در حرم پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله ماند و آن شب را به دعا و زیارت و

۱- همان، زیارت وداع کاظمین.

۲- همان، زیارت امام عسکریین علیهما السلام.

۳- مقدم، مقتل الحسین، ص ۱۴۷؛ فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۲۵.



ص: ۶۵

نماز گذراند و نزدیک سحر، سر بر آن قبر مطهر نهاد و در رؤیای خویش، پیامبر خدا صلی الله و علیه و آله را دید که اظهار اشتیاق برای دیدار با وی دارد؛ پس خداحافظی کرد و از حرم بیرون آمد. (۱)

اهل بیت امام حسین علیه السلام نیز هنگام سفر اسارت، پس از وقایع عاشورا، مأموران سپاه کوفه را قسم دادند که آنان را از کنار قتلگاه امام حسین علیه السلام ببرند؛ تا ضمن گریه بر آن جان باختگان شهید حق، از آن پیکرهای خونین، خداحافظی کنند و به کوفه بروند (۲) و در بازگشت از سفر شام نیز که عازم مدینه بودند، چون عبورشان از سرزمین عراق بود، به راهنمای کاروان گفتند که آنان را از راه کربلا- ببرد؛ تا یک بار دیگر قبور مطهر آن شهیدان را از زیارت و با آنان وداع کنند و طبق نقلی، در همین سفر بود که جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی را ملاقات کردند. (۳)

حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام نیز در سفری که به اجبار مأمون، از مدینه به خراسان رفت، وقتی مأمور برای بردن او به مدینه رسید، حضرت در آستانه این سفر که شهادت در غربت را در پی داشت، وارد مسجد النبی شد تا با جدش، رسول الله صلی الله و علیه و آله، خداحافظی کند. کسی که این صحنه را روایت کرده، می‌گوید: چندین بار با قبر جدش وداع کرد و دوباره به نزد قبر مطهر برگشت و با صدای بلند گریه کرد و چون به حضورش رسیدم و سلام دادم و خواستم تسلیش دهم، فرمود: مرا دیدار کن؛ زیرا مرا از جوار حرم جدّم بیرون می‌برند و من در غربت، جان خواهم داد.

این نمونه‌ها شاهدی از سیره رفتاری آن امامان است که در فرهنگ زیارت، «زیارت وداع» نامیده می‌شود و بر مشروعیت و سنت بودن آن، دلالت می‌کند.

۱- سید بن طاووس، لهوف، ص ۱۸۰.

۲- همان، ص ۲۴۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۱۷.



## آداب زیارت در نخستین رساله عملیه فارسی

محمدباقر پورامینی

در میان رساله‌های موجود فقهی، کتاب گرانسنگ جامع عباسی دارای امتیازات خاصی است که در برداشتن بحث «زیارت» آن را ممتاز ساخته است. به بهانه طرح آداب زیارت، ضمن معرفی این کتاب، به نویسنده این بخش از متن نیز اشاره می‌شود؛ بدیهی است مراجعه به کتاب، حلاوت و جذبه خاص خود را داراست.

رساله جامع عباسی

جامع عباسی، یک رساله فقهی به زبان فارسی است که به ابتکار شیخ بهایی، طراحی و تدوین شد.

این اثر، یک دوره کامل فقه شیعی، از طهارت تا دیات است و اضافه بر آن مسائل امر به معروف و نهی از منکر و مباحثی در باب زیارت را در بردارد. این متن جامع را می‌توان یک کتاب فتوایی برشمرد که دیدگاه فقهی مصنف در آن ارائه شده است و از این رو آن را می‌توان نخستین رساله عملیه به زبان فارسی برشمرد که احکام شرعی مورد نیاز مردم، با قلمی ساده و روان، تبیین و ترسیم شده است (۱) بدان حد که جامع عباسی، نقطه عطفی در سیر نگارش متون فقهی فارسی به شمار می‌آید؛ (۲) حرکتی که در سده‌های بعد، به تدوین رساله‌های توضیح المسائل منتهی شد.

جامع عباسی، مرجعی مطمئن برای عامه مردم و اثری مقبول برای فقیهان دوره‌های بعد بود؛ اقبال فقها به این اثر را می‌توان به حاشیه‌های آنان بر این کتاب جستجو کرد، به گونه‌ای که بسیاری از فقها برای بیان دیدگاه فقهی خود، به جای تالیف کتابی مستقل، تنها به حاشیه زدن و تعلیقه نوشتن بر متن جامع عباسی اکتفا نمودند. محمدبن علی عاملی معروف به ابن خاتون (متوفی ۱۰۵۷)، مولی حسینعلی اصفهانی (متوفی ۱۲۸۶) و ملا عبدالله مامقانی (متوفی ۱۳۵۱) بر این کتاب حاشیه نوشته‌اند (۳)؛

همچنین می‌توان به جامع عباسی با حاشیه چهار مجتهد نامی؛ ملا عبدالله مازندرانی (متوفی ۱۳۳۰)، محمدکاظم طباطبائی یزدی (متوفی ۱۳۳۸)، سیداسماعیل صدر (متوفی ۱۳۳۸) و ابوالقاسم دهکردی اصفهانی (متوفی ۱۳۵۳)، اشاره کرد که در سال ۱۳۲۸ ق. منتشر گردید.

رساله‌ای با دو مولف

شیخ بهایی، کتاب جامع عباسی را در بیست باب طرح ریزی کرد و خود نیز پنج باب نخست آن را نوشت، اما با درگذشت آن فقیه در ۱۰۳۱ ق. شاگرد او، نظام الدین ساوجی، پانزده باب باقیمانده کتاب را مطابق طرح استادش به پایان رساند؛ (۴) از این رو جامع عباسی را می‌توان رساله‌ای با دو مولف دانست.

۱- آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۵، ص ۶۲.

۲- مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۹۴.

۳- الذریعه، ج ۵، ص ۶۳، ج ۶، ص ۵۶، ۸۹.

علامه آقابزرگ تهرانی می‌نویسد: «نسخه نفیس «جامع عباسی» را که به سال ۱۰۷۹ تحریر شده بود، در کربلا، در کتابخانه سید عبدالحسین دیدم، که حاشیه مولی حسینعلی بن نوروزعلی اصفهانی (متوفی ۱۲۸۶) بر آن مکتوب بود.» الذریعه، ج ۵، ص ۳.

۴- همان، ج ۵، ص ۶۲ و ۶۳.

ص: ۶۸

شیخ بهایی درباره علت تدوین کتاب چنین می‌نویسد:

«اراده خاطر اقدس (کلب آستان علی بن ابی طالب شاه عبّاس الحسینی الموسوی الصّیفوی) آنست که جمیع خلائق و شیعیان و غلامان حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام عارف به مسائل دین مبین و واقف بر احکام حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین باشند لهذا امر اشرف اقدس عزّ صدور یافت که این بنده دعا گوی بهاء الدّین محمّد عاملی کتابی ترتیب نماید که مشتمل باشد بر مسائل ضروری دین مثلاً- وضو و غسل و تیمّم و نماز و زکاة و حجّ و جهاد و زیارت حضرت رسالت پناه و حضرت امیر المؤمنین و باقی حضرات ائمه معصومین و ایام مولود و وفات ایشان و مسائلی که اغلب اوقات بآن واقع می‌شود احتیاج مثل مسائل وقف و تصدّق و بیع و نکاح و طلاق و نذر و کفّاره دادن و بنده آزاد کردن و مقدار خونبهای قتل آدمی و مقدار خونبهای قطع اعضای او و زخمهای که شخصی بر شخصی زند و آدابی که از حضرات ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین نقل شده در باب طعام خوردن و آب نوشیدن و رخت پوشیدن و شکار کردن و امثال آن امتثالاً لأمر الاشراف الارفع این کتاب سمت تحریر یافت و مسائل آن را به عبارات واضح نزدیک به فهم مؤدی ساخت تا جمیع خلائق از خواصّ و عوام از مطالعه آن نفع یابند و بهره‌مند گردند.» (۱)

شیخ بهایی در آغاز، به ابواب بیست گانه کتاب نیز اشاره می‌کند که مع الاسف تنها شش باب ذیل را تدوین می‌نماید؛  
باب اوّل، طهارت.

باب دوّم، نمازهای واجبی و سنتی.

باب سوم، زکاة و خمس واجبی و سنتی.

باب چهارم، روزه واجبی و سنتی.

باب پنجم، حجّ گذاردن.

با درگذشت شیخ بهایی، شیخ نظام ساوجی، به دستور شاه عباس صفوی، تکمیل ابواب باقی مانده کتاب را عهده‌دار می‌شود و با محوریت طرح ترسیمی استاد خویش، باب‌های باقی مانده کتاب را تدوین می‌نماید:

«استاد بنده اعنی حضرت خاتم المجتهدین و خلاصه المتقدّمین و زبده المتأخّرين بهاء المله و الشّریعه و الحقیقه و الدّین محمّد العاملی رحمه الله را مأمور ساخته بودند به تصنیف کردن کتابی که مشتمل باشد به مسایل وضو و غسل



ص: ۶۹

و تیمم و نماز و زکاة و روزه و حج و جهاد و زیارت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین صلوات الله عليهم اجمعین و ایام مولود ایشان و مسایل ضروری که بیشتر اوقات بآن احتیاج واقع می‌شود چون بیع و توابع آن و نکاح و طلاق و غیر آن و حضرت خاتم المجتهدین امتثالاً لأمره الاشراف شروع در تالیف آن کتاب نموده آن را موسوم به جامع عباسی ساخت مشتمل بر بیست باب و چون بعد از اتمام پنج باب آن در دوازدهم ماه شوال سنه هزار و سی و یک هجری به جوار رحمت ایزدی پیوست در ثانی الحال امر اشرف اعلی عز صدور یافت که پانزده باب تتمه آن کتاب سمت اتمام و صورت اختتام پذیرد و داعی دولت قاهره نظام بن حسین ساوجی امتثالاً لأمره الأشرف المطاع لا زال نافذا فی الأقطار و الأرباع، شروع در اتمام آن نموده و الله الموفق للإتمام و المیسر للاختتام ..» (۱)

نظام الدین ساوجی

نظام الدین محمد بن حسین قرشی ساوجی، از علمای امامیه و از شاگردان و پروردگان شیخ بهائی است. او در دربار شاه عباس اول صفوی حرمتی خاص داشت و پس از کنار رفتن ملا خلیل قزوینی، از مدرسی بقعه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، عهده‌دار تدریس در آنجا شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (۱۰۳۸ ق)، در سن چهل سالگی در شهری درگذشت. (۲) به جز تکمیل جامع عباسی، آثار ذیل از تصانیف اوست:

۱. تحفه عباسی، در فضائل و مناقب؛ (۳)

۲. نظام الاقوال فی احوال الرجال؛ (۴)

۳. زینة المجالس (همانند کشکول شیخ بهایی)؛ (۵)

۴. الصحيح العباسی؛ (۶)

۵. رساله فی صلاة الجمعة؛ (۷)

۶. رساله فی ترجمه سلطان العلماء السید حسین الحسینی المشهور بخلیفه سلطان وزیر الشاه عباس. (۸)

ساوجی در سال ۱۰۳۳ ق سفری به عتبات عالیات نمود، او روزشمار سفر خود را مکتوب کرد و در آن حوادث فتح بغداد و حوادث پیرامونی آن و هم چنین تعداد تشرف خود به حرم ائمه اطهار علیه السلام در عتبات را مرقوم کرده است. (۹) ارزش و اهمیت زیارت

۱- همان، ج ۲، ص ۱۳۹ و ۱۳۸.

۲- الذریعه، ج ۷، ص: ۱۰۸؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۲۵۲؛ ج ۱۰، ص ۲۲۲.

۳- الذریعه، ج ۳، ص ۴۵۳.

۴- همان، ج ۱۲، ص ۹۵؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۲؛ ج ۹، ص ۲۵۳؛ سید حسن صدر، تکملة امل الآمل، ص ۳۲۰.

۵- الذریعه، ج ۱۲، ص ۹۵.

۶- «قال فی الرياض: إنه کتاب طویل الذیل أورد فيه صحاح الاخبار من الكتب الأربعة و غيرها من الكتب كالخصال و معانی الاخبار و الأمالی و العیون و غيرها مع الشرح و التبیین و ذکر الأدلة فی المسائل الفقہیة و خرج منه کتاب الطهارة و الصلاة ثم لما طال الكلام فيه و اشکل اتمامه عدل قبل تمامه الی کتاب آخر بهذا الاسم و کمله الی آخر ابواب الفقه لکن اقتصر فيه علی مجرد ذکر الاخبار و شرح مشکلاتها مع نقل بعض الأقوال علی سبیل الاختصار.»

الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۵.

۷- «قال فی الرياض: الظاهر انها فی الوجوب العینی.» الذریعه، ج ۱۵، ص ۸۰.

۸- اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۲۵۳.

۹- «وجدت نسخه من كتاب مزار الشهيد بخط المترجم و علی ظهرها بخطه ما صورته: كان خروجی من ساوه متوجها نحو العتبات العالیات فی السنه الثالثه و الثلاثین بعد الألف یوم السبت السادس عشر من شهر صفر ختم بالخیر و الظفر و وصلت إلى مشهد الكاظمین ع یوم الاثنین العاشر من ربیع المولود و كان السلطان الأعظم الشاه عباس الصفوی بهادر خان خلد الله ملكه حاصر قلعه بغداد و یوم الثلاثاء أتیت للزیاره و زرتهما صلوات الله علیهما و لیله الجمعة كنت فی الحضرة و یوم الجمعة سمعت الخطبه فی مسجد الكاظمین و أقمت بها احدى و ستین یوما و زرتهما صلوات الله علیهما یوم الاثنین السابع عشر من الشهر المزبور یوم مولد النبی (ص) و الحمد لله و كان فتح بغداد لیله الأحد و خرجت منه متوجها نحو النجف الأشرف ..» اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

ص: ۷۰

شیخ نظام ساوجی، باب هفتم کتاب را به زیارت معصومان علیه السلام اختصاص داده است و در فصل نخست آن، به تفکیک، از ثواب زیارت پیامبر اکرم (ص) و خاندان طاهرینش یاد می‌کند؛ او در وصف ثواب زیارت امیرمؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام احادیث ذیل را ارائه می‌دهد:

۱. وقتی حضرت امام حسن علیه السلام از رسول اکرم (ص) سؤال نمود که یا رسول الله کسی که زیارت ما کند چه ثواب دارد؟ آن حضرت فرمودند:

هر کس که مرا یا پدر ترا یا برادر ترا یا ترا در حیات و ممات زیارت کند هر آینه بر من واجب می‌شود که او را روز قیامت از آتش دوزخ نگاهدارم.

۲. از حضرت امام باقر ناطق جعفر ابن محمد الصادق علیه السلام منقولست که:

کسی که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام را زیارت کند و عارف بحق او باشد یعنی یقین داند که امام مفترض الطاعة است خدای تعالی جهت او حج مقبولی و عمره مبروری بنویسد و به خدا قسم آتش دوزخ نمی‌چشد پای‌هایی که خاک آلوده شده باشد در زیارت او خواه در سواری و خواه در پیادگی.

۳. و نیز از آن حضرت منقولست که فرمودند:

هر کس یکی از ما را زیارت کند چنانست که حضرت پیغمبر را زیارت کرده باشد.

۴. و نیز از آن حضرت منقولست در ثواب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فرموده که:

هر کس که در مشهد آن حضرت حاضر شود و زیارت او کند و دو رکعت نماز بگذارد در دیوان اعمال او حج مبروری نوشته می‌شود و اگر چهار رکعت نماز بگذارند حج و عمره نوشته می‌شود و هم چنین است ثواب زیارت کردن هر امامی که اطاعت او واجب باشد.

۵. و در بعضی روایات وارد شده که:

زیارت آن حضرت در روز عرفه با عارف بودن بحق او مقابل هزار حج مقبولست و هزار هزار جهاد است در راه خدای تعالی با پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام و زیارت آن حضرت در اول ماه رجب مغفرت گناهانست و در نصف شعبان مصافحه می‌کنند با او صد و بیست پیغمبر و در شب قدر سبب آمرزش همه گناهانست و در یک سال جمع کردن زیارات او میان عرفه و فطر و شب نصف شعبان معادل هزار حج و هزار عمره مبروره است و قضای هزار حاجت دنیا و آخرت می‌کند و زیارت عاشورا با معرفت بحق او مثل زیارت خداست در عرش.

ص: ۷۱

و مراد از این کلام کنایت از ثواب بسیار است و بزرگی بی‌شمار مثل کسی که خدای تعالی او را به عرش برد.

۶. و زیارت او در هر ماه ثواب هزار شهید دارد از شهدای بدر.

۷. و در روایت وارد شده که:

نماز کردن در مشهد منور آن حضرت هر رکعتی معادل هزار حج و هزار عمره است و هزار بنده که آزاد کند و هزار جنگ در راه

خدای تعالی کند با حضور پیغمبر مرسل و یک نماز واجب گذاردن معادل حج است و نماز سنت معادل عمره. (۱)

آداب زیارت

ساوجی، فصل دوم باب هفتم کتاب را به «آداب زیارت» اختصاص داده است؛ آدابی که به هنگام زیارت بارگاه و مزار هر

معصومی زینده است و در متون روایی ما بدان توصیه شده است. او به تفصیل، از ۲۱ ادب حضور یاد می‌کند:

۱. غسل کردن؛ پیش از دخول به روضه.

۲. تا داخل شدن، با طهارت باشد؛ پس اگر در میانه حدثی واقع شود اعاده غسل باید کرد.

۳. جامه نو و پاک پوشد و بر در مشهد بایستد و دعای منقول بخواند و اذن دخول بطلبد پس اگر در آن حال او را رقت (و

دلشکستگی) بهم رسد داخل شود و الا انتظار بکشد که هر گاه رقت بهم رسد، داخل شود.

۴. داخل شدن به خضوع و خشوع؛ و در حین دخول پای راست را مقدم دارد، در وقت بیرون آمدن پای چپ را.

۵. خود را به ضریح بچسباند؛ و بعضی توهم کرده‌اند که دور ایستادن بهتر است و این غلط است چه در احادیث وارد شده که بر

ضریح تکیه باید کرد و بوسیدن ضریح جایز است و در بوسیدن آستانها حدیثی وارد نشده و بعضی از مجتهدین امامیه بر آنند که

جایز است.

۶. رو بقبله نکند؛ بلکه رو به ضریح و پشت بقبله کردن در حالت زیارت بهتر است.

۷. زیارت بطریق منقول کردن؛ و قول «السلام علیک» کافیست و بعضی از

ص: ۷۲

مجتهدین حاضر شدن در آنجا را کافی می‌دانند.

۸. جانب راست روی خود را بر ضریح نهادن؛ و در وقت فارغ شدن از زیارت دعا کردن.

۹. جانب چپ روی خود را بر ضریح نهادن؛ و سؤال نمودن از خدای تعالی بحقّ او و بحقّ صاحب قبر که او را از اهل بهشت بگرداند به شفاعت صاحب قبر و مبالغه در دعا کردن و الحاح نمودن.

۱۰. بر سر بالین آمدن و رو بقبله نمودن و دعا کردن.

۱۱. دو رکعت نماز زیارت کردن؛ بعد از زیارت و اگر زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد سنت است که نماز زیارت را در میان منبر آن حضرت و قبر او گذارد و اگر زیارت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام باشد در بالین سر باید گذارد.

۱۲. بعد از نماز زیارت دعای منقول خواندن؛ و آن چه به خاطرش رسد از امور دین و دنیا طلب نمودن و دعا برای جمیع خلائق نمودن بهتر است چه آن به اجابت نزدیکتر است.

۱۳. در آن مکان تلاوت قرآن نمودن؛ و ثواب آن را به صاحب ضریح هدیه کردن چه نفع آن باز به او می‌رسد و سبب تعظیم صاحب قبر است.

۱۴. احضار قلب است در جمیع احوال؛ بحسب استطاعت و توبه کردن از جمیع گناهان.

۱۵. تصدّق نمودن بر خدمتکاران و نگاهبانان آن مقام و محتاجان آنجا؛ چه ثواب تصدّق در آن مقام مضاعف می‌شود.

۱۶. تعظیم ایشان؛ چه فی الحقیقه تعظیم ایشان تعظیم صاحب قبر است.

۱۷. هر گاه از زیارت برگردد باز به زیارت رود، تا در آن شهر است.

۱۸. هر گاه رفتن او نزدیک آید وداع به دعای منقول کند.

۱۹. سؤال کند از خدای تعالی عود (و بازگشت) بدان مقام را.

۲۰. در وقت بیرون آمدن از آن مقام، روی به ضریح کرده پس بیرون آید.

۲۱. زود از آن مقام بیرون رود؛ چه حرمت و تعظیم در آن بیشتر است و اشتیاق باز آمدن زودتر بهم می‌رسد. (۱)

ص: ۷۳

نظام الدین ساوجی در فصل سوم این باب، به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام اشاره می‌نماید؛ حسن ختام این نوشتار را با این متن او پی می‌گیریم:

هر گاه اراده زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام کنی در کربلای معلی باید که در نهر فرات غسل کنی و جامه ای پاک پوشی و پای برهنه بروی چه در حدیث وارد شده که راه رفتن در آن حرم محترم چنان باشد که در حرم خدا و رسول خدا راه رود و در راه تکبیر و تهلیل و تسبیح بگو و سلام و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست تا آن که بدر حایر آن حضرت رسی و مراد به حایر دیواریست که الحال بر دور گنبد حضرت کشیده‌اند و به واسطه آن حایرش می‌گویند که متوکل عباسی خواست که کسی به زیارت قبر آن حضرت نرود آب را در آنجا سرداد تا قبر آن حضرت را خراب کند آب چون به حوالی قبر رسید بر بالای یکدیگر جمع شده پیش نرفت و حیران‌وار بر دوران بایستاد پس چون بدر حایر آن حضرت رسی بگو:

السّلام علیک یا حجّة الله و ابن حجّته السّلام علیکم یا ملائکه الله و زوار قبر الحسین بن نبی الله .. (۱)

ص: ۷۴

. شیخ بهایی، کتاب جامع عباسی را در بیست باب طرح ریزی کرد و خود نیز پنج باب نخست آن را نوشت، اما با درگذشت آن فقیه در ۱۰۳۱ ق. شاگرد او، نظام الدین ساوجی، پانزده باب باقیمانده کتاب را مطابق طرح استادش به پایان رساند . جامه نو و پاک پوشد و بر در مشهد بایستد و دعای منقول بخواند و اذن دخول بطلبد پس اگر در آن حال او را رقت (و دلشکستگی) بهم رسد داخل شود و الا انتظار بکشد که هر گاه رقت بهم رسد، داخل شود. بعضی توهم کرده‌اند که دور ایستادن بهتر است و این غلط است چه در احادیث وارد شده که بر ضریح تکیه باید کرد و بوسیدن ضریح جایز است و در بوسیدن آستانها حدیثی وارد نشده و بعضی از مجتهدین امامیه بر آنند که جایز است.

## نگاهی به پیاده روی زائران حسینی

عبد الرحیم اباذری

برنامه کم نظیر پیاده روی از نجف به کربلا، زیارت امام حسین علیه السلام و یارانش، سال‌هاست در کشور عراق، هر سال در چند مرحله و به صورت باشکوه، برگزار می‌شود. شرکت کنندگان در این مراسم، اغلب توده مردم هستند. در این میان، حضور پر شور طلاب جوان، روحانیون، عالمان بزرگ و استادان برجسته حوزه علمیه نجف، از جایگاه خاصی، برخوردار است. این مراسم معمولاً به مناسبت ایام خاصی مانند اول و نیمه رجب، نیمه شعبان، روز عرفه و اربعین حسینی - که روز زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام است - انجام می‌شود. این مراسم اختصاص به شهر نجف ندارد؛ بلکه از شهرهای دیگر، مانند بصره، ناصریه، سماوه، بغداد، حله و جاهای دیگر هم مردم به کربلا می‌آیند.

مراسم پیاده روی، معمولاً به صورت فردی، خانوادگی، گروهی و یا به صورت هیئت‌های عزاداری، شکل می‌گیرد. مسیر نجف به کربلا، دو راه اصلی دارد؛ یکی مستقیم است که از بیابان‌های خشک این منطقه عبور می‌کند و مسافت آن، حدود هفتاد کیلومتر است؛ راه دیگر، از کنار رود فرات می‌گذرد و نزدیک به صد کیلومتر می‌باشد و زائران حسینی، معمولاً این مسیر را انتخاب می‌کنند و در مدت سه روز، آن را می‌پیمایند. بعضی نیز با سرعت و توقف کمتر، این مسیر را در مدت دو روز می‌پیمایند و خود را به حرم حسینی می‌رسانند. برخی نیز با پا و سر برهنه، این مسیر را طی کرده و به عشق و ارادت خویش می‌افزایند. (۱)

اهتمام ائمه علیهم السلام

زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده، از گذشته، مورد توجه ائمه معصوم علیهم السلام بوده است و به همین سبب، در طول تاریخ، این موضوع مورد استقبال شیعیان نیز قرار گرفت و سرانجام به شکل باشکوه امروزی در آمد که هم‌اکنون شاهد آن هستیم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

من خرج من منزله یزید زیارة الحسین بن علی، ان کان ماشياً کتب الله له بكل خطوة حسنة و حط بها عنه سيئة؛ (۲)

کسی که به قصد زیارت امام حسین علیه السلام از منزلش خارج شود، اگر با پای پیاده باشد، خدای متعال، برای هر قدم او، یک ثواب می‌نویسد و یگ گناه و بدی را نیز از وی می‌زداید.

همچنین آن حضرت فرمود:

ان الرجل لیخرج الی قبر الحسین، فله اذا خرج من اهله باول خطوة مغفرة ذنوبه. ثم لایزال یقدس بكل خطوة حتی یاتیه فاذا اتاه نجاه الله تعالی فقال: عبدی سلنی اعطک، ادعنی اجیک، اطلب منی اعطک، سلنی حاجه اقصها لک. قال و قال ابو عبدالله

علیه السلام

و حق علی

۱- به نقل از حجة الاسلام و المسلمین سیدتقی درچه‌ای.

۲- شیخ مفید، کتاب المزار، ص ۳۱.



ص: ۷۶

الله تعالی ان یعطی ما بذل؛

(۱)

به تحقیق وقتی فردی جهت زیارت امام حسین علیه السلام از منزل خارج می‌شود، با اولین قدمی که بر می‌دارد، گناهانش آمرزیده می‌شوند و بعد با هر گامی که بر می‌دارد، پاک‌تر و منزه‌تر می‌شود؛ تا این که به حرم برسد و چون به حرم امام علیه السلام رسید، خدای سبحان، با او همراز و هم‌نوا می‌شود و خطاب به بنده‌اش می‌فرماید: ای بنده من! سؤال کن تا عطا کنم؛ مرا صدا کن تا جوابت دهم؛ از من بخواه تا بدهم؛ حاجتی طلب کن تا روا نمایم.

بعد امام صادق علیه السلام فرمود: «بر خداوند است هر آن چه را که بذل فرموده، به انجام برساند».

اشتیاق پرشور بزرگان و استادان

به علت همین تأکیدی که امامان معصوم علیه السلام درباره این عمل داشتند، علاقه و اشتیاق به این مراسم معنوی در میان مراجع تقلید، استادان، طلاب و روحانیون حوزه علمیه نجف، از شور و حال بیشتری برخوردار بوده است و اکثر استادان و حتی مراجع تقلید، در مراسم پیاده روی و زیارت، حضور پیدا می‌کردند. مرحوم محدث نوری، مؤلف کتاب مستدرک الوسائل (۱۲۵۴- / ۱۳۲۰ ق.)، مرحوم سید محسن امین عاملی، (متوفای ۱۳۳۱ ق.) مؤلف کتاب اعیان الشیعه، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (متوفای ۱۳۲۱ ق.) و میرزای نائینی (متوفای ۱۳۱۵ ق.) از عالمانی هستند که در این مراسم شرکت کردند. (۲) مراسم پیاده روی در عصر مرجعیت شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴- / ۱۲۹۸ ق.) نیز با شکوه تمام رواج داشت و بعد از وی، کم کم به فراموشی سپرده شد و عملی کم ارزش تلقی گردید؛ به طوری که به طبقه فقرا و نیازمندان اختصاص یافت؛ بعد محدث نامدار، میرزای نوری، این مراسم را در میان مردم رونق بخشید.

مرحوم شیخ آغا بزرگ تهرانی که از نزدیک شاهد تلاش استادش بود، می‌نویسد:

«استاد ما، چون وضع را بدین منوال دید، به این شیوه خدا پسندانه (پیاده روی) همت گماشت و به آن ملتمز گشت و در عید اضحی برای حمل اثاث و بار سفر، حیوان کرایه می‌کرد؛ ولی خود و یارانش پیاده راه می‌رفتند و او به دلیل ضعف مزاج، نمی‌توانست مسافت بین نجف- کربلا را با گذراندن یک شب طی کند؛ همان طوری که رسم چنین بود. بنابراین، سه شب در راه بودند؛ و بر اثر این اقدام، در سال‌های بعد، رغبت مردم و صالحان به این موضوع بیشتر شد و دیگر عار محسوب نمی‌شد؛ به طوری که در برخی سال‌ها، تعداد چادرها و خیمه‌های راهپیمایان، به سی عدد می‌رسید و هر چادر به بیست تا سی نفر تعلق داشت و به این ترتیب، این سنت حسنه، دوباره مرسوم شد و رونق گرفت» (۳).

۱- همان، ص ۳۲.

۲- جواد محدثی، فرهنگ زیارت، ص ۲۵۰.

۳- آقابزرگ تهرانی، نقباء الشیر، ج ۱، ص ۳۴۹؛ رضا مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۱۹۳.

ص: ۷۷

صاحب اعیان الشیعه در این باره می‌نویسد:

«به مدت ده سال و نیم که در نجف بودم، زیارت‌های مخصوص عاشورا، عید قربان و غدیر و عرفه و اربعین را همواره انجام می‌دادم؛ مگر اندکی. پیش از سفر، نزد طلبکاران در بازار می‌رفتم و از آنها حلالیت می‌طلبیدم و به پیاده‌روی در زیارت، علاقه داشتم. نخست برایم سخت بود و بعد با تجربه دریافتم که آسان است. در این سفر، جمعی از طلاب جبل عامل و نجف و دیگران به من ملحق می‌شدند و از من پیروی می‌کردند. من بارها پیاده به زیارت کربلا و امام حسین علیه السلام رفتم». (۱)

در میان مراجع تقلید هم حضور آیة‌الله العظمی سید محمود شاهرودی، زبائذ همگان بود. معروف است که وی در این مراسم، نخست با پای پیاده از نجف خارج می‌شد و به سوی کربلا حرکت می‌کرد و آن گاه، سایر آقایان، استادان و طلاب هم به دنبال وی به راه می‌افتادند و وقتی مراسم زیارت تمام می‌شد، اکثر زائران از کربلا سوار وسیله نقلیه می‌شدند و به نجف باز می‌گشتند؛ اما آیة‌الله شاهرودی در بازگشت هم پیاده به نجف باز می‌گشت. (۲) معروف است که این مرجع بزرگ، چهل سفر با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه‌السلام تشریف یافته است.

آیة‌الله ملکوتی یکی از استادان برجسته حوزه نجف می‌گوید:

«من نیز چند بار توفیق یافتم که در این مراسم بسیار معنوی، شرکت کنم و اغلب به همراه شاگردان مشرف می‌شدم. مسیر بین نجف و کربلا که حدود دوازده فرسخ است، معمولاً در مدت دو یا سه روز طی می‌شد. بعضی‌ها مثل آقای شیخ هادی زابلی که پیش من درس می‌خواند، سلیقه خاصی داشت و این مسافت را یک روز می‌رفت و یک روز هم برمی‌گشت و بعضی‌ها نیز پس از پایان مراسم، از کربلا به کاظمین و سامرا مشرف می‌شدند و بعضی هم مستقیم به نجف باز می‌گشتند». (۳)

حجة الاسلام و المسلمین محتشمی در این باره می‌نویسد:

«از نجف، غیر از مردم عادی و معمولی، علما، فضلا و طلاب و حتی برخی از مراجع مثل آیة‌الله شاهرودی و دیگران (تا زمانی که توان پیاده‌روی داشتند) نیز دسته دسته و گروه گروه، عازم کربلا می‌شدند. حوزه نجف دارای چند قافله رسمی معروف و بزرگ بود. در این قافله‌ها، حدود چهل تا پنجاه نفر عضو ثابت بودند و تعدادی هم در هر مرتبه به آنان اضافه می‌شدند. برخی از کاروان‌ها مخصوص و مربوط به بیوت مراجع و یا مدارس نجف بودند؛ مثل کاروان بیت

۱- سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

۲- خاطرات آیة الله ملکوتی، ص ۱۷۴.

۳- همان، ص ۱۷۵.

ص: ۷۸

آیه‌الله شاهرودی و یا کاروان مدرسه قزوینی‌ها که در چنین کاروان‌هایی معمولاً فرد غریبه وجود نداشت؛ ولی یکی دو قافله معتبر بودند که طلاب علاقه‌مند، اغلب با آنها سفر می‌کردند؛

۱. قافله منسوب به شهید محراب، حضرت آیه‌الله مدنی قدس سره که با توجه به روحیات عارفانه و خصوصیات اخلاقی وی، بسیاری از طلاب وارسته، سعی می‌کردند در محضر او باشند.

۲. قافله آقای شیخ محمدعلی حلیمی کاشانی که از مدرسه مرحوم آیه‌الله بروجردی قدس سره حرکت می‌کرد و مرحوم آیه‌الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی با این قافله به کربلا مشرف می‌شد. آقای حلیمی از علاقه‌مندان فداییان اسلام، شهید نواب و حضرت امام بود.

فاصله بین نجف و کربلا از راه اصلی و آسفالت، حدود هشتاد کیلومتر و از جاده فرعی و کنار شط فرات و مسیر نخلستان، متجاوز از یکصد کیلومتر است و معمولاً کاروان‌های نجف اشرف، مسیر فرعی و راه کنار آب را انتخاب می‌کردند.

من به جز دو سه مرتبه که به صورت شخصی سفر کردم، در بقیه اوقات، همراه کاروان آقای حلیمی به کربلا می‌رفتم. حرکت و سیر انفرادی و یا همراه با کاروان، هر یک، ویژگی خاصی دارد. خوبی حرکت با کاروان، خدمات جنبی بود که از حیث آذوقه و خوراک و حمل بار، انجام می‌شد؛ اما کسانی که به صورت فردی حرکت می‌کردند، مجبور بودند راحله و توشه سفر را همراه خود بردارند و در هوای گرم و سوزان عراق، راه رفتن با کوله‌پشتی و بار، بسیار دشوار بود؛ ولی کاروان‌ها معمولاً اسب، گاری و یا وانت‌بار بزرگی اجاره می‌کردند و بار و اثاث کاروان را به وسیله آن منتقل کردند و اگر هم کسی در وسط راه از راه رفتن باز می‌ماند، با همین وسیله نقلیه، به محل توقف بعدی برده می‌شد. این کاروان‌ها به صورت دو مرحله‌ای حرکت می‌کردند؛ (۱) مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی قدس سره با آقای اشکوری و آقای سید محمد بجنوردی و برخی از افراد مسن معمولاً در چفل ملحق می‌شدند. (۲)

آیه‌الله مدنی و زیارت کربلا

شهید محراب، آیه‌الله سید اسدالله مدنی، یکی از استادان سرشناس حوزه نجف، یکی دیگر از عاشقان پروپاقرص مراسم

۱- چفل یا همان ذوالکفل، نام یکی از پیامبران است که در این مکان دفن شده است و مردم منطقه به آن چفل می‌گویند.

۲- خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

ص: ۷۹

پیاده‌روی نجف- کربلا و زیارت حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام و یارانش بود. و عالمان و استادان حوزه علمیه نجف، خاطرات خوشی از این شهید بزرگ، در این مراسم باشکوه معنوی دارند. حجت الاسلام و المسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از همراهان وی در یکی از این سفرها، می‌گوید:

یک سالی که ماه ذیحجه مصادف با زمستان بسیار سردی بود، همراه شهید آیه‌الله مدنی از نجف عازم کربلا شدیم؛ تا در روز عرفه، به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شویم. در این سفر، مرحوم شیخ علی حجتی کرمانی و مرحوم شیخ احمد کافی نیز آقای مدنی را همراهی می‌کردند. ما چند فرسخی رفتیم؛ تا این که به یکی از روستاهای عشایر نشین رسیدیم؛ سپس شخص عربی جلو آمد و از آیه‌الله مدنی استقبال کرد و به او احترام گذاشت و وی و همراهان را به مضیف خود دعوت کرد؛ چون همه به ویژه سران و شیوخ عشایر، او را به خوبی می‌شناختند و احترام زیادی برایش قائل بودند. ما شب را همان جا استراحت کردیم و فردا صبح، به راه خود ادامه دادیم؛ تا اینکه به شهر طویرج در ۲۰ کیلومتری اطراف کربلا رسیدیم.

در طول مسیر، هر کجا برای استراحت توقف می‌کردیم، آقای مدنی چند حدیث می‌خواند و نکاتی اخلاقی می‌گفت و گاهی یک بحث علمی مطرح می‌کرد. در طویرج، او وضع روحی عجیبی داشت و شروع به صحبت کرد. نخست در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام سخنی گفت و حرم امام را به کعبه آمال و آرزوها تشبیه کرد و بعد فرمود: از این جا تا حرم را خوب است به صورت پابرهنه و هروله کنان ادامه بدهیم. با این که او درد پا و کسالت داشت، اما خودش جلو افتاد و آیه «

ان الصفا و المروءة من شعایر الله»

(۱) را که در مراسم حج میان سعی و صفا خوانده می‌شود، هروله کنان، می‌خواند و جلو می‌رفت و ما نیز به دنبالش جواب می‌دادیم. وقتی وارد شهر کربلا شدیم، شهید مدنی فرمود: باید با همین حال خسته و پای آبله‌زده به حرم مشرف شویم و باز خودش جلو افتاد و با حالت گریه و فریاد «یا حسین»، حرکت کرد و ما نیز به دنبالش حرکت می‌کردیم و با همین حال، وارد حرم حسینی شدیم. در این حال، مراسم زیارت را مرحوم کافی بر عهده گرفت و با اشعار و نوحه‌خوانی جان‌گذار، همه را به فیض رساند. (۲)

پیاده‌روی حاج آقا مصطفی خمینی (ره)

۱- بقره، آیه ۱۵۸.

۲- به نقل از حجة الاسلام و المسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از روحانیون سرشناس و از بزرگان شهر گناوه.

ص: ۸۰

آیة‌الله حاج آقا مصطفی خمینی نیز از عالمان و استادان نجف بود که همواره در مراسم پیاده‌روی حضوری مستمر و جدی داشت. او مقتید بود که در تمام ایام زیارت‌های مخصوص امام حسین علیه‌السلام - اول و نیمه رجب، نیمه شعبان، عرفه و اربعین - پیاده از نجف به کربلا برود و در میان راه، گاهی کف پایش تاول می‌زد و زخمی می‌شد؛ ولی او باز هم با شور و شوق تمام، به راه خود ادامه می‌داد (۱) و اصرار دوستان را برای سوار شدن به وسیله نقلیه، حتی در قسمتی از راه نمی‌پذیرفت و چون به نزدیک کربلا می‌رسید و نگاهی به گنبد و گل دسته‌های حرم امام حسین علیه‌السلام و پرچم سرخ رنگ آن می‌افتاد، بی‌اختیار اشک از چشمانش سرازیر می‌شد و مصیبت اهل بیت علیهم‌السلام را زمزمه می‌کرد و به سر و سینه می‌زد و عزاداری و نوحه‌سرایی می‌کرد. (۲)

وی در این سفر، بدون این که خودش را فرزند مرجع بزرگ تقلید، امام خمینی قدس سره تصور کند، همانند یک طلبه ساده، در خدمت همسفران بود و از کمک به آنان، دریغ نمی‌کرد و در هنگام توقف و استراحت نیز به بحث علمی می‌پرداخت. مرحوم آیة‌الله شیخ محمدحسن قدیری که در یکی از سفرها همراه او بود، می‌گوید:

«یک بار در پیاده‌روی از نجف به کربلا، خدمت حاج آقا مصطفی خمینی بودم و وقتی به باغ‌های نزدیک کربلا رسیدیم، شب را آن جا ماندیم. دوستان همه دور حاج آقا مصطفی را گرفتند و او صحبت را شروع کرد و بعد بنا شد هر کدام از رفقا در یک رشته از علوم حوزوی، سؤالی بپرسد و وی جواب بدهد. سؤالات زیادی از فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، عرفان و اخلاق از وی پرسیده شد که حدود چهار ساعت به طول انجامید و حاج آقا مصطفی بدون این که مطالعه و مراجعه به کتابی کند، همه را کامل جواب داد که من بسیار متعجب شدم که او این قدر با استعداد است». (۳)

آقای محتشمی می‌گوید:

«در اوقات صبح، ظهر و شام، نماز به امامت آیة‌الله حاج آقا مصطفی خمینی (ره) اقامه می‌شد و شب هنگام، پس از نماز مغرب و عشا، دعای توسل و زیارت عاشورا خوانده می‌شد. اگر شب جمعه در راه بودیم، دعای کمیل و ذکر مصیبت توسط دوستان انجام می‌گرفت. از خصوصیات مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) این بود که هر شب قبل از اذان صبح برمی‌خواست و به نماز شب می‌پرداخت. او بسیار خوش مشرب و خوش مسافرت بود و در سفرها با همراهان دوست و رفیق بود و همواره سعی می‌کرد به کسی سخت نگذرد و مواظب بود کسی عقب نیفتد و جا نماند. در جلسات گفت و شنودی که اغلب شب‌ها رفقای همسفر دور هم

۱- محمدحسن رحیمیان، حدیث رویش، ص ۱۴۹.

۲- به نقل از حجة‌الاسلام سیدتقی درچه‌ای.

۳- پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت.

ص: ۸۱

جمع می‌شدند، از هر دری سخنی به میان می‌آمد و حاج آقا مصطفی، پیوسته متذکر بود و زیر لب اذکاری را ترنم می‌کرد. در تابستان‌ها به علت گرمی طاقت‌فرسای هوا، بعد از اذان صبح حرکت می‌کردیم و تا دو سه ساعت بعد از طلوع آفتاب، راه می‌رفتیم؛ سپس در محلی توقف می‌کردیم و صبحانه و نهار در همان جا صرف می‌شد و عصر که مقداری از گرمای هوا کاسته می‌شد، باز حرکت از سر گرفته می‌شد» (۱).

حجة الاسلام و المسلمین سید تقی درچه‌ای نیز می‌گوید:

چندین بار همراه آیه‌الله حاج آقا مصطفی خمینی از نجف پیاده به سوی کربلا رفتیم و گاهی سه تا چهار روز، حدود ۲۰ فرسخ در راه بودیم. ما مسیر را از خیابان با وجود کوتاهی راه، به دلیل آفتابی بودن، تغییر داده، از کنار دجله و فرات و داخل نخلستان‌ها که واقعاً باصفا بود، می‌رفتیم. در این سفرها دوستانی چون آقایان اسلامی، علیان، احسانی، کیانی، حلیمی کاشانی، آقای مجتبی قائمی، آقای حاج آقا نصرالله شاه‌آبادی و آقای رضوانی که در حال حاضر امام جماعت مسجد حاج سید عزیز الله هستند، همراه بودند. حاج آقا مصطفی با پای برهنه و حتی بدون جوراب، حرکت می‌کرد و از هر کس مختصر صدایی داشت، می‌خواست اشعاری را در مقام و عظمت امام حسین علیه السلام بخواند و با شنیدن این اشعار، خود طوری منقلب می‌شد که از شدت گریه، شانه‌هایش بالا و پایین می‌رفت. حاج آقا مصطفی خمینی همیشه دیوان شیخ محمدحسین غروی اصفهانی را همراه داشت و وقتی کنار دجله و فرات که دیگر نزدیک کربلا بود، می‌رسیدیم، او به اسم کوچک مرا صدا می‌زد، تا قسمتی از آن را بخوانم و به محض شروع، او مثل کسی که بغضش بترکد، شروع به گریه می‌کرد. در طی چند کیلومتر من زمزمه می‌کردم و جمع دوستان به خصوص حاج آقا مصطفی، گریه می‌کردند. ناگهان یکی از دوستان چشمش به گنبد مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌افتاد و به دنبال آن، موج شوق و گریه در میان جمع بلند می‌شد.

حالت عجیبی داشتیم. پاهای برهنه و تاول زده و خون آلود، خسته و تشنه، زیر برق آفتاب سوزان و پرچمی سرخ به رنگ خون، ما را به حال و هوای کربلا و ظهر عاشورا می‌برد. گریه به حدی بالا می‌رفت که همگی نشستیم و دیگر نمی‌توانستیم

۱- خاطرات سیدعلی اکبر محتشمی، ص ۱۲۳.

ص: ۸۲

به راه خود ادامه دهیم. جالب بود که مردم روستاها و شهرهای مسیر به ویژه روستای چفل، همه حاج آقا مصطفی خمینی را شناخته بودند که فرزند آقای خمینی است. یک بار قبل از ورود به چفل، متوجه شدیم که حدود ۲۰ نفر به سمت ما در حرکت هستند. کمی که نزدیک تر شدیم، فهمیدیم که آنها برای استقبال از حاج آقا مصطفی آمده‌اند. استقبال عده‌ای از شیوخ و بزرگان آن شهر برای من جالب بود.

استقبال کنندگان همه دست حاج آقا مصطفی را بوسیده، با بقیه هم احوال‌پرسی کردند و پشت سر حاج آقا مصطفی راه افتادند. او در جلو و ما هم به دنبال او با استقبال خاصی وارد حسینیه چفل شدیم و از ما پذیرایی کردند. با وجود این که حاج آقا مصطفی گفت که قصد نداریم شب را در چفل بمانیم، ولی آنها با اصرار گفتند: باید شب را در چفل بمانید؛ تا ما اجر خدمت کردن به زائرین مرقد امام حسین علیه السلام را ببریم و در مقابل اصرار صمیمانه و عاشقانه سالکان آن حرم با صفا، کوتاه آمده، شب را در چفل ماندیم.

در همان حسینیه جمعیت زیادی از اهالی به زیارت حاج آقا مصطفی آمدند و در بین آنان یکی از منبری‌های معروف عراق که آن شب در چفل بود، یک منبر بسیار عالی رفت و بعد از او هم سیدی یک منبر عربی رفت و خلاصه شوری به پا شد. فردای آن روز صبحانه خورده، خیلی زود حرکت کردیم. مشایعت اهالی چفل، دیدنی‌تر از استقبالشان بود و از چفل به دنبال ما راه افتادند و مقدار زیادی از راه، ما را همراهی کردند. (۱)

علامه امینی و زیارت کربلا

یکی دیگر از شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه نجف که به طور مرتب، در این مراسم شرکت می‌کرد، علامه امینی، مؤلف کتاب ارزشمند الغدیر بود که در این سفرها، همواره تعدادی از مؤمنین او را همراهی می‌کردند. علامه امینی، وقتی به نزدیکی کربلا می‌رسید، حالش منقلب می‌شد و قطرات اشک از چشمانش جاری می‌شد. (۲)

امام موسی صدر و زیارت کربلا

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان که در شهریور ۱۳۵۷ توسط صهیونیست‌ها ربوده و ناپدید شد، یکی از شیفتگان مراسم پیاده‌روی از نجف به کربلا بود. مرحوم آیه‌الله سید محمد علی موحد ابطحی، یکی از عالمان بزرگ اصفهان که در نجف با امام موسی صدر هم‌بحث بود، می‌گوید:

۱- به نقل حجة الاسلام سید تقی درچه‌ای.

۲- علامه امینی، جرعه نوش غدیر، ص ۴۰.

ص: ۸۳

«وقتی که ایشان همراه ما با پای پیاده از نجف به کربلا می‌رفت، در این سفر، حضوری عاشقانه داشت و در وقت دعا و زیارت عاشورا، از همه باحال‌تر بود و هنگام گریه، چشمانش از شدت گریه سرخ می‌شدند و وقتی نوبت ذکر مصیبت و خواندن اشعار و نوحه سرایی به او می‌رسید، با حال جانکاهی در مصیبت اهل بیت علیهم السلام اشعار فارسی و عربی فصیحی می‌خواند و هنگام کار و حمل اثاثیه سفر، وی بیش از همه کار می‌کرد و هنگام شوخی و مزاح، مزاح‌هایی بیان می‌کرد که بعد علمی و اخلاقی جالبی داشتند.» (۱)

استقبال عشایر از زائران

در این مراسم، منظره‌های دیگری، چشم و دل هر بیننده‌ای را به حیرت و شگفتی وا می‌دارند. در این مسیر، روستاهای زیادی به چشم می‌خورند که اکثر ساکنان آنها را عشایر و پیروان مذهب شیعه تشکیل می‌دهند و آنان، با شوق و علاقه و اخلاص، از زائران امام حسین علیه السلام استقبال و از آنان، پذیرایی می‌کنند.

این عشایر در کنار رود فرات، به کاشت و برداشت برنج و دامداری مشغول هستند و معمولاً از همین دست‌رنج خود، زائران حسینی را اطعام می‌دهند. آنان، اعتقاد عجیبی به میهمانان دارند و گاهی مشاهده شده که گرد خاک پای زائران را به تبرک می‌برند. عشایر حاشیه‌نشین رود فرات، در ایام مراسم پیاده روی، چادرهای بزرگی که به آنها «مضیف» می‌گویند، با فاصله‌های معینی در این مسیر برپا می‌کنند و زائران را جهت پذیرایی و استراحت، در آنها جای می‌دهند.

یکی از استادان بزرگ نجف که خود بارها در این پیاده‌روی حضور داشته، می‌گوید:

«این عشایر از نظر اقتصادی چندان وضع مطلوبی نداشتند و کنار فرات، هر کدام مقدار اندکی برنج کاری می‌کردند و غذاهایشان هم اغلب برنج و ماست بود و خورش دیگری نداشتند و با این همه، نسبت به زائران حسینی و طلاب، بسیار سخاوتمندانه رفتار می‌کردند و از هیچ چیز مضایقه نمی‌کردند.» (۲)

حجّة الاسلام و المسلمین محمدحسن رحیمیان از اعضای بیت حضرت امام که سال‌ها در نجف ساکن بود و در این مراسم حاضر بود، می‌گوید:

«به هنگام ظهر و مغرب، به هر نقطه می‌رسیدی، حق عبور از آن جا را نداشتی؛ چون مالک و ساکن نخلستان بر سر راه ایستاده بود و زائران را به ضیافت خویش فرا می‌خواند؛ گویی جاده خاکی کربلا را بخشی از حریم خانه خود می‌دانست و خارج شدن میهمانان را در هنگام ظهر و شب، بدون صرف نهار یا شام، ننگی بزرگ می‌پنداشت و گاهی که قصد داشتیم تا پاسی از شب به راه خود ادامه دهیم،

۱- عبدالرحیم اباذری، امام موسی صدر، امید محرمان، ص ۱۷۸-۱۷۶.

۲- خاطرات آیه‌الله مسلم ملکوتی، ص ۱۷۵.



ص: ۸۴

عربی روستایی جلو می‌آمد و اصرار می‌کرد و اگر نتیجه نمی‌گرفت، تهدید می‌کرد و با شدت و غضب، تفنگ خود را آماده شلیک می‌کرد؛ اما نه برای کشتن میهمانان، بلکه آن را به حاج آقا مصطفی می‌داد و می‌گفت: «اگر می‌خواهید بروید؛ بروید اما از روی نعل من!»

نشانه بزرگی و بزرگواری این عرب‌ها، بزرگ‌تر بودن سالن پذیرایی آنان بود.

سالن پذیرایی یا «مضیف» از نی و شاخه‌های خرما به صورت کانالی با سقف مدور ساخته می‌شد و دو سوی آن باز بود و دارای این ویژگی بود که در برابر سرما و گرما، کاملاً عایق بود و در تابستان با پاشیدن آب روی آن، هوای درون آن خنک می‌شد. معمولاً بزرگ خانواده یا عشیره با میهمانان می‌نشست و جوان‌ها پذیرایی می‌کردند و برای پذیرایی، بهترین چیزهای خود را در طبق اخلاص می‌گذاشتند؛ گوسفند می‌کشتند و سرشیر گاومیش و ماست بر سر سفره می‌گذاشتند و برای هر نفر کاسه‌ای روغن حیوانی می‌آوردند و خلاصه گویی همه زندگی و امکانات آنان وقف امام حسین علیه السلام و زوار آن حضرت بود. (۱)

حجة الاسلام سید علی اکبر محتشمی، یکی دیگر از شاهدان این صحنه‌های تاریخی در این مورد می‌گوید:

«در طول مسیر، روستاهای کوچک و بزرگی بود که مردمش به زراعت، باغداری، پرورش نخل خرما و دامداری اشتغال داشتند. نخلستان‌ها، باغ‌ها و مزارع آنها به وسیله نهر فرات، مشروب می‌گردیدند. بهره‌برداری از آب نهر فرات به وسیله «ناعور» (۲)، انجام می‌شد. هر روستا یک مضیف (میهمان‌سرا) داشت که در طول سال، به خصوص موسم زیارتی، هر کس از آن جا عبور می‌کرد، در آن مضیف از او پذیرایی می‌شد. مضیف‌ها محوطه بزرگی به صورت مربع مستطیل هستند که دیواره و سقف آنها کاملاً از حصیر نخل خرما ساخته شده است و وسط آن محوطه، یک اجاق است که در زمستان‌ها با هیزم می‌سوزد و چای و قهوه را نیز در کنار آن اجاق تهیه می‌کنند. اطراف این مضیف، فرش‌ها و مخدّه‌های عربی پهن شده است. روستاییان عراقی بسیار میهمان دوست هستند. آنان از زائرین امام حسین علیه السلام در میان روز، با چای، قهوه، شیر و دوغ پذیرایی می‌کردند و به هنگام ظهر و شام نیز با ذبح گوسفند و طبخ غذا، از آنان به گرمی استقبال می‌کردند.

آقای حلیمی سعی می‌کرد در وسط راه، خود خیمه برپا کند و به سبک ایرانی، غذا

۱- حدیث رویش، ص ۱۴۹.

۲- ناعور یک دستگاه آب‌کشی است به صورت چرخ و فلک که داخل آب قرار می‌گیرد و به اطراف آن سطل‌های متحرک وصل شده است. این چرخ و فلک، به واسطه اسب ناعور به گردش در می‌آید و سطل‌ها پر از آب می‌شوند و در بازگشت چرخ، آب سطل به داخل جویی ریخته می‌شود و این جوی، آب را به مزرعه هدایت می‌کند.

ص: ۸۵

تهیه کند؛ ولی در طول مسیر، بالاخره مواردی اتفاق می‌افتاد که بر اثر اصرار فوق العاده روستاییان، مجبور به پذیرش دعوت و اقامت در آن میهمان‌سرا می‌شدیم.

قافله‌ها معمولاً این مسیر را طی پنج تا شش روز می‌پیمودند؛ ولی افرادی که به صورت انفرادی حرکت می‌کردند، در مدتی کمتر از سه روز به کربلا می‌رسیدند. (۱)

حجۀ الاسلام و المسلمین سید تقی درچه‌ای در این خصوص می‌گوید:

ارادت عراقی‌ها به زائران امام حسین علیه السلام، قابل توجه و تقدیر است. آنان به تمامی زائران اباعبدالله علیه السلام عرض ادب می‌کردند؛ تا جایی که بعضی‌ها مثلاً برای کاروانی از زائرین، گوسفند قربانی کرده، آبگوشت می‌پزند. من در این نوع سفرها، مصادیق زیبایی از خلوص این مردم را دیدم، گاهی روستای آنها با جاده چند کیلومتر فاصله دارد؛ با این حال، به کنار جاده می‌آیند و یک منبع یا یک مشک دوغ آن جا می‌گذارند و کنارش با نان و پنیر، از زائران پذیرایی می‌کنند. یا در مسیر راه، اسفند دود می‌کنند. گاهی هم زن‌های روستایی با وجود دوری راه، شیرینی نذری تهیه کرده، در میان کاروانیان توزیع و تقسیم می‌کنند؛ به ویژه قربانی کردن گوسفند در مقابل کاروانیان، بسیار مرسوم است. در یکی از این سفرها، یک خانم و آقای که با الاغ از مزرعه به کنار جاده آمده بودند، با اصرار زیاد ما را به منزل خود بردند که زندگی فقیرانه‌ای داشتند و با این که هوا سرد بود، اتاق خود را در اختیار ما گذاشتند. ما هم بدون این که متوجه شویم، شب را خوابیدیم و فردا صبح که بلند شدیم و هوا روشن شد، متوجه شدیم که آن پیرزن و پیرمرد در گوشه‌ای از حیاط در سرما و سوز، شب را به صبح رساندند و معلوم شد که آنها تنها اتاق خود را در اختیار ما گذاشتند. (۲)

قتل عام زائران کربلا

در طول تاریخ، تلاش‌های زیادی از سوی دشمنان اهل بیت علیهم السلام انجام گرفت؛ تا مانع این مراسم شوند. و به ویژه در سال‌های اخیر که رژیم بعثی عراق در این کشور حاکمیت داشت، این شیطنتها و دشمنی‌ها عمق و شعاع بیشتری به خود گرفت؛ ولی هرگز موفق به این کار نشدند. در زمان ریاست جمهوری احمد حسن البکر در اربعین سال ۱۳۹۷ ق. که مصادف با سال ۱۳۵۵ ش. بود، جاسم الرکابی استاندار وقت نجف، تعدادی از بزرگان این شهر را احضار و آنها را تهدید کرد که مراسم پیاده روی اربعین نباید برگزار شود و از این برخوردها معلوم بود که رژیم بعث این بار تصمیم دارد که به

۱- خاطرات حجۀ الاسلام سید علی اکبر محتشمی، ص ۱۲۴.

۲- به نقل از حجۀ الاسلام سید تقی درچه‌ای.

ص: ۸۶

طور جدی، مانع این مراسم شود؛ اما مردم اعتنایی به این تهدیدها نکردند و در وقت مقرر، پیاده روی خود را از نجف به سمت کربلا آغاز کردند.

نیروهای رژیم بعثی عراق، چون به عجز و ناتوانی خویش در مقابل اراده آهنین مردم پی بردند، بی‌درنگ به توپ، تانک و هلیکوپتر و کماندو متوسل شدند و از زمین و هوا، زائران حسینی را به گلوله و توپ بستند. در این سال، حدود ۲۵۰ هزار نفر در مراسم پیاده روی حاضر شده بودند که شمار زیادی از آنها را به شهادت رسیدند و تعدادی دستگیر و زندانی شدند و بعد نه نفر را هم به جرم اخلال در نظم و امنیت کشور، در ملاء عام اعدام نمودند و بدین ترتیب، ترس و وحشت را در فضای شهرهای نجف و کربلا حاکم کردند. (۱)

در سال‌های بعد، اگرچه فضای اختناق همچنان ادامه داشت، ولی مراسم پیاده‌روی کم‌رنگ و پراکنده انجام می‌گرفت و هرگز به تعطیلی مطلق نگرایید؛ تا این که احمد حسن البکر، طی کودتایی سرنگون شد و رهبری رژیم بعثی عراق را صدام بر عهده گرفت. در این دوره نیز تلاش بسیاری شد تا مانع این مراسم حماسی و معنوی شوند. در شعبان سال ۱۴۱۱ ق. که مردم نجف تصمیم گرفتند مراسم نیمه شعبان آن سال را در حرم حسینی برگزار کنند، به صورت، فردی و جمعی، با پای پیاده به سوی کربلا به راه افتادند.

از سوی دیگر، مأموران اطلاعات و امنیت عراق، تمام درهای حرم را به روی زائران بستند؛ تا آنها نتوانند در این شب عزیز، کنار حرم باشند و موفق به زیارت شوند. این برخورد نادرست، اعتراض و خشم مردم را برانگیخت و موجی از جمعیت که در پیشاپیش آنان جوانان مسلمان و خشمگین در حرکت بودند، دست به تظاهرات خیابانی زدند و بر ضد رژیم بعثی، شعارهای تندی سر دادند. این حرکت، آغاز انتفاضه معروف ماه شعبان سال ۱۴۱۱ ق. در کربلا و نجف و بعضی شهرهای دیگر عراق، مثل بصره و ناصریه شد. قیام مردم و زائران حسینی، کنترل را از دست بعثی‌ها گرفت و چند روز، شهرهای نجف و کربلا در تصرف مردم بودند و رژیم بعثی عراق که کاملاً خود راباخته و غافلگیر شده بود، با تمام قوا وارد عمل شد و همزمان به دو شهر نجف و کربلا حمله کرد و با توپ و تانک، وارد صحن حرم حسینی شد و با کشتار هزاران نفر، دوباره کنترل اوضاع را به دست گرفت. (۲)

با همه این فشارها و قتل‌عام‌ها، رژیم بعثی عراق، هرگز نتوانست مانع از مراسم پیاده‌روی شود و هر سال که گذشت، بر شعاع و عمق این مراسم افزوده شد. امروز که شاهد سرنگونی رژیم صدام هستیم و مردم عراق دوران استقلال و آزادی خود را تجربه می‌کند، شاهد رشد، شکوفایی و بالندگی مراسم پیاده‌روی به سوی کربلا هستیم. همان طوری که گفته شد این مراسم، اختصاص به شهر نجف ندارد؛ بلکه زائران از اکثر شهرهای عراق، مثل بغداد، بصره، ناصریه و جاهای دیگر، پیاده به سمت کربلا- حرکت می‌کنند؛ به طوری که تعداد شرکت‌کنندگان در این مراسم، امروزه به چند میلیون نفر می‌رسد و این رخداد در تاریخ این سرزمین، کم‌نظیر می‌باشد.

در اربعین امسال، یعنی ۱۴۳۰ ق. که مصادف با روز دوشنبه ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۸۷ ش. بود، زائران حسینی که اغلب آنان با پای پیاده

۱- محمد صحتی، سیمای کربلا، ص ۱۲۳.

۲- همان، ص ۱۳۴

ص: ۸۷

به کربلا آمده بودند، نزدیک به ده میلیون نفر بودند و شمار زیادی از مردم مصره، مسافت ششصد کیلومتری این شهر با کربلا را پیاده طی کرده بودند. جالب این که پذیرایی این جمعیت ده میلیونی، توسط مردم عراق، به صورت سنتی و در همان چادرهای محلی (مضیف) انجام گرفت؛ این در حالی است که مراسم سالانه حج تمتع در مکه، حداکثر با حضور سه میلیون نفر برگزار می‌شود.

ص: ۸۸

. کسی که به قصد زیارت امام حسین علیه السلام از منزلش خارج شود، اگر با پای پیاده باشد، خدای متعال، برای هر قدم او، یک ثواب می‌نویسد و یگ گناه و بدی را نیز از وی می‌زداید.

. از نجف، غیر از مردم عادی و معمولی، علما، فضلا و طلاب و حتی برخی از مراجع مثل آیه‌الله شاهرودی و دیگران (تا زمانی که توان پیاده‌روی داشتند) نیز دسته دسته و گروه گروه، عازم کربلا می‌شدند. حوزه نجف دارای چند قافله رسمی معروف و بزرگ بود. در این قافله‌ها، حدود چهل تا پنجاه نفر عضو ثابت بودند و تعدادی هم در هر مرتبه به آنان اضافه می‌شدند

. در طول مسیر، هر کجا برای استراحت توقف می‌کردیم، آقای مدنی چند حدیث می‌خواند و نکاتی اخلاقی می‌گفت و گاهی یک بحث علمی مطرح می‌کرد. در طویرج، او وضع روحی عجیبی داشت و شروع به صحبت کرد. نخست در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام سخنی گفت و حرم امام را به کعبه آمال و آرزوها تشبیه کرد و بعد فرمود: از این جا تا حرم را خوب است به صورت پابرهنه و هروله کنان ادامه بدهیم. با این که او درد پا و کسالت داشت، اما خودش جلو افتاد و آیه «

ان الصفا و المروءة من شعایر الله»

۱۱ را که در مراسم حج میان سعی و صفا خوانده می‌شود، هروله کنان، می‌خواند

. حاج آقا مصطفی خمینی همیشه دیوان شیخ محمدحسین غروی اصفهانی را همراه داشت و کنار دجله و فرات که دیگر نزدیک کربلا بود، به اسم کوچک مرا صدا زده، تا قسمتی از آن را بخوانم و به محض شروع، او مثل کسی که بغضش بترکد، شروع به گریه می‌کرد.

. این عشایر از نظر اقتصادی چندان وضع مطلوبی نداشتند و کنار فرات، هر کدام مقدار اندکی برنج کاری می‌کردند و غذاهایشان هم اغلب برنج و ماست بود و خورش دیگری نداشتند و با این همه، نسبت به زائران حسینی و طلاب، بسیار سخاوتمندانه رفتار می‌کردند و از هیچ چیز مضایقه نمی‌کردند

ص: ۸۹

ارادت عراقی‌ها به زائران امام حسین علیه السلام، قابل توجه و تقدیر است. آنان به تمامی زائران اباعبدالله علیه السلام عرض ادب می‌کردند؛ تا جایی که بعضی‌ها مثلاً برای کاروانی از زائرین، گوسفند قربانی کرده، آبگوشت می‌پزند. من در این نوع سفرها، مصادیق زیبایی از خلوص این مردم را دیدم، گاهی روستای آنها با جاده چند کیلومتر فاصله دارد؛ باین حال، به کنار جاده می‌آیند و یک منبع یا یک مشک دوغ آن جا می‌گذارند و کنارش با نان و پنیر، از زائران پذیرایی می‌کنند.

## مرجعیت شیعه و مقاومت در برابر اشغالگران

ابوذر بریری

بسیج مردم در برابر بیگانگان

جنگ جهانی اول در ماه رمضان ۱۳۳۲ برابر با اوت ۱۹۱۴ م. آغاز شد و در پی آن، سرزمین اسلامی عراق، مورد تجاوز قوای نظامی انگلیسی قرار گرفت. آیه‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی یکی از مراجع بزرگ نجف با صدور نامه‌ها و فتواهایی، مردم عراق را برای دفاع از سرزمین اسلامی، بسیج کرد. او نامه‌هایی خطاب به شیخ خزعل، حاکم منطقه خوزستان نوشت و از وی خواست که عشایر منطقه را بر ضد نیروهای اشغال‌گر، آماده نماید. همچنین نامه‌های دیگری به همین مضمون، خطاب به سران عشایر در ناصریه فرستاد و نامه‌های دیگری نیز برای عشایر زیرچ و شطره، ارسال کرد. (۱)

آن فقیه بزرگ در یکی از نامه‌هایش خطاب به خيون العبيد یکی از رهبران و شیوخ عشایر، چنین می‌نویسد:

اما بعد، همان طوری که هجوم کفار به کشورهای اسلامی و نیز محاصره بصره توسط آنان را خبردار شدی، «یریدون لیطفنوا نور الله بافواهم و یا بی الله ان یتم نوره»، لذا بر تو و جمیع مسلمین تحت امر تو واجب می‌کنم برای دفع کفار به سوی بصره روی آوری. این امر بر تو و کسانی که کلام من به آنان می‌رسد، واجب است که با مال، جان، اسلحه، مردان و اسب‌هایشان، دفاع کنند. هیچ مسلمان متمکن، عذری ندارد. حکومت و سایر مسلمانان، فرقی ندارند و در دفاع از اسلام، همه مساوی هستند. (۲)

عالمان، استادان و طلاب زیادی در خط مقدم این جبهه حاضر شدند و با دشمن جنگیدند. در این نبرد، آیه‌الله سید محمد تقی خوانساری به اسارت دشمن در آمد و به کشور هند برده شد. سید محمد یزدی پسر بزرگ آیه‌الله سید محمد کاظم یزدی در نبرد تن به تن با اشغال‌گران، به شهادت رسید و کشور عراق به تصرف کامل نیروهای انگلیسی در آمد. سران نظامی و سیاسی دولت انگلیس در تلاش و تکاپو بودند تا مرجع تقلید شیعه را هر طور شده، به آرامش و سکوت وا دارند و به اشغال‌گری خود ادامه دهند و برای این کار، به ترفند رشوه و تألیف قلوب، روی آوردند.

دیدار سرروناuld با آیه‌الله سید کاظم یزدی

سر رونالد استورز یکی از مأموران سرشناس انگلستان که اطلاعات جامعی پیرامون مردم مسلمان مشرق زمین، به ویژه کشورهای عربی داشت و به زبان عربی هم کاملاً مسلط بود، در سال ۱۹۱۷ م. برابر با ۱۳۳۶ ق. جهت دیدار با آیه‌الله سید کاظم یزدی در نجف، عازم این شهر شد. او این رخداد تاریخی را چنین نقل می‌کند:

۱- سلیم الحسین، دور علماء الشیعة فی مواجهة الاستعمار، ص ۸۵ و ۹۱.

۲- همان، ص ۸۸.

ص: ۹۱

... روز بیستم ماه مه سال ۱۹۱۷ م. دو ساعت و چهل دقیقه بعدازظهر از کوفه به نجف آمدم. پس از کمی استراحت در هوای خنک زیرزمین (سرداب)، همراه سید عباس کلیدار، در حدود ساعت پنج بعدازظهر و نیز به همراه «کاربت»، یکی از مأموران کمیساریای انگلیس در بغداد، برای ملاقات سید محمد کاظم یزدی که کلامش از عراق تا اصفهان نافذ است، حرکت کردیم. وی چندان احساس خوبی نسبت به ما نداشت؛ حتی هدیه‌ای را که به مبلغ دویست لیره قبلاً به او تقدیم شده بود، قبول نکرده و آن را برگشت داده بود (۱).

کاربت این مرتبه دستور داشت که با مبلغ هزار لیره به او نزدیک شود و با ناامیدی از این که بتواند سید را مجبور به پذیرفتن آن مبلغ بنماید، از من خواهش کرد که در این کار، به او کمک کنم. من با کمال احتیاط، این مأموریت را قبول کردم و پاکت محتوی اسکناس را در جیب خود گذاشتم و همراه کاربت به طرف منزل سید شتافتم. چند دقیقه در حیاط منزل سید منتظر شدیم؛ سپس طلبه‌ای موقر به جایگاه او رفته، ورود ما را خبر داد. سید که بسیار پیر بود و عمامه کوچک و سیاهی بر سر داشت و محاسن و ناخن‌هایش باحنای قرمز خیلی خوبی رنگ شده بود و درخشندگی خاصی داشت، بیرون آمد و با کمال سردی و بی‌اعتنایی به ما خوش آمد گفت و ما را روی حصیری که در بیرون اتاقش افتاده بود، نشانده. من متوجه نفوذ زیاد و حسن شهرت او بودم. در خطوط صورت او، قوه جاذبه‌ای وجود داشت و در وجود نحیف و خسته او، قدرت و نفوذی خارق العاده موجود و بیانش بسیار سحرآمیز بود و من کمتر در کشورهای اسلامی، نظیر آن را دیده بودم. پس از سلام و تعارفات معمول گفتم: هر فرمایشی که داشته باشید، انجام آن مورد اطاعت خواهد بود. او جواب داد: به عتبات مقدسه توجه کنید. تصور کردم منظور او از عتبات مقدسه، آقایان علما و مجتهدین است و بعد لزوم استخدام شیعیان در شهرهای شیعه نشین عراق را گوشزد نمود و دستور داد که بایستی دکتر مظفری‌یک و جهان بابا، دو تن از شیعیان را که در بغداد توقیف بودند، آزاد کنید و میرزا محمد را به فرمانداری نجف تعیین کنید ... من گفتم: اوامر عالی را به کمیسر عالی انگلستان در عراق، اطلاع خواهم داد .... (۲)

در همین حال، سر رونالد، به بهانه این که تعداد بسیاری از شیعیان فقیر از دولت

۱- جعفر خلیلی، موسوعه العتبات المقدسه، بخش نجف، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲- همان، ص ۲۵۷.



ص: ۹۲

انگلیس تقاضای یاری کردند، پاکت پول را جلوی مرجع تقلید بزرگ نجف گذاشت؛ اما سید خیلی صریح و قاطع، آن را رد کرد و مأموران انگلیس مجبور شدند تا موضوع بحث را تغییر دهد.

او در ادامه می‌گوید:

... بعد از دقایقی که به این منوال گذشت، من عزم خداحافظی و بازگشت به منزل کردم و بار دیگر هزار لیره را خواستم تقدیم سید کنم؛ ولی او با کمال ادب و احترام، عذر خواست و من از منزل بیرون آمدم...». به اعتقاد من، تنها چیزی که سید به آن اعتنایی نداشت، مال دنیا بود. اگر وی به مال دنیا دل بسته بود، باید در برابر پول، آن هم به شکل محترمانه که هیچ گونه توهم رشوه و طعنه در آن نبود، خضوع می‌کرد و آن را می‌پذیرفت. این روحیه‌ای بود که در هیچ جایی از ممالک اسلامی، یافت نمی‌شد و وجود چنین شخصیت‌های معنوی، بسیار بعید بود .... (۱)

دفاع از مردم نجف

وقتی اشغال‌گران انگلیسی در تطمیع و دادن رشوه رسوا شدند، راه خشونت و اذیت را در پیش گرفتند. یک روز حاکم انگلیسی نجف به منزل آیه‌الله یزدی آمد و خطاب به وی گفت: دولت انگلیس از شما می‌خواهد که شهر نجف را ترک کنید و به کوفه بروید؛ چون در نظر داریم اهالی نجف را تنبیه و تأدیب کنیم. آیه‌الله یزدی در پاسخ با آرامش کامل فرمود:

من به تنهایی خارج شوم یا با اهل بیتم؟ او گفت: البته با اهل بیت. سید جواب داد: مردم نجف، همه اهل بیت من هستند؛ بنابراین، من خارج نمی‌شوم؛ بگذار آن چه به اهل بیت من می‌رسد، به من نیز وارد شود (۲).

فقیه نجف تا آخرین لحظات عمر، با عزت زیست و هرگز به اشغال‌گری بیگانگان در عراق تن نداد و اعتراض خود را به اشغال‌گران اعلام نمود؛ تا این که در ماه رجب سال ۱۳۳۷ ق. به گونه‌ای مشکوک - و با احتمال مسمومیت - چشم از جهان فرو بست.

۱- همان.

۲- همان.

ص: ۹۳

. بر تو و جمیع مسلمین تحت امر تو واجب می‌کنم برای دفع کفار به سوی بصره روی آوری. این امر بر تو و کسانی که کلام من به آنان می‌رسد، واجب است که با مال، جان، اسلحه، مردان و اسب‌هایشان، دفاع کنند. هیچ مسلمان متمکن، عذری ندارد. حکومت و سایر مسلمانان، فرقی ندارند و در دفاع از اسلام، همه مساوی هستند.

. به اعتقاد من، تنها چیزی که سید به آن اعتنایی نداشت، مال دنیا بود. اگر وی به مال دنیا دل بسته بود، باید در برابر پول، آن هم به شکل محترمانه که هیچ‌گونه توهم رشوه و طعنه در آن نبود، خضوع می‌کرد و آن را می‌پذیرفت. این روحیه‌ای بود که در هیچ جایی از ممالک اسلامی، یافت نمی‌شد و وجود چنین شخصیت‌های معنوی، بسیار بعید بود ....

## حرم نجف اشرف و خاکسپاری امیر مؤمنان علیه السلام

محمود مهدی پور

حریم مولا

نجف از دیدگاه تاریخی، تداوم و گسترش یافته «کوفه» است. از این رو، بررسی تاریخ نجف، بدون گذر از کوفه، مقدور نیست. در روایات اهل بیت علیهم السلام جایگاه کوفه و به ویژه قداست مسجد کوفه، از مطالب قطعی و مورد قبول عموم راویان حدیث است.

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: در آیه شریفه:

و آوینا هما الی ربوة ذات قرار و معین؛ منظور از «ربوة»، نجف و کوفه و منظور از معین، رود فرات است. (۱)

آن روزها که امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه اقامت داشت، بارها به همین حدود نجف می‌آمد و چنین می‌فرمود: وادی السلام و مجمع ارواح المؤمنین و نعم المضجع للمومن هذا المكان؛ این جا سرزمین سلامت و پایگاه اجتماع ارواح مؤمنان است و برای مؤمن، آرامگاهی نیکوست.

همچنین می‌فرمود:

اللهم اجعل قبری بها؛ خدایا! قبر مرا در این جایگاه قرار ده. (۲)

شهادت امام

سخن گفتن از مزار و مرقد خورشید، کاری آسان نیست. نوزدهم رمضان سال چهارم هجرت، پیشوای پارسایان در محراب مسجد کوفه ضربت خورد و سه روز بعد، روح بلندش به ملکوت اعلا پرگشود و تن خاکی او در تپه‌های بیرون شهر کوفه، با فاصله حدود ده کیلومتر، به خاک سپرده شد. آن روز منطقه دفن امام علیه اسلام را «ظهر الکوفه» و غری (۳) می‌گفتند. بیکر امیرالمؤمنین علیه السلام پنهانی و مخفیانه در جایگاه کنونی، در دل شب دفن شد و غیر از گروهی اندک از فرزندان و نزدیکان آن بزرگوار، کسی از جایگاه قبر مولا و مغرب آفتاب عدالت، خبر نداشت.

امام حسن و امام حسین علیهما السلام، محمد حنفیه، عبدالله بن جعفر، داماد آن بزرگوار و برخی دیگر از فرزندان امام، همچون جعفر، عباس، عون و یحیی، در مراسم دفن مولا- حضور داشتند. صعصعه بن صوحان عبدی از یاران نزدیک امام، در این مراسم شرکت داشت.

پنهان ماندن محل دفن

۱- همان، ص ۱۳.

۲- فضل الکوفه و مسجدها؛ ابن عساکر، التاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۴۵.

۳- غزی یا غرین، زمینی پشت کوفه است که آرامگاه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در آن جا قرار دارد و برخی گمان کرده‌اند که از بناهای پادشاهان حیره است (مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۹۷، چاپ مصر).

ص: ۹۵

از امام صادق علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود:  
برای من چهار قبر در چهار موضع، حفر کن، یکی در مسجد کوفه، دوم در رحبه، سوم در نجف و چهارم در خانه جعدۀ بن هبیره  
مخزولی؛ تا کسی از جایگاه اصلی قبر من آگاه نشود.

راز پنهان کردن محل دفن مولا- آن بود که امام علی علیه السلام دو گروه دشمن کینه‌توز و بی‌فرهنگ داشت؛ گروه اول، خوارج  
نهروان بودند که پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و خود آن حضرت، آنان را «مارقین» می‌نامیدند.

اینان دارای تعصبی ناروا، تقدسی بدون آگاهی و فاقد فهم درست از دین الهی بودند و همین آمیزه جهل و غرور، دنیا و آخرت  
آنان را به تباهی کشاند و امیرالمؤمنین علیه السلام سرانجام به دست اینان شهید شد.

گروه دوم، قاسطین، یعنی معاویه و امویان بودند که به تعبیر شهید مطهری:

روح آنان، روح سیاست و ثقل و نفاق بود. آنها می‌کوشیدند تا زمام حکومت را در دست گیرند و بنیان حکومت و زمامداری  
علی علیه السلام را در هم ریزند. (۱)

این گروه در ایجاد و گسترش و تحریک گروه اول، نقش اساسی داشتند. دشمنی معاویه و طرفدارانش ریشه‌های عقیدتی، سیاسی و  
تاریخی داشت. تفکر دنیاگرایی امویان و اندیشه الهی و آخرت‌گرایی علوی، در طول تاریخ، با هم ناسازگار بودند و هواداران  
معاویه سال‌های سال امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش را مورد هجوم تبلیغی و سب و لعن و نفرین قرار دادند و از امام و یارانش،  
چهره‌ای منفور و بیرحم در ذهن جامعه اسلامی ترسیم کردند و در قتل و غارت و آزار پیروان علی علیه السلام از هیچ کوششی  
کوتاهی نکردند.

قاسطین و مارقین اگر بر بدن مولا سلطه می‌یافتند، آن را مورد اهانت و هتک حرمت قرار می‌دادند و شاید بی‌گناهان فراوانی در پی  
این اهانت، کشته می‌شدند. از این رو، مزار و مدفن امیرالمؤمنین علیه السلام تا عصر امام صادق علیه السلام و زمان حکومت هارون،  
پنهان و ناشناخته باقی ماند؛ گرچه امامان و فرزندان ایشان، کم و بیش جایگاه قبر رامی شناختند و به زیارت آن بزرگوار می‌رفتند.  
ابوحزمه ثمالی به همراه زید بن علی بن الحسین، قبل از سال ۱۲۱ ق. در شب نیمه شعبان، به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و  
زید در منطقه «ذکوات بیض»، جایی رابه او نشان داد و گفت: این، قبر امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۲)

خاکسپاری امام

پس از شهادت، پیکر مطهر مولا، با حنوط بهشتی که جبرئیل آورده بود، خوشبو شد؛ حنوطی که بوی خوش آن در آفاق شهر کوفه  
پیچیده. پیکر مولا- در پنج جامه کفن شد و در تابوت قرار گرفت ۹ و طبق وصیت آن حضرت، عقب تابوت را دو فرزندش امام  
حسن و امام حسین علیهما السلام گرفتند و از زمین بلند کردند و دو فرشته عالی مقام الهی، میکائیل و جبرائیل، جلو سریر مولا را  
حمل می‌کردند و به سرعت به سوی جایگاهی که «ظهر کوفه» نامیده می‌شد، حرکت کردند.

۱- جاذبه و دافعه، علی علیه السلام، انتشارات صدرا، قم، ص ۱۱۲.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۸۴.

ص: ۹۶

برخی مردم خواستند، جنازه امیرالمؤمنین علیه السلام را تشیع کنند که امام حسن علیه السلام آنان را باز گرداند. امام حسین علیه السلام همواره می‌گریست و ذکر شریف «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» را تکرار می‌کرد و می‌فرمود: «ای پدر بزرگوار! پشت ما را شکستی؛ گریه را برای تو آموخته‌ایم».

محمد بن حنفیه می‌گوید: به خدا سوگند! من شاهد بودم که جنازه مولا بر هر در و دیوار و ساختمان و درختی که عبور می‌کرد آنها خم می‌شدند و در برابر جنازه، کرنش می‌کردند.

در کتاب امالی شیخ طوسی قدس سره چنین آمده است:

وقتی جنازه از برابر میل معروف غری عبور کرد، این بنای قدیمی که علم نامیده می‌شد، به احترام پیکر مطهر مولا، خم شد؛ همان طور که تخت ابرهه در برابر عبدالمطلب سر خم کرد.

امروز در جایگاه این میل معروف، مسجد حنانه قرار دارد که حدود سه هزار ذرع (سه کیلومتر) از شرق نجف فاصله دارد.

این مسجد، امروز یادآور خاطره عبور حزن آلود جنازه خورشید نجف و فرزندان غم‌زده او در شب بیست و سوم رمضان سال چهارم هجری است.

وقتی پیکر مولا به جایگاه دفن رسید، جلو تابوت بر زمین قرار گرفت و امام حسن علیه السلام و همراهان، بر پیکر پدر نماز خواندند و هفت تکبیر گفتند؛ سپس همان جا را که جنازه بر زمین فرود آمد، کردند؛ قبری ساخته و لحدی آماده، نمایان شد و تخته‌ای در

درون قبر نمودار شد که با خط سریانی، دوسطر بر آن نوشته شده بود که ترجمه عربی آن عبارت، چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما حفره نوح النبی لعلی وصی محمد صلی الله و علیه و آله قبل الطوفان بسبع مائة عام؛ این قبری است که هفت صد سال قبل از طوفان نوح پیامبر برای علی، وقتی محمد صلی الله و علیه و آله حفر کرده است. (۱)

در برخی روایات آمده که بر لوح کشف شده در جایگاه دفن مولا، این چنین نوشته شده بود:

این قبر را نوح پیغمبر برای بنده شایسته و طاهر و مطهر، آماده کرده است. (۲)

شیخ صدوق در این باره چنین نوشته است:

صفوان بن مهران جمال درباره امام صادق علیه السلام می‌گوید:

آن حضرت از قادیسیه حرکت کرد تا به بلندی‌های نجف رسید. من با آن حضرت بودم که فرمود:

۱- منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲- همان.

ص: ۹۷

نجف همان کوهی است که پسر جدم نوح علیه السلام وقتی گفت:

سأوی الی جبل یعصمنی لن الما، به آن پناه برد و خداوند عزوجل بر او وحی کرد که آیا تو در برابر من کسی را پناه می‌دهی؟ پس این کوه به زمین فرو رفت و قطعاتی از آن تا منطقه شام پراکنده شدند؛ سپس حضرت فرمود: از سمت دیگر برو و من راه را کج کردم و ادامه داد تا به «غزی» رسید و بعد توقف کرد و سلام بر پیامبران را از آدم آغاز کرد و بر هر کدام از پیامبران علیهم السلام سلام می‌کرد، من هم سلام‌ها را تکرار می‌کردم؛ تا به سلام بر پیغمبر گرامی صلی‌الله و علیه و آله رسید؛ سپس حضرت خود را بر قبر افکند و سلام داد و صدای ناله‌اش بلند شد؛ سپس برخاست و چهار رکعت (و در برخی روایات شش رکعت) نماز گزارد و من هم با امام نماز خواندم و به حضرت گفتم: یا بن رسول الله! این قبر کیست؟ فرمود: این قبر جدم، علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۱)

عزاداری صعصعه

وقتی در دل شب، کار دفن مولا- علیه السلام پایان یافت، صعصعه بن صوحان بر بالای قبر ایستاد و مشتی از خاک برداشت و بر سرخویش ریخت و چنین گفت:

پدر و مادرم به فدایت یا امیرالمؤمنین!

کرامت‌های خدا گوارایت ای ابالحسن!

میلادت پاک بود و صبوریت فراوان؛ جهادت عظیم بود و به آن چه آرزوی داشتی، رسیدی؛ تجارتی پر سود کردی و به نزد پروردگار خویش رفتی ....

در این جا صعصعه به شدت گریست و همه را گریان کرد. (۲)

حاضران مراسم دفن امیرالمؤمنین علیه السلام پس از شنیدن گفتار صعصعه، فرزندان حضرت را دلداری دادند و تسلیت گفتند و به کوفه بازگشتند.

پس از خاکسپاری

صبح گاه آن روز، برای آن که جایگاه دفن مولا معلوم نباشد، خاندان حضرت و فرزندان آن بزرگوار، تابوتی از خانه حضرت بیرون آوردند و در بیرون کوفه با امام حسن علیه السلام بر آن نماز گزاردند و تابوت را بر شتری بستند و آن را به سوی مدینه اعزام کردند. (۳)

از امام محمد باقر علیه السلام، چنین نقل شده است:

پیکر امیرالمؤمنین علیه السلام پیش از طلوع صبح در ناحیه غریین به خاک سپرده شد

۱- همان.

۲- منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۸۳

۳- همان، ص ۱۸۳.

ص: ۹۸

و چهار نفر وارد قبر آن حضرت شدند؛ امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، محمد بن حنفیه و عبدالله بن جعفر طیار.

کلام آخر

مؤلف ناسخ التواریخ از کتاب فرحۃ الغری، تألیف سید عبدالکریم بن طاووس روایت کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام اراضی بین کوفه و نجف تا حیره را از دهقانان آن حدود به چهل هزار درهم خریداری کرد و گروهی را بر این معامله شاهد گرفت. بعضی از اصحاب گفتند: چنین زمینی که آب و گیاه ندارد، گران خریداری کرده‌اید. حضرت علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله و علیه و آله شنیدم که فرمود:

کوفان، کوفان یحشر من ظهرها سبعون الف، یدخلون الجنة بغير حساب فاشتهت ان یحشروا فی ملکي؛ از سرزمین پشت کوفه، هفتاد هزار نفر بدون حساب وارد بهشت می‌شوند؛ خواستم آنان در ملک من محشور شوند.

پیشوای اول خود می‌دانست که سرانجام در این نقطه دفن خواهد و خود این جایگاه را دوست داشت.

سید بن طاووس، چنین آورده است که آن بزرگوار نگاهی به سرزمین بیرون کوفه کرد و فرمود:

ما احسن ظهرک و اطیب قعرک اللهم اجعل قبری فیها؛ (۱) چقدر ظاهرت زیباست و چقدر درونت خوشبوست. خدایا! قبر مرا در این سرزمین قرار ده.

از دیدگاه پیروان عترت، قطعی است که مولا- در جایگاه کنونی، در نجف به خاک سپرده شد و سرانجام، این آرزوی امام، تحقق یافت.

ص: ۹۹

وقتی جنازه از برابر میل معروف غزّی عبور کرد، این بنای قدیمی که عَلم نامیده می‌شد، به احترام پیکر مطهر مولا، خم شد؛ همان طور که تخت ابرهه در برابر عبدالمطلب سر خم کرد. امروز در جایگاه این میل معروف، مسجد حنانه قرار دارد که حدود سه هزار ذرع (سه کیلومتر) از شرق نجف فاصله دارد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام اراضی بین کوفه و نجف تا حیره را از دهقانان آن حدود به چهل هزار درهم خریداری کرد و گروهی را بر این معامله شاهد گرفت.



## پژوهشی درباره محل دفن امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا

شیخ فضل علی قزوینی

ترجمه: محمدمهدی رضایی

مقدمه

درباره اصحاب امام حسین علیه السلام و شهدای روز عاشورا در کربلا، به شکل‌های مختلف، بررسی‌ها و تألیفاتی صورت گرفته است؛ مثلاً در «تاریخ الامم و الملوک» طبری و «الکامل» ابن اثیر و دیگر تاریخ‌های قدیم، تنها به ذکر نام آنها بسنده شده، اما عده‌ای دیگر از علما نوشته‌هایی خاص درباره این شهدا گرد آورده و در آنها به اوصاف و تاریخ زندگی و حالات مختلف آنها پرداخته‌اند. شاید قدیم‌ترین این نمونه‌ها، کتاب فضیل بن زبیر اسدی کوفی، از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام باشد که علامه سید محمد رضا حسینی جلالی آن را به صورت تحقیق شده و آراسته، در شماره دوم مجله «تراثنا» به نام «تسمیه من قتل مع الامام الحسین» به چاپ رسانده است. مشهورترین کتاب در این موضوع که در اختیار ماست، کتاب «ابصارالعین فی انصارالحسین»، نوشته علامه ادیب و تاریخ دان شهیر، شیخ محمد سماوی می‌باشد که در آن به شرح حال ۱۱۳ تن از شهدای کربلا پرداخته شده است.

اما در این میان، کتاب ارزشمند «الامام الحسین علیه السلام واصحابه»، نوشته علامه متبحر، شیخ فضل علی قزوینی، (۱۲۹۰-۱۳۶۷ ق.) گونه دیگری است. در این کتاب، تمام افراد حاضر در کربلا- مردان و زنان و شهدا و غیر شهدا- همه نام برده شده‌اند، همچنین در این کتاب، ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام و حوادث مربوط به حرکت آن حضرت از مکه تا کربلا و آن چه پس از عاشورا به وقوع پیوست، همه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یکی از ویژگی‌های این کتاب آن است که مؤلف به بیان فهرست‌وار مسائل اکتفا نکرده، بلکه با استفاده از تبحر و احاطه خود بر مسائل تاریخی و دقیق‌نگری خاص خود، آن چه را مورخان نقل کرده‌اند، نقد و بررسی کرده و هر حادثه کوچک یا بزرگ را با دقتی در خور و قابل ستایش تبیین کرده است و حتی نسبت به الفاظ و عبارات نقل شده در کتاب‌ها بی‌توجه نبوده و آنها را نیز در بوته نقد نهاده است.

آن چه در این نوشتار در مقابل چشم خوانندگان قرار می‌گیرد، ترجمه فصل چهارم کتاب مذکور، تحت عنوان «فی دفنه و مدفنه علیه السلام و مدفن اصحابه علیهم السلام» است که تحقیقی تازه و ارزشمند در نوع خود به شمار می‌آید و به بسیاری از ابهامات و سؤالات در این زمینه، پاسخ دقیق و متقن می‌دهد.

ص: ۱۰۱

محل دفن امام حسین علیه السلام

علی جلال الحسینی مصری، در کتاب «الحسین» می‌نویسد: «درباره محل دفن پیکر امام حسین علیه السلام تقریباً هیچ اختلافی وجود ندارد».

در «کامل الزیارات» تحت عنوان «فضیلت کربلا و زیارت امام حسین علیه السلام» آمده است:

تمام روایات این باب و روایاتی مثل اینها، جهت استدلال بر صحت وجود قبر مولای ما امام حسین علیه السلام در کربلا، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ زیرا بسیاری از مخالفان، وجود قبر آن حضرت را در کربلا انکار می‌کنند همچنان که بودن قبر امیرمؤمنان علیه السلام در نجف اشرف را منکرند. (۱)

این سخن، البته، جای تأمل دارد. آری، عده‌ای از مخالفان، شهادت امام حسین علیه السلام را نپذیرفته‌اند؛ اما هر که به شهادت وی باور داشته، وجود آرامگاه او را در کربلا، منکر نشده است و بارها به این نکته اشاره شده که هدف منکران، چیزی جز تشکیک در امور مسلم و اشکال نمودن در موضوعات بدیهی و ضروری نیست؛ تا از این راه، به اغراض فاسد خود دست پیدا کنند.

بی‌شک، آن چه از «کامل الزیارات» نقل کردیم، از نویسنده آن، یعنی شیخ ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن قولویه نیست؛ بلکه یکی از شاگردان وی آن را ضمیمه کتاب ساخته است. از این رو، ذکر آن مطلب در «بحارالانوار» (۲) و نسبت دادن آن به شیخ ابوالقاسم، چندان مناسب نمی‌باشد و جای ایراد دارد

کار امام، با امام است

یکی از مسائل مسلم و اجماعی نزد شیعه که از ضروریات مذهب به شمار می‌آید و روایاتی به طور عام و خاص درباره آن وارد شده، این است که امام و معصوم را فقط امام و معصوم غسل می‌دهد و کفن می‌کند؛ بلکه گفته شده که امام و معصوم جز به وسیله امام و وصی پساز خود، دفن نمی‌شود. بنابراین، مامعتقدیم که بدن امام حسین علیه السلام را علی بن حسین، امام زین العابدین علیه السلام به خاک سپرده، هر چند در این باره، روایتی نرسیده باشد؛ حال آن که روایات متعددی در این باره وارد شده است که برخی عبارتند از:

۱. سید عبدالله شبر (ره) در کتاب «جلاء العیون» از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

علی بن حسین علیهما السلام با علم و قدرت خود، برای دفن پیکر پاک پدر بزرگوارش حاضر شد؛ بر او نماز گزارد؛ او را دفن کرد و پس از اتمام کارها، به همان جا که بود، بازگشت.

۲. در «بحارالانوار» از امام رضا علیه السلام نقل شده است که:

۱- ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۵۹.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹.

ص: ۱۰۲

علی بن حسین علیهما السلام دور از چشم مردم، به کربلا رفت و کار خاکسپاری پدرش را انجام داد و بازگشت.

۳. کسی از محمد بن مسعود، از جعفر بن احمد، از حمدان بن سلیمان، از منصور بن عباس، از اسماعیل بن مهران (۱) و او از یکی از اصحاب ما چنین نقل است: خدمت امام رضا علیه السلام نشسته بودم که علی بن ابی حمزه با ابن سراج و ابن مکاری وارد شدند.

علی بن ابی حمزه پس از گفت و شنودی که بین او و امام علیه السلام بر سر مسئله امامت در گرفت، گفت:

ما از پدران بزرگوارت شنیده‌ایم که امور مربوط به امام را کسی جز امام انجام نمی‌دهد. امام علیه السلام فرمود: «بگو بدانم حسین بن علی علیهما السلام امام بود یا نه؟»

علی گفت: او امام بود. فرمود: «چه کسی کار تجهیز و دفن او را به انجام رساند؟»

گفت: علی بن حسین علیهما السلام. فرمود: «وی در آن وقت کجا بود؟» گفت: در زندان عبیدالله بن زیاد. فرمود: درست می‌گویی:

او بی آن که کسی بفهمد، از زندان بیرون آمد و به کربلا رفت و پس از تجهیز بدن حسین علیه السلام به زندان بازگشت.

بی شک خدایی که علی بن حسین علیهما السلام را به قدرت خود به کربلا می‌فرستد، می‌تواند مرا قدرت دهد که به بغداد روم و

پیکر پدرم را تجهیز و دفن کنم و آن گاه به مدینه بازگردم؛ حال آن که نه در زندانم و نه اسیر. (۲)

۴. از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمود:

چون رسول خدا صلی الله و علیه و آله از دنیا رفت، جبرئیل به همراه فرشتگان و روح که در شب قدر فرود می‌آیند، به زمین هبوط

کردند. در آن هنگام، امیرمؤمنان علیه السلام چشم گشود و آنان را در منتهای آسمان‌ها و زمین مشاهده کرد که پیامبر صلی الله

و علیه و آله را غسل می‌دادند و بر او نماز می‌گذارند و برایش قبری حفر می‌کردند. به خدا سوگند! جز آن فرشتگان، کسی برای

رسول خدا صلی الله و علیه و آله قبر آماده نکرد؛ پس هنگام دفن کردن آن حضرت، فرود آمدند و او را در قبر نهادند و چون

امیرمؤمنان علیه السلام از دنیا رفت، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، همان صحنه‌ای را دیدند که پدر بزرگوارشان در مرگ

رسول خدا صلی الله و علیه و آله دیده بود؛ آنان نیز مشاهده کردند که پیامبر صلی الله و علیه و آله، فرشتگان را در کار تجهیز علی علیه

السلام یاری می‌دهد و چون امام حسن علیه السلام رحلت کرد، امام حسین علیه السلام بار دیگر همان صحنه را دید و

۱- در مأخذ، «ابن سهل» آمده است.

۲- رجال الکشی، ص ۴۶۳.

ص: ۱۰۳

این که پیامبر صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام فرشتگان را کمک می‌کنند. این مشاهده، پس از شهادت امام حسین علیه السلام برای علی بن حسین، امام زین العابدین علیه السلام نیز رخ داد و ... در بعضی روایات آمده است که اگر امامی در مشرق زمین از دنیا برود و وصی او در مغرب باشد، خداوند آن دو را به هم می‌رساند.

از روایات امام جواد علیه السلام که در «بصائر الدرجات» آمده، استفاده می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه وآله و هر امام سابق، در هنگام دفن امام لاحق، حاضر می‌شود؛ همچنان که به حضور ایشان در دفن پیکر امام حسین علیه السلام تصریح شده است. اینک جای این پرسش هست که این حضور با بدن‌های نورانی مثالی صورت گیرد- چنان که از روایت بصائر الدرجات معلوم می‌گردد- یا بابدن‌های مادی دنیوی؛ به گونه‌ای که کسی جز امام آنها رانمی‌بیند؛ زیرا عوالم هستی، نزد ایشان، همه عرضی هستند؛ نه طولی؟ این بحث، مقام دیگری می‌طلبد و روایات بسیاری را به خود اختصاص داده است.

خلاصه این که بی‌شک رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها و امام حسن علیه السلام در هنگام دفن امام حسین علیه السلام حاضر شده و علی بن حسین علیهما السلام را در این کار یاری داده‌اند.

بنی اسد و دفن شهدا

آن چه گفتیم حقیقت امر بود؛ اما ظاهر مسئله، طبق روایتی که در «بحار الانوار» آمده، چنین است: حضرت زینب سلام الله علیها به علی بن حسین علیهما السلام عرض کرد:

خدای تعالی از گروهی از این مردم که فرعون‌های این سرزمین آنها را نمی‌شناسند و نزد آسمانیان معروف و شناخته شده‌اند، پیمان گرفته که این پیکرهای قطعه قطعه را جمع‌آوری کنند و به خاک سپارند و در این وادی، نشانه‌ای برای قبر پدرت، سیدالشهداء، بر پا کنند؛ تا اثر آن همیشه باقی باشد. (۱)

در حدیث ام ایمن نیز چنین می‌خوانیم:

جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت: سپس خداوند عده‌ای از امت را که کفار آنها را نمی‌شناسند و آنها به هیچ وجه در این خون‌ها شریک نبوده‌اند، می‌فرستد؛ تا بدن‌ها را به خاک سپارند و برای قبر سیدالشهداء در آن سرزمین نشانه‌ای بگذارد ...

(۲)

در کتاب‌های معتبر، کیفیت دفن امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا، به طور مفصل و با این خصوصیات، نیامده است و آن چه متأخرین گفته‌اند، سند محکمی ندارد و روایاتشان قابل اعتماد نیست. تنها مطلب مشهور و مسلم که روایاتی درباره آن وارد شده و تاریخ‌های معتبر آن را تأیید می‌کنند، حضور عده‌ای از قبیله «بنی اسد»، برای دفن پیکر

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹.

۲- همان، ص ۱۸۲.

ص: ۱۰۴

امام علیه السلام است.

ابن شهر آشوب، در «المناقب» می‌نویسد:

عده‌ای از اهالی غاضریه به نام بنی اسد، یک روز پس از عاشورا، پیکرها را به خاک سپردند و برای بیشتر شهدا، قبرهای آماده‌ای می‌یافتند و پرندگان سفید را بر آنها مشاهده کردند. (۱)

مسعودی می‌نویسد:

اهالی غاضریه (۲) مردمی که از بنی غاضره و از بنی اسد بودند- یک روز پس از شهادت امام حسین علیه السلام و اصحابش، آنها را به خاک سپردند. (۳)

شیخ مفید (ره) در «الارشاد» می‌نویسد:

چون ابن سعد از کربلا حرکت کرد، عده‌ای از بنی اسد که ساکن غاضریه بودند، خود را به پیکر امام حسین علیه السلام و دیگر شهدا رساندند؛ بر آنها نماز گزارند و حسین علیه السلام را در جایی که اکنون قبر اوست، به خاک سپردند. (۴)

در «کامل البهائی» که محمد بن علی بن محمد بن حسن طبری، در سال ۶۷۵ ق. آن را برای بهاءالدین محمد بن محمد شمس الدین تألیف کرد و نسخه آن نزد ما موجود است، چنین آمده است:

بنی اسد به دیگر قبایل عرب، افتخار می‌کردند و می‌گفتند: ما بودیم که بر حسین علیه السلام و اصحابش نماز خواندیم و آنها را به خاک سپردیم. (۵)

قضیه «بوریا» و این که بنی اسد بوریایی آوردند و زیر پیکر امام حسین علیه السلام قرار دادند، تنها از «دیزج» که از طرف متوکل مأمور بر قبر امام حسین علیه السلام بود، نقل شده است. در «الامالی» به سند مؤلف از محمد بن مسلم، از ابراهیم دیزج، نقل شده که گفت:

متوکل مأمور نبش قبر امام حسین علیه السلام کرد؛ تا آن جا که می‌گوید: ابو علی عمادی گفت: در گفت و گو با ابراهیم دیزج از او درباره این ماجرا سؤال کردم و او گفت: «با چندتن از غلامان خاص خود نزدیک قبر رفتیم و قبر را شکافتم؛ پس بوریایی تازه دیدم که بدن حسین علیه السلام روی آن قرار داشت و بویی خوش از آن بر می‌خاست. بدن و بوریا را به همان حال رها کردم و دستور دادم قبر را از خاک پر کنند.

در «کامل البهائی»، چنین آمده است:

بنی اسد که از ترس ابن زیاد از محل خود کوچ کرده بودند، به کربلا رسیدند و

۱- المناقب، ج ۴، ص ۱۲۱.

۲- در مأخذ «غاضریه» آمده؛ ر. ک: معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۳.

۳- مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۳.

۴- مفید، الارشاد، ص ۲۲۷.

۵- کامل البهائی، ج ۲، ص ۲۸۷.

ص: ۱۰۵

پیکرهای شهدا را افتاده بر زمین دیدند؛ پس آنها را دفن کردند» همچنین در این کتاب آمده است: «عده‌ای از یهودیان، نزدیک کربلا زندگی می‌کردند. آنها اهل خیبر بودند و پس از آن که رسول خدا صلی الله و علیه و آله قلعه‌های ایشان را گشود، کوچ کردند و در نزدیکی کربلا ساکن شدند. رئیس ایشان، ابراهیم و روتیل نام داشت.

رسم آنها این بود که شب‌ها بر پشت بام خانه‌هاشان می‌خوابیدند. در شب شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، آنها نورهایی را مشاهده کردند که از آسمان به زمین می‌آمدند و به آسمان بالا می‌رفتند؛ پس با خود گفتند: گویا این کشته‌ها نزد خداوند، مرتبه‌ای عظیم دارند که نورهایی از پیکرهاشان به آسمان ساطع می‌شود؛ پس تصمیم به دفن شهدا گرفتند و راهی کربلا شدند». بنابراین، طبق ظواهر امر، تردیدی نیست که بنی اسد جسم امام حسین علیه السلام را پس از نماز گزاردن بر او، در مکانی که اکنون قبر آن حضرت است، به خاک سپردند.

قبر عباس بن علی علیهما السلام

آن چه مسلم است و درباره آن روایاتی وجود دارد و محققان به آن تصریح کرده‌اند، این است که عباس بن علی علیهما السلام همان جا که به شهادت رسید، به خاک سپرده شد و هم اکنون آن قبر، بارگاهی است شکوهمند که مردم آن را زیارت می‌کنند. درباره نهر علقمه که مشهور است، باید گفت: که در آن زمان، نهری آن جا وجود داشته و نه شخصی به نام علقمی در آن جا زندگی می‌کرده است و سال‌ها پس از شهادت حضرت عباس علیه السلام کشاورزی علقمی نام، نهری از شط فرات برای زراعت خود ایجاد کرد و آن را از کنار قبر حضرت عباس بن علی علیهما السلام عبور داد و از آن پس، آن قبر در کنار نهر علقمی قرار گرفت. در این باره، حکایت مناسبی از شاه اسماعیل صفوی را نقل خواهیم کرد.

مزار علی بن حسین علیهما السلام

آن چه درباره قبر علی بن حسین حضرت علی اکبر علیه السلام یقین است و در اخبار و روایات آمده و شیخ مفید بر آن تصریح کرده و فقهای دیگر نیز در کتابهای خود نوشته‌اند، این است که آن حضرت در پایین پای پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد. عین عبارت «الارشاد» این است: «نزدیک پاهای حسین علیه السلام دفن گردید».

در زیارت ناحیه مقدسه، چنین می‌خوانیم:

هر گاه خواستی شهداء را زیارت کنی، پایین پای امام حسین علیه السلام که قبر علی بن حسین علیهما السلام آن جا است، بایست.

ص: ۱۰۶

عبارات در این باره، متفاوت می‌باشند؛ گاهی «کنار پاها» و گاهی «سمت پاها» آمده که هر دو به یک معناست. این که محل دفن علی بن حسین علیهما السلام از دیگر شهدا به پیکر امام حسین علیه السلام نزدیک‌تر است، اتفاقی است؛ چون برای وی در کنار پاهای پدر بزرگوارش گودالی حفر کردند و در آن جا، او را به خاک سپردند.

قبر حبیب بن مظاهر

درباره قبر مشهور و معروف حبیب بن مظاهر، شیخ حافظ احمد بن عبدالله اصفهانی، ابو نعیم، در کتاب «حلیة الاولیاء» می‌نویسد: بنی اسد، حبیب را بالای سر حسین علیه السلام، همان جا که اکنون قبر اوست دفن کردند؛ چون حبیب، رئیس آنان بود و این کار، تعظیم او به شمار می‌آمد.

حافظ ابو نعیم یکی از بزرگان محدث و از موثقین نزد شیعه و اهل سنت است و عده‌ای از خاصه و عامه به مورد وثوق بودنش، تصریح کرده‌اند. گفته شده که سنی مذهب است؛ ولی برخی به صراحت، وی را شیعه دانسته‌اند. ابن خلکان در تاریخ خود

می‌نویسد: (۱)

ابو نعیم، احمد بن عبدالله - در نسخه‌ای عبیدالله آمده - بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی، حافظ مشهور، صاحب کتاب «حلیة الاولیاء»، از بزرگان محدث و حافظان و موثقان بلند مرتبه است که نزد فضلاء درس خوانده و عالمانی بزرگ نزد او علم آموخته و از او منتفع شده‌اند. کتاب «حلیة الاولیاء»، او یکی از بهترین کتاب‌ها است. وی در ماه رجب سال ۳۳۴ ق. به دنیا آمد و در ماه صفر ۴۳۵ ق. رحلت کرد. شیخ بهایی درباره او چنین گفته است: «وی در کتاب حلیة الاولیاء مطالبی آورده که بر خلوص او در تشیع دلالت می‌کند.

از سخن این ابو نعیم درباره قبر حبیب بن مظاهر بر می‌آید که قبر وی در حدود سال ۳۰۰ ق. کاملاً مشخص و متمایز از دیگر قبرها بوده است.

شهید اول در کتاب «الدروس»، پس از ذکر زیارت شهدا می‌نویسد:

سپس سلام کن به حبیب بن مظاهر و حربن یزید ریاحی» (۲) و از این سخن هم روشن می‌شود که در حدود سال ۷۰۰ ق. قبر حبیب و حربن یزید، مشخص و معلوم بوده‌اند.

در کتاب «المقامع» آمده است که مؤلف در جواب سؤال از قبر حبیب و حر گفته است: «حبیب بن مظاهر در رواق دفن شده است و قبر حر در حدود یک فرسخی کربلا قرار دارد.

۱- وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۹۱؛ با اختلاف و اختصار.

۲- الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۱۱؛ در این منبع «حبیب بن مظاهر» نیامده است.

ص: ۱۰۷

به طور کلی باید گفت که هیچ کس در این مطلب شک و شبهه نکرده، مگر آن که در قلبش وسوسه شیطانی راه یافته یا خود از جمله خناسانی است که در دل‌ها شک و تردید می‌افکنند.

قبر حرین یزید بن ریاحی

قبر حر در همین مکانی است که هم اکنون مورد زیارت قرار می‌گیرد و برای توضیح بیشتر، به سخن شهید (ره) در «الدروس» اشاره می‌کنیم و افزودن بر آن چه حسن بن علی بن محمد بن حسن طبرسی، در «کامل البهائی» بدان تصریح کرده که: «بنی اسد، حر بن یزید ریاحی را با نزدیکان وی، در جایی که به شهادت رسیده بود، دفن کردند». (۱) شیخ عباس قمی (ره) در «نفس المهموم»، به نقل از نسخه موجود کامل البهائی، مطلب را این گونه نقل کرده است:

حر بن یزید ریاحی در موضعی که به شهادت رسید، دفن شد و نزدیکانش او را به خاک سپردند. (۲)

به هر حال، قبر حر معلوم و متمایز از قبول دیگر شهدا است و شاید عبارت کتاب «کامل البهائی» به جای «قتل فیه؛ موضعی که در آن به شهادت رسید»، «بزار فیه؛ مکانی که اکنون آن جا زیارت می‌شود»، بوده است.

قبور دیگر شهیدان

از روایت «المناقب» استفاده می‌شود که اکثر شهدا قبرهای جداگانه داشته‌اند. در این کتاب آمده است:

بنی اسد قبرهای آماده‌ای یافتند و پرندگانی سفید بر آنها مشاهده کردند. (۳)

شیخ مفید (ره) در «الارشاد» می‌نویسد:

برای شهدای بنی هاشم و دیگر شهدا، پایین پای امام حسین علیه السلام گودالی فراهم آوردند و همه را در آن جا به خاک سپردند.

(۴)

ظاهر عبارت شیخ- بلکه صریح آن- این است که بنی اسد در پایین پای امام حسین علیه السلام گودالی برای شهدای بنی هاشم و گودالی دیگر برای دیگر اصحاب حفر کردند و آنان را در آن جا به خاک سپردند. در فصل مربوط به نام شهدای کربلا، در «الارشاد» چنین می‌خوانیم: «اینها که نام بردیم، هفده نفر از بنی هاشم بودند؛ برادران حسین و فرزندان برادرش و فرزندان دو عمویش جعفر و عقیل که همه‌شان پایین پای آن حضرت دفن شده‌اند که برایشان گودالی حفر کردند و همه را در آن جا به خاک سپردند؛ غیر از عباس و در جای دیگر می‌نویسد:

اما اصحاب امام حسین علیه السلام که با او به شهادت رسیدند، پیرامون قبر او دفن شده‌اند. ما در پی آن نیستیم که برای دیگر شهدای کربلا، به طور مفصل، قبرهای جداگانه معین کنیم و تنها چیزی که یقین است، آن است که همگی در «حائر» دفن شده‌اند و از آن بیرون نیستند.

کلام شیخ مفید (ره) در این کتاب، خالی از آشفتگی و اضطراب نیست. در «کامل البهائی» آمده است:

۱- کامل البهائی، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲- شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۳۸۸.

۳- المناقب، ج ۴، ص ۱۲۱.

۴- الارشاد، ص ۲۲۷.



ص: ۱۰۸

تردید نداریم که حائر از طرف پاهای امام حسین علیه السلام به شهدا احاطه دارد و آنها را در بر گرفته است. به هر حال، احتمال دفن شدن بنی هاشم یا عده‌ای از اصحاب، پیرامون قبر امام علیه السلام بسیار بعید است؛ اگر چه گفته شود و آن چه در روایات باب زیارات آمده و عده‌ای از بزرگان به آن تصریح کرده‌اند، با آن منافات دارد.

تنها یک بحث باقی می‌ماند و آن این است که برای همه شهدای کربلا، یک گودال حفر کردند- / همچنان که از گفته بعضی مقتل نویسان بر می‌آید- / یا برای بنی هاشم گودالی وجود داشته و برای دیگر اصحاب گودالی دیگر و هر دو گروه پایین پای امام حسین علیه السلام قرار دارند؛ همچنان که از گفتار شیخ مفید و دیگران استفاده می‌شود! به نظر ما، احتمال دوم صحیح‌تر است و اخبار مربوط به زیارات، با آن ناسازگار نیست؛ زیرا همه شهدا پایین پای امام حسین علیه السلام و نزدیک قبر علی اکبر علیه السلام واقع شده‌اند. این احتمال را مضمون زیارت ناحیه مقدسه تأیید می‌کند که در آن آمده است: «هرگاه خواستی شهدا را زیارت کنی، پایین پای امام حسین علیه السلام که قبر علی بن حسین علیهما السلام است، رو به قبله بایست که آن جا محله و آرامگاه شهدا است و بگو...».

ظاهر عبارت «یلی رجلیه»، اتصال قبر شهدا به قبر سیدالشهداء است؛ همچنان که درباره قبر علی بن حسین علیهما السلام نیز این اتصال وجود دارد و منافاتی بین این تعبیر و تعبیر «عنه؛ نزد» و «نحو؛ جانب» که در بعضی روایات آمده، وجود ندارد.

بنابراین، در واقع قبر علی بن حسین علیهما السلام به قبر پدر بزرگوارش متصل است و قبور دیگر شهدا به قبر علی بن حسین علیهما السلام پیوسته می‌باشد. بنابراین، دور نیست که بگوییم ضریح مقدسی که امروزه وجود دارد، هم قبر امام حسین علیه السلام و هم قبر علی بن حسین علیهما السلام را در بر گرفته و بر گودال شهدا نیز محیط است؛ به خصوص اگر گودال را یکی بدانیم یا به وجود دو گودال عریض، معتقد شویم.

نکته دیگر این که در عبارات علما نیامده که دفن شهدا در شب اتفاق افتاده باشد؛ بلکه عده‌ای تصریح کرده‌اند که تدفین در روز دوازدهم بوده است و این مطلب، ظاهر عبارات ایشان است؛ اما از قول معاصرین و نیز از کتاب‌های متأخرین این سخن نقل شده که دفن شهدا در شب سیزدهم محرم بوده که جای تأمل دارد و خالی از اشکال نیست.

دو مطلب سودمند دیگر

مطلب اول: همچنان که گفته شد، در زمان ما، بین عامه مردم و در کتاب‌های متأخرین و بعضی معاصرین مشهور است که دفن پیکرهای پاک شهدای کربلا، در شب سیزدهم ماه محرم انجام شده، اما در روایات عامه و خاصه آمده است که دفن، پیکرها در شب دوازدهم انجام شده است.

طبری می‌نویسد: ابو مخنف گفته است:

ص: ۱۰۹

حسین و اصحابش یک روز پس از شهادتشان، به خاک سپرده شدند. (۱)

در مروج الذهب و المناقب، مثل همین عبارت آمده است.

در «مشیرالاحزان» آمده است:

عمر سعد تا ظهر روز بعد از عاشورا در کربلا ماند و آن گاه حرکت کرد. (۲)

در «بحارالانوار»، چنین می‌خوانیم:

محمد بن ابی طالب می‌گوید: عمر سعد روز عاشورا را تا ظهر فردای آن، در کربلا ماند.

در «اعلام الوری» آمده است:

امام حسین علیه السلام یک روز پس از شهادت، به خاک سپرده شد. این مطلب در «القمام» و دیگر تاریخ‌های معتبر و کتاب‌های مورد اعتماد نیز وجود دارد.

سید محسن امین عاملی در «لواعج الاشجان» می‌نویسد: «عمر سعد، روز دهم و روز یازدهم محرم، تا ظهر در کربلا ماند». (۳)

با توجه به این سخنان و این که دفن اجساد شهدا علیهم‌السلام پس از حرکت عمر سعد و اهل بیت امام حسین علیه السلام صورت گرفت، قول به شب دوازدهم، به واقع نزدیک‌تر است.

احمد بن داود دینوری، در «الاخبار الطوال» می‌نویسد: «عمر سعادتا دو روز پس از کشته شدن حسین علیه السلام در کربلا اقامت کرد و آن گاه بانک رحیل سرداد و از آن سرزمین بیرون رفت. (۴)

شاید این سخن دینوری، دلیل قول مشهور در زمان ما باشد؛ اما مؤلف کتاب «الحسین» می‌نویسد:

بیاسی، یکی از بزرگان عامه، معتقد است که منظور از دو روز، روز عاشورا و فردای آن است.

مطلب دوم: در این مسئله اشکال و اختلافی نیست و شیعه، بلکه عالمان، به جزء حسن بصری و سعید بن مسیب، بر آن اجماع دارند که شهید غسل و کفن و حنوط ندارد و به سه شرط زیر بالباس تنش دفن می‌شود: ۱. جهاد بر او واجب باشد.

۲. در هنگام شهادت، لباس بر تن داشته باشد. ۳. روحش در بحبوحه جنگ از بدن بیرون رفته باشد. پس هر گاه جهاد در حق کسی مستحب باشد یا روحش پس از جنگ جدا شود، باید غسل داده شود و کفن و حنوطش کنند و آن گاه به خاکش سپارند.

همچنین هر گاه شهید بدون لباس باشد، هر چند غسل ندارد، اما باید او را کفن کنند و دفن نمایند؛ زیرا رسول خدا صلی‌الله

۱- طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵ و ص ۴۵۵.

۲- مشیرالاحزان، ص ۸۳.

۳- لواعج الاشجان، ص ۱۹۷.

۴- الاخبار الطوال، ص ۲۵۷.

ص: ۱۱۰

وعلیه وآله با حمزه چنین کرد؛ یعنی بر او نماز گزارد و کفنش نمود؛ چون برهنه بود.

ظاهراً در آن چه گفته شد، اختلاف قابل اعتناد و اشکالی وجود ندارد و فتوای علما در عصر حاضر، به همین صورت است. بنا بر شرط نخست، مسئله در رابطه با شهادتی که به بلوغ نرسیده بودند، مشکل می‌شود؛ مگر این که بگوییم: جهاد بر آنان نیز واجب بوده، جهت محافظت از وجود امام؛ اگر چه یک لحظه و بنا بر شرط دوم، مسئله درباره شهدای کربلا که همگی بی لباس و عریان بودند، اشکال پیدا می‌کند.

همچنین بنا بر شرط سوم، درباره سویدن عمر و بن ابی مطاع چه باید گفت که طبق نقل، مجروح شده بود و در میان زخمیان افتاده بود که شنید کوفیان می‌گویند: حسین کشته شد؛ پس به هوش آمد و با چاقویی که داشت و با شمشیرش، ساعتی با آنان جنگید؛ تا به شهادت رسید. ابو مخنف می‌نویسد: «او آخرین شهیدان بود». (۱) اگر شرط سوم را بپذیریم، غسل و کفن او واجب بوده است. آن چه مشکل را در این مورد آسان می‌کند، این است که علما معتقدند که عدم غسل و کفن در موردی است که تأخیر، موجب تضییع و هتک حرمت شهید بشود و به این مطلب، محقق قمی در «جامع الشتات»، تصریح کرده است. بدون شک بنی اسد در کار خود معذور بودند و امکان غسل دادن و کفن کردن شهدا برای آنها وجود نداشت؛ پس شهدا را با همان وضع به خاک سپردند؛ در حالی که امام علیه السلام نیز با آنان بود و کار امام، حجت است و جای چون و چرا ندارد.

پایان سخن

سبط بن جوزوی در «التذکره» می‌نویسد:

زهیر بن قین با امام حسین علیه السلام کشته شد؛ سپس همسر او به غلام زهیر گفت:  
برو و مولای خویش را کفن کن.

غلام رفت و چون بدن برهنه امام حسین علیه السلام را دید، با خود گفت: «آیا مولای خویش را کفن کنم و بیکر حسین علیه السلام را واگذارم؛ هرگز چنین نخواهم کرد»؛ پس بدن حسین علیه السلام را کفن کرد و با کفن دیگر، زهیر را کفن نمود». در روایتی دیگر چنین آمده است:

«چون بدن امام حسین علیه السلام را برهنه دید، شرم کرد از کفن نمودن بدن زهیر و بی کفن ماندن حسین علیه السلام؛ پس به کوفه بازگشت و حقیقت حال را برای همسر زهیر بیان کرد و آن گاه چون به کربلا بازگشت، تابدن حسین علیه السلام و زهیر را کفن کند، دید آنها دفن شده‌اند».

شاید همین روایت درست‌تر باشد و مناسب‌تر با آن چه پیش از این گفته‌ایم.

ص: ۱۱۱

. می شود که رسول خداصلی الله وعلیه وآله وهر امام سابقی، در هنگام دفن امام لاحق، حاضر می شود؛ همچنان که به

ص: ۱۱۲

حضور ایشان در دفن پیکر امام حسین علیه السلام تصریح شده است.

. بنی اسد به دیگر قبایل عرب، افتخار می کردند و می گفتند: ما بودیم که بر حسین علیه السلام و اصحابش نماز خواندیم و آنها را به خاک سپردیم

. درباره نهر علقمه که مشهور است، باید گفت: که در آن زمان، نه نهری آن جا وجود داشته و نه شخصی به نام علقمی در آن جا زندگی می کرده است و سالها پس از شهادت حضرت عباس علیه السلام کشاورزی علقمی نام، نهری از شط فرات برای زراعت خود ایجاد کرد و آن را از کنار قبر حضرت عباس بن علی علیهما السلام عبور داد و از آن پس، آن قبر در کنار نهر علقمی قرار گرفت.

. بنی اسد، حبیب را بالای سر حسین علیه السلام، همان جا که اکنون قبر اوست دفن کردند؛ چون حبیب، رئیس آنان بود و این کار، تعظیم او به شمار می آمد.

. در واقع قبر علی بن حسین علیهما السلام به قبر پدر بزرگوارش متصل است و قبور دیگر شهدا به قبر علی بن حسین علیهما السلام پیوسته می باشد. بنابراین، دور نیست که بگوییم ضریح مقدسی که امروزه وجود دارد، هم قبر امام حسین علیه السلام و هم قبر علی بن حسین علیهما السلام را در بر گرفته و بر گودال شهدا نیز محیط است؛ به خصوص اگر گودال را یکی بدانیم یا به وجود دو گودال عریض، معتقد شویم.

. در زمان ما، بین عامه مردم و در کتاب های متأخرین و بعضی معاصرین مشهور است که دفن پیکرهای پاک شهدای کربلا، در شب سیزدهم ماه محرم انجام شده، اما در روایات عامه و خاصه آمده است که دفن، پیکرها در شب دوازدهم انجام شده است.

## مسجد عمران بن شاهین

علاء حیدر المرعبی

ترجمه: محمد مهدی رضایی

مسجد عمران بن شاهین، واقع در ضلع شمالی صحن حرم مؤمنان علیه السلام، یکی از قدیمی‌ترین مساجد شهر نجف است که در چشم و دل مردمان این شهر، جایگاه و عظمت بسیاری دارد.

نام این مسجد، یادآور نام مردی است که به گفته مورخین، نذری کرد و وفای به آن نذر، در ساختن این بنای عظیم، تبلور یافت؛ بنایی که هم اکنون از جمله آثار ارزشمند و ماندگار مربوط به حرم مطهر علوی به شمار می‌آید.

بی شک، مقام و مرتبه این مسجد، همچون دیگر بناهای متعلق به بارگاه امیرمؤمنان علیه السلام، تلاشی پی‌گیر برای بازسازی و تجدید حیات آن رامی‌طلبد، تا غبار غربت و کهنگی که گذشت سال‌های متمادی بر آن نشانیده، زدوده گردد و در این مکان مقدس، رونقی دوباره پدید آید.

این مقاله، نگاهی گذرا بر فعالیت‌های انجام شده در این مسجد و مشکلاتی است که مجریان طرح و تعمیر و بازسازی، با آنها روبه‌رو هستند و برنامه‌هایی که برای آینده این بنا در نظر گرفته شده است.

در طول سال‌های متمادی که از عمر مسجد عمران بن شاهین گذشته، این بنای مجلل، بر اثر اصلاحات و تعمیرات، دچار تغییرات متعددی شده، مثلاً در سال ۱۳۶۹ ق. جهت توسعه ورودی «باب شیخ طوسی»، بخشی از رواق مسجد را برداشته و جزء آن قرار داده‌اند.

بنابر آن چه در نوشته‌های مورخان آمده، مسجد مذکور دو در داشته، یکی مقابل «ایوان العلماء» و دیگری دیوار به دیوار ورودی «باب شیخ طوسی»، سمت راست کسی که وارد «باب» می‌شود. با اندکی دقت، تازه ساز بودن ورودی، کاملاً مشخص است.

برخی از محققان و مورخان، برگزاری نماز جماعت در این مسجد را نیز یادآور شده‌اند. سید عبدالمطلب خراسان، در این باره می‌گوید: من خود شاهد بودم که مرجع بزرگ، حضرت آیه الله سید محسن امین، زمستان‌ها، در این مسجد، نماز مغرب و عشا اقامه می‌کرد و زمانی که «مسجد الرأس» را تعمیر می‌کردند، در این جا تدریس می‌کرد.

سال‌های فراموشی

همچون دیگر بناهای مربوط به حرم امیرمؤمنان علیه السلام، مسجد عمران بن شاهین نیز سال‌های فراموشی و غربت بسیاری را تجربه کرده و گاهی از آن همچون انباری متروک و بی‌سر و سامان، استفاده می‌شده است؛ بی آن که عمر طولانی و ارزش تاریخی و معنوی آن مورد توجه باشد و به ترمیم و نگه‌داری آن در طی این سال‌ها، اهمیت داده شود؛ به

ص: ۱۱۴

ویژه که این مسجد، به عنوان یکی از ایوان‌های صحن علوی و بناهای اصلی آن، از موقعیت و جایگاه خاصی برخوردار است و توجهی ویژه رامی‌طلبد.

با نظر به این که هم اکنون در این مسجد کار تعمیرات و بازسازی در حال انجام است، این سؤال به ذهن می‌آید که آینده این مسجد و وضعیت ستون‌ها و دیوارهای داخلی و خارجی آن، در روند بازسازی، چگونه خواهد بود و تغییرات، به چه شکلی صورت خواهد گرفت.

سرآغاز تعمیرات

در مرحله نخست، پی‌ها و پایه دیوارها و ستون‌های مسجد که دیگر تحمل دیوارهای ضخیم و آجری را نداشتند، تعمیر و محکم کاری شدند. این پی‌ها و پایه‌ها در بنای قدیم مسجد، از سازه‌های آجری بر زمین سخت و محکم تشکیل شده بودند. آنچه تمام مراحل بازسازی را تحت تأثیر قرار می‌داد و با مشکل مواجه می‌ساخت، این بود که پی‌ها بر اثر رطوبت خارجی و نشست لوله‌های آب به شدت آسیب دیده بودند و اساس ساختمان مسجد، در معرض تهدید قرار داشت.

درباره این موضوع، مسئول بخش مهندسی- / فنی حرم مطهر علوی، آقای مهندس مظفر محبوب، چنین توضیح داد: ما ناچار شدیم تا عمق دیوارهای آجری مسجد را خاک برداری کنیم و با بتون آرمه، آنها را محکم و دیوارها را مقاوم نماییم و در ادامه کار، دیوارها را با اسکلت‌های آهنی مستحکم، نگاه داشتیم و در چهار جزء اصلی بنا، تعمیرات اساسی به عمل آوردیم؛ یعنی دو غرفه‌ای را که بر صحن حرم علوی مشرفند و دو غرفه دیگر در طبقه بالا که مشرف بر صحن قرار دارند.

دیوارهای رو به صحن و رو به ورودی «باب شیخ طوسی» را دست نخورده، به حال خود باقی گذاشته‌ایم؛ چون نیاز به تعمیرات اساسی نداشتند.

مقبره‌ها و غرفه‌ها

درباره مقبره‌ها و غرفه‌های داخل مسجد عمران بن شاهین، مهندس محبوب گفت: کار تعمیر غرفه‌های طبقه فوقانی، تمام شده و قرار است بالکن و ایوان غرفه‌ها که رو به صحن علوی قرار دارند، به همان شکل باقی بمانند؛ اما دیوارهای داخلی غرفه‌ها را برداشته‌ایم؛ تا جزء مجموعه مسجد واقع شوند.

در مورد مقبره مرجع کبیر سید محمد کاظم یزدی که در سال ۱۳۳۷ ق. در این مسجد دفن شده، باید گفت: این مقبره، در سمت چپ ورودی اصلی مسجد، در کنار دیوار واقع است و یا تصمیم گرفته‌ایم که دیوارهای اطراف آن را برداریم؛ ولی به ظاهر و شکل متمایز آن و مشبک کروم کاری شده‌اش، دست نزنیم و آن را به همان صورت باقی بگذاریم.

در ضلع جنوب غربی مسجد، اتاقکی وجود دارد که متعلق به قبر سید شرف الدین موسوی، یکی از عالمان بزرگ شیعه

ص: ۱۱۵

است که سال‌ها پیش، آن را ساخته‌اند و ما قصد داریم دیوار شمالی آن را برداریم؛ تا این مکان نیز به محوطه مسجد اضافه شود. درباره غرفه‌های پشتی مسجد باید بگوییم: که یکی از آنها چسبیده به کتابخانه حرم مطهر است که ان شاء الله با اضافه نمودن آن به مسجد، نمازخانه‌ای برای مراجعه کنندگان به کتابخانه، ایجاد خواهیم کرد و بدین ترتیب، کتابخانه در آینده، شکل و شمایل دیگری خواهد یافت.

در شمال شرقی مسجد و در طبقه فوقانی، دو غرفه وجود دارد که کف آنها در مساحتی طولانی، سقف ورودی «باب شیخ طوسی» را تشکیل می‌دهد و راه ورود به آنها، از آن ورودی می‌گذرد و به یاری خدا، برای استفاده بیشتر از این فضای خالی، غرفه‌ها در آینده مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت.

#### آجرکاری دیوارها

ابتدا در نظر بود ظاهر دیوارها تغییری نکند و تنها تمیز و پاکیزه شوند؛ تا نمای اصلی مسجد، به جهت اهمیت تاریخی، به همان حالت باقی بماند. مهندس مظفر محبوب با ذکر این مطلب، افزود: متأسفانه ظاهر و دیوارها در جاهای مختلف، به صورت جدی آسیب دیده و به شکل ناهنجاری درآمده بود. از این رو، حفظ وضعیت موجود را صلاح ندیدیم؛ زیرا با شأن و مرتبه حرم امیرمؤمنان علیه السلام که مسجد عمران بن شاهین جزئی از آن به شمار می‌آید، سازگاری نداشت. از این رو، دست به کار شدیم و دیوارها را با آجرهای نو، نماکاری کردیم.

در ابتدای امر، کار با مشکل جدی رو به رو شد؛ زیرا گچ‌کاری دیوارها، ستون‌ها و سقف‌ها، ضخامتی بیش از ۲۰ سانتی‌متر داشت و لایه‌های گچ، گاهی به سه یا چهار لایه می‌رسید. با این همه، کار لایه برداری گچ‌ها را شروع و به ترمیم و بازسازی دیوارها اقدام کردیم. قسمتی از سقف‌ها نیز آسیب دیده بود.

این آسیب دیدگی سقف‌ها، دو گونه بود؛ قسمت‌هایی را توانستیم به همان شکل سابق باقی بگذاریم و تنها تعمیرات جزئی روی آنها انجام دهیم؛ اما قسمت‌هایی نیز خسارت جدی دیده بودند که می‌بایست از نو ساخته و پرداخته شوند؛ مثلاً در ضلع شمال شرقی مسجد، حدود ۲۵ متر مربع، به شکل ناهنجاری آسیب دیدگی‌های غیر قابل تعمیری وجود داشت که باقی گذاشتنشان به همان حالت، ممکن نبود و به همین جهت، آنها را برداشته، دوباره به همان صورت پیشین، بازسازی کردیم؛ تا پیشینه مسجد و اهمیت تاریخی آن، دچار تغییر و تبدیل نشود.

#### نمای چوبی مسجد

استاد مظفر محبوب، درباره نمای چوبی مسجد که شامل در و پنجره‌های چوبی و مشبک‌های بالای آن است، چنین گفت:

این نمای چوبی، از چوب «جام» ساخته شده است و عمر آن، کاملاً مشخص نیست. سطح این چوب‌ها، در حدود ۵ تا ۷



ص: ۱۱۶

مرتبه، با رنگ روغن اندود شده، از این رو، برگرداندن سطح چوب‌ها به حالت نخست، کار بسیار مشکلی است. درباره لایه‌های ضخیم رنگ روغن روی چوب‌ها و باقی گذاردن یا برداشتن آنها، بررسی‌هایی صورت گرفته است و نظرهای متفاوتی وجود دارد. عده‌ای از ماهرترین نجاران، زیر نظر مهندس معمار حرم امیرمؤمنان علیه السلام برای گزینش بهترین راه حل، در تلاش هستند. در این میان، تاکنون بعضی پیشنهادها نیز آزمایش شده است؛ مثل برطرف نمودن لایه‌های رنگ که با وجود سعی فراوان برای این کار، نتیجه، چندان رضایت بخش نبوده، زیرا با این عمل، چوب‌های نما به شکل جدی آسیب می‌بینند.

راه حل دیگر آن بود که لایه‌های رنگ را به حال خود باقی بگذاریم و روی آنها را با لایه‌ای نازک از چوب ساج، به شکل و نقش فعلی نما، بپوشانیم که این راه حل نیز به خاطر وقت گیر بودن، مورد قبول واقع نشد. به هر حال، به جهت پیشینه تاریخی نمای چوبی مسجد و ظرافت و حساسیت بالای کار، هنوز تصمیم جدی‌ای در این باره نگرفته‌ایم؛ اما نمای چوبی مسجد از داخل، به صورت شکل‌هایی از چوب ساج و با نقش‌های اسلامی، کار خواهد شد؛ ان شاء الله.

مراحل بهره برداری

کار بازسازی و محکم کاری دیوارها و ستون‌های مسجد و اسکلت بندی آهنی دیوارهایی که تخریب یا کج شده‌اند، به پایان رسیده است و در ادامه کار، کف مسجد و قسمت پایین دیوارهای آن، با مرمر، سنگ خواهد شد؛ اما سطح عمده دیوارها و نیز سقف‌ها را باید با آجرنما و به سبکی که در آجرکاری دیوارهای خارجی مسجد عمل شده، نماکاری نماییم.

امید است که این مراحل نیز به سرعت و به بهترین و کامل‌ترین شکل، انجام گیرد و به پایان برسد.

آینده مسجد

مهندس محبوب در این باره، چنین گفت: طبق نظری که هیئت امنای مسجد دارند، قرار است که این مسجد برای نماز، زیارت و عبادت زائران، بازگشایی و مکان‌های تابستانی و زمستانی برای آن در نظر گرفته شود. درب اصلی مسجد به همین صورت، یعنی رو به روی «ایوان العلماء» که پشت به ضریح مقدس و سمت شمالی صحن شریف قرار دارد، باقی خواهد ماند. همچنین ورودی دوم مسجد که دیوار به دیوار ورودی «باب شیخ طوسی» است، هیچ تغییری نخواهد کرد.

مقبره‌های موجود در مسجد نیز «ان شاء الله» به شکل فعلی خود باقی می‌مانند و تابلوهایی با نام صاحبان قبرها، برای راهنمایی زائران، نصب می‌کنیم؛ تا رهگذران با خواندن فاتحه‌ای، برای آنان، از خداوند، طلب رحمت و مغفرت کنند.

علاوه بر این، تعدادی از قبرها سنگ قبر دارند و این موضوع، کار را برای زائران- در جهت شناخت صاحبان قبرها- آسان‌تر می‌کند و بدون شک، باقی گذاردن این قبرها در مسجد، به همین شکل، بی مانع است و مشکلی ایجاد نمی‌کند.

ص: ۱۱۷

. نام این مسجد، یادآور نام مردی است که به گفته مورخین، نذری کرد و وفای به آن نذر، در ساختن این بنای عظیم، تبلور یافت؛ بنایی که هم اکنون از جمله آثار ارزشمند و ماندگار مربوط به حرم مطهر علوی به شمار می‌آید.

. قرار است که این مسجد برای نماز، زیارت و عبادت زائران، بازگشایی و مکان‌های تابستانی و زمستانی برای آن در نظر گرفته شود. درب اصلی مسجد به همین صورت، یعنی رو به روی «ایوان العلماء» که پشت به ضریح مقدس و سمت شمالی صحن شریف قرار دارد، باقی خواهد ماند.

## ستارگان حرم علوی

عبدالرحیم اباذری

در صحن و ایوان حرم مطهر امیرمؤمنان علیه‌السلام، برخی از شخصیت‌ها، عالمان و فقهای برجسته شیعی به خاک سپرده شده‌اند که به هنگام زیارت آن آستان شریف، قرار گرفتن در جوار مزار این بزرگان و تلاوت قرآن و فاتحه به روح پر فتوح آنان، می‌تواند به نوعی سپاس از تلاش‌های شبانه روزی فقهای عظام باشد که در اعتلای مذهب شیعه و امت اسلامی تلاش کردند. در این نوشتار به معرفی چند تن از آنان می‌پردازیم.

علامه حلی

از ایوان طلایی حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و دری که به رواق علوی گشوده می‌شود، کمی به سمت راست، حجره‌ای به چشم می‌خورد که مقبره فقیه بزرگ، حسن بن یوسف، معروف به علامه حلی، در آن جا واقع است. وی در زمان اولجایتو، یکی از سرداران معروف مغول، در شهر حله سکونت داشت. شهرت علمی او در کاخ سلطانیه زنجان، به گوش اولجایتو رسید و او را به دربار فراخواند.

علامه حلی با بحثهای علمی، سردار مغول را به مذهب تشیع علاقه‌مند کرد و اندکی بعد، اولجایتو شیعه شد و نام «محمد خدابنده» را برای خود برگزید. فقیه بزرگ شیعه با نفوذ معنوی و علمی خویش در دربار مغول، فرهنگ تشیع را در سرتاسر ایران فراگیر ساخت و رسمی کرد. به همت او و به دستور محمد خدابنده، به نام دوازده امام معصوم علیهم‌السلام سکه زدند و خطبه به نام آن امامان علیهم‌السلام خوانده شد. او در اغلب مسافرت‌ها، ملازم سلطان بود و بدین ترتیب، مدرسه سیاری تشکیل داد و به هر شهری که وارد می‌شد، خیمه‌ای برپا می‌داشت و بساط درس و بحث علمی رامی‌گسترد و با رجال علمی آن دیار، به مناظره می‌پرداخت. نقش وی در گسترش و رسمیت یافتن تشیع در ایران، بر کسی پوشیده نیست. (۱)

علامه حلی در شب ۲۹ رمضان ۶۴۸ ق. در حله به دنیا آمد و در سن ۷۸ سالگی، شب ۱۱ محرم ۷۲۶ ق. وفات یافت. (۲)

مقدس اردبیلی

شیخ احمد، فرزند محمد، معروف به محقق یا مقدس اردبیلی از فقهای سترگ قرن دهم هجری به شمار می‌آید. او در عصر صفویه، مورد احترام همه بود؛ چنان‌که شاه عباس صفوی نامه‌ای به محضرش نوشت و از او خواست از نجف به ایران بیاید و مسئولیت شیخ الاسلامی را قبول کند؛ ولی آن فقیه بزرگ نپذیرفت. (۳)

در سالی که قحطی کشور را فرا گرفته بود، او همه آذوقه منزل را در میان فقرا تقسیم کرد و برای خود، سهمی به اندازه یک فقیر برداشت که این کار، مورد اعتراض همسرش واقع شد؛ اما مقدس اردبیلی چیزی نگفت و به مسجد کوفه رفت و

۱- امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۳۹۹.

۲- فوائد الرضویه، ص ۱۲۶.

۳- فوائد الرضویه، ص ۲۶.

ص: ۱۱۹

مشغول اعتکاف شد. روز دوم اعتکاف بود که مرد ناشناسی آمد، گندم و آذوقه فراوانی به منزل او آورد و به همسرش گفت: صاحب خانه اینها را فرستاده است. وقتی مقدس اردبیلی به خانه آمد و از ماجرا آگاه شد، فهمید که مورد لطف و مرحمت خداوند قرار گرفته است. (۱)

او علاوه بر تدریس و تعلیم و ترتیب شاگردان فاضل، آثار ارزشمندی مانند «مجمع الفائدۀ و البرهان»، «حدیقه الشیعه» و «زبده البیان»، به رشته تألیف درآورد و اکنون نظرات او در این آثار، مورد توجه فقها و اندیشمندان علوم اسلامی است. مقدس اردبیلی در ماه صفر ۹۹۳ ق. رحلت کرد و در سمت چپ ایوان حرم امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد. (۲)

شیخ مرتضی انصاری

شیخ انصاری یکی از فقهای سرشناس قرن سیزدهم هجری است. پس از رحلت صاحب جواهر وقتی مرجعیت و رهبری به وی رسید، وی این مسئولیت را به یکی از عالمان معاصرش، سید العلماء مازندرانی واگذار کرد؛ ولی او طی نامه‌ای؛ شیخ را سزاوارتر از خود برای قبول این مسئولیت معرفی کرد؛ سپس شیخ انصاری به حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شد و در این امر خطیر، از آن حضرت طلب یاری کرد. یکی از خادمان، چنین نقل می‌کند:

مثل هر روز، قبل از طلوع فجر، جهت روشن کردن چراغ‌های حرم به آن‌جا مشرف شدم؛ اما ناگهان صدای راز و نیاز و گریه‌ای را شنیدم؛ کنجکاو شدم تا ببینم این صدای جان سوز از آن کیست! چون جلو رفتم، دیدم شیخ مرتضی انصاری صورتش را به ضریح امیرالمؤمنین علیه السلام نهاده و مانند مادران جوان مرده، ناله می‌کند و از آن حضرت می‌خواهد تا در امر مرجعیت و رهبری مردم و ایفای این مسئولیت او را از لغزش‌ها در امان نگه داشته، یاری کند. (۳)

در زمان مرجعیت مطلق او، وجوه شرعی زیادی برای شیخ ارسال می‌شد و این در حالی بود که خانواده و نزدیکان شیخ در تنگ دستی و فقر به سر می‌برند. روزی مادر شیخ از وی خواست تا به برادرش، شیخ منصور که از عالمان بزرگ نجف بود، کمک مالی بیشتری کند. شیخ امتناع ورزید و گفت: برادرم با سایر مردم مساوی است و من نمی‌توانم او را بر دیگری ترجیح بدهم و به دنبال اصرار مادرش، کلید صندوق را به وی داد و گفت: هر چقدر می‌خواهی به شیخ منصور کمک کن؛ ولی در روز قیامت، خودت باید پاسخ‌گو باشی. مادر چون متوجه شد، از شیخ پوزش طلبید. (۴)

او در روز عید غدیر سال ۱۲۱۴ ق. در شهر دزفول متولد شد و در سن ۶۷ سالگی در روز هیجدهم جمادی الثانی سال ۱۲۸۱ ق. چشم از جهان فرو بست و در صحن حرم امام علی علیه السلام، حجره متصل به باب قبله، به خاک سپرده شد.

کتاب‌های «مکاسب» و «رسائل» از معروف‌ترین آثار این فقیه بزرگ هستند که هم اکنون از کتاب‌های درسی حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند.

میرزا حسین محدث نوری

۱- همان، ص ۲۳.

۲- همان، ص ۲۸.

۳- سیمای فرزنانگان، ص ۱۳.

۴- همان، ص ۴۲۷.

ص: ۱۲۰

او مؤلف کتاب ارزشمند «مستدرک الوسایل الشیعه» و از عالمان سرشناس جهان اسلام و تشیع به شمار می‌آید. یکی دیگر از آثار مهم وی، کتاب «لؤلؤ و مرجان» در شرح واقعه عاشورا و رد ابهام و خرافات از این حماسه تاریخی است. محدث نوری در این کتاب، ضمن شرح رخدادهای کربلا، از مداحان و منبریان درخواست می‌کند که هنگام گزارش و نقل حماسه حسینی، سه اصل راست گویی، درست گویی و اخلاق را فراموش نکنند. (۱)

او خود را به مراسم پیاده‌روی در زیارت کربلا-اهتمام ویژه داشت و از احیا کنندگان این مراسم به شمار می‌آید و تا آخر عمر شریف آن را ادامه داد؛ تا این که در راه بازگشت از آخرین سفر زیارتی کربلا، دچار کسالت و درد شد؛ ولی برای این که همراهان آزرده خاطر نشوند و لذت زیارت امام حسین علیه السلام بر کامشان تلخ نگردد، بیماری و درد خود را پنهان کرد و وقتی به نجف رسید، وضعیت جسمانی او وخیم تر شد.

محدث نوری که در هیجدهم شوال ۱۲۵۴ ق. در یکی از روستاهای نور به دنیا آمده بود، در شب چهارشنبه در سن ۶۶ سالگی، ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۰ ق. در نجف، چشم از جهان فرو بست و بنا به وصیت خودش، در یکی از ایوان‌های حرم امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد! (۲)

آخوند خراسانی

شیخ محمد کاظم فرزند ملاحسین هراتی، معروف به آخوند خراسانی، در سال ۱۲۵۵ ق. در مشهد متولد شد. وی پس از خواندن مقدمات در زادگاه خویش، به نجف رفت و از محضر شیخ انصاری و میرزای شیرازی و سید علی شوشتری و سید مهدی قزوینی استفاده کرد و به درجه اجتهاد رسید. (۳)

مرجعیت آخوند خراسانی با نهضت مشروطیت مصادف شد. او در شکل‌گیری و جلوگیری از انحراف مشروطیت، رهنمودها و بیانیه‌های زیادی مرقوم داشت و حتی در مرحله‌ای، حکم جهاد صادر کرد و طلاب و فضلاء ایرانی مقیم نجف را به حمایت از انقلاب مشروطه فراخواند. (۴)

او در جنگ جهانی اول وقتی کشور لیبی به اشغال سربازان ایتالیایی در آمد، پیام مهمی خطاب به مسلمانان جهان صادر کرد و برای آزادی این سرزمین اسلامی، همه را به دفاع دعوت کرد. (۵)

در سال ۱۳۲۸ ق. وقتی دولت روسیه به مجلس شورای ملی اولتیماتوم داد تا مستشار آمریکایی «مورگان شوستر» را از ایران اخراج کند، رئیس مجلس وقت، نامه‌ای به آخوند نوشت و از وی چاره جویی کرد و این در حالی بود که سربازان روسی تاشهر قزوین پیش روی کرده بودند. آخوند خراسانی وقتی از اشغال‌گری روس‌ها آگاه شد، به عنوان اعتراض، درس هایش را تعطیل کرد و پس از مشورت با عالمان دیگر، حکم جهاد بر ضد قوای روس صادر کرد؛ به طوری که بسیاری از علمای نجف آماده حرکت به سوی ایران شدند. (۶)

چهارشنبه ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۹ ق. قرار شد که آخوند خراسانی به همراه طلاب، عالمان و استادان حوزه نجف به مسجد

۱- گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۱۵.

۲- همان، ص ۴۱۸.

۳- گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۳۳.

۴- تاریخ مشروطه ایران، ص ۶۱۴-۶۱۸ و ۷۳۰.

۵- گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۴۲.

۶- همان، ص ۴۴۴.

ص: ۱۲۱

سهله بروند و پس از مراسم دعا برای پیروزی سپاه اسلام، از آنجا راهی ایران شوند. ناگهان نیمه شب سه شنبه، در حال نماز شب و راز و نیاز، حال آخوند وخیم شد و به صورت مشکوکی به ملکوت اعلی پیوست. بعضی معتقد بودند که وی به وسیله ایادی و جاسوسان روسی و انگلیسی، مسموم شد. جنازه این فقیه مجاهد، پس از تشییع، در یکی از حجره‌های صحن علوی، جنب مقبره میرزا حبیب الله رشتی، دفن شد. (۱)

سید محمد کاظم طباطبایی یزدی

وی مؤلف کتاب ارزشمند «عروۃ الوثقی» و یکی از مراجع بزرگ حوزه علمیه نجف در عصر مشروطیت بود. این فقیه توانا علاوه بر این که در نهضت مشروطه حضور فعالی داشت و همواره با رهبران این نهضت در ارتباط بود و رهنمود و بیانیه‌ای داد، در جنگ جهانی اول هم وقتی کشور عراق به اشغال قوای انگلیسی درآمد، فتوای جهاد صادر کرد و به تک تک سران عشایر و قبایل، نامه نوشت و مردم را بر ضد تجاوزگری و برای دفاع از حریم کشور، بسیج کرد. بدین ترتیب، تعداد زیادی از طلاب و عالمان و روحانیان به خط مقدم جبهه رفتند و با قوای انگلیسی جنگیدند و در همین نبرد بود که سید محمد فرزند آیه الله یزدی، به شهادت رسید. (۲)

او در سال ۱۲۴۸ ق. در یکی از روستاهای اطراف یزد دیده به جهان گشود و در شب سه شنبه ۲۸ رجب ۱۳۳۸ ق. به رحمت ایزدی پیوست. پیکر این عالم مجاهد در صحن حرم علوی، ایوان کبیر، پشت مسجد جامع عمران (عمران بن شاهین) پشت سر مبارک حضرت امیر علیه السلام در کنار مقبره فرزند شهیدش سید محمد، به خاک سپرده شد. (۳)

میرزای نایینی

شیخ محمد حسین نایینی فرزند میرزا عبدالرحیم، معروف به میرزای نایینی در سال ۱۲۷۷ ق. در شهر نایین متولد شد. او در هفده سالگی به حوزه اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد ابراهیم کلباسی، جهانگیرخان قشقایی و سید اسماعیل صدر استفاده کرد و بعد به نجف هجرت کرد و از محضر ملا حسینقلی همدانی، اخلاق و عرفان آموخت؛ سپس خود حوزه درسی تشکیل داد و شاگردان بسیاری، مانند سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، حجت کوه کمری، سید محمد هادی میلانی، شیخ محمد تقی آملی، سیدابوالقاسم خویی، میرزا هاشم آملی و ... (۴) را پرورش داد.

وی از رهبران فکری نهضت مشروطه بود و کتابی به نام «تنبيه الامه» نوشت و در آن با دلیل و برهان و استناد به آیات، روایات و عقل، ضرورت حاکمیت اسلامی، حکومت دینی و ولایت ولی فقیه جامع شرایط را به اثبات رساند و زندگی در حکومت‌های استبدادی و غیر دینی رامساوی با بردگی و یک نوع شرک خواند و پرده از چهره کربیه حکومت‌های غیرالهی برداشت. شهید مطهری در مورد این کتاب و دیدگاه‌های صاحب آن می‌نویسد: «انصاف این است که تفسیر دقیق از توحید عملی،

۱- سماک امانی، آخوند خراسانی، ص ۹۳.

۲- ر، ک: گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۴۷- / ۴۴۹.

۳- فوائد الرضویه، ص ۵۹۸.

۴- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۴۷ و ۵۴۸.

ص: ۱۲۲

اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچ کس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، مرحوم میرزا محمد حسین نایینی -/ قدس سره -/ توأم با استدلال‌ها و استشهادهای متقن از قرآن و نهج البلاغه در کتاب ذیقیمت تنبیه الامه بیان نکرده است». (۱)

وی در ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۵۵ ق. (۱۳۱۵ ش.) ندای حق را لیک گفت و در جنب حرم علوی، به خاک سپرده شد. (۲)

شیخ عباس قمی

درباره محدث بزرگ، شیخ عباس قمی معروف به محدث قمی، چنین آمده است: وی به کتاب و مطالعه بسیار علاقه‌مند بود و پولی که به دستش می‌رسید، با آن کتاب می‌خرید و مطالعه می‌کرد و حتی اگر لازم می‌شد و اطلاع پیدا می‌کرد و در تهران کتاب جدیدی به بازار آمده، برای خرید آن، به تهران می‌رفت و آن کتاب را می‌خرید و دوباره به قم باز می‌گشت؛ این در حالی بود که در فقر آشکار به سر می‌برد. وقتی در نجف ساکن و مشغول تحصیل و تحقیق بود، بعضی از ثروتمندان بمبئی هندوستان حاضر شدند هر ماه مبلغ ۷۵ روپیه به وی کمک کنند؛ در حالی که مخارج ماهانه او هر ماه، فقط مبلغ ۵۰ روپیه بود؛ ولی او نپذیرفت و به عزت نفس خویش ادامه داد و در برابر اعتراض فرزندش فرمود: من همین مقدار هم که خرج می‌کنم، نمی‌توانم جواب گوی آن در روز قیامت باشم.

شیخ عباس قمی شخصیتی بود که بیش از پنجاه اثر ماندگار تألیف کرد که تنها یک نمونه آن کتاب «مفاتیح الجنان» است. او پس از سال‌ها تلاش و کوشش در شب سه شنبه ۲۲ ذیحجه ۱۳۵۹ ق. در نجف به سوی معبود شتافت و در صحن حرم علوی، جنب مقبره استادش میرزا حسین نوری، به خاک سپرده شد. (۳)

شیخ محمد حسین غروی اصفهانی

شیخ محمد حسین، فرزند حاج محمد حسن معین التجار که بعدها به آیه الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی مشهور شد، در اصل از نخجوان آذربایجان است و اجداد وی اهل آن سرزمین بوده‌اند؛ ولی او در دوم محرم ۱۲۹۶ ق. در کاظمین به دنیا آمد. (۴)

وی در حوزه نجف از محضر آخوند خراسانی و میرزای نایینی بهره برد و به مقام عالی اجتهاد رسید. آیه الله غروی اصفهانی در اخلاق و عرفان از شاگردان سید احمد کربلایی و میرزا جواد آقا ملکی تبریزی شمرده می‌شد؛ چنان که نامه‌ها و توصیه‌های اخلاقی مرحوم ملکی به وی منتشر شده است. (۵)

آیه الله اصفهانی در حوزه نجف تدریس می‌کرد و شاگردان بسیاری را پرورش داد. آیه الله بروجردی، حجت، میلانی، علامه طباطبایی، بهجت، محمد علی اردوبادی از شاگردان او محسوب می‌شوند. (۶) شهید بزرگوار آیه الله مرتضی مطهری در توصیف او می‌نویسد: «حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی در تقوا و علم، منقولاً و معقولاً، یگانه بود ... و اندیشه‌اش هم اکنون جزء اندیشه‌های زنده‌ای است که در میان علما و فضیلاي حوزه‌های درس فقه و اصول، مطرح

۱- مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در یک صد ساله اخیر، ص ۴۲.

۲- گلشن ابرار، همان، ص ۵۵۲.

۳- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۷۱-۵۷۶.

۴- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۷۷.

۵- همان، ص ۵۸۰؛ رضا مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۲۳۸.

۶- گلشن ابرار، همان، ص ۵۸۲.





ص: ۱۲۳

است. (۱)

او روز دو شنبه پنجم ذیحجه ۱۳۶۱ ق. (۱۳۲۱ ش.) به رحمت ایزدی پیوست و پیکرش زیر ایوان طلائی حرم امیرالمؤمنین علیه السلام، جنب مناره شمالی و در کنار مقبره علامه حلی، به خاک سپرده شد. (۲)

سید ابوالحسن اصفهانی

او پس از رحلت سید محمد کاظم یزدی و میرزای نایینی و آخوند خراسانی به مرجعیت مطلق و رهبری دینی مردم رسید. وی در زندگی بسیار ساده و بی آرایش بود و با این که وجوه شرعی زیادی به دستش می‌رسید، ولی همچنان زاهدانه زندگی می‌کرد. اموال زیادی به وی هدیه کردند تا یک منزل شخصی برای خود خریداری کند؛ اما او همه را به فقرا و طلاب داده و خود تا آخر عمر، در منزل اجاره‌ای زندگی کرد.

سرانجام این مرجع مقتدر در سن ۸۱ سالگی، در شب نهم ذیحجه ۱۳۶۵ ق. به دیار حق شتافت و در صحن علوی، جنب مقبره آخوند خراسانی به خاک سپرده شد. (۳)

رحلت این فقیه محبوب، مصادف با اشغال آذر بایجان توسط قوای حزب کمونیست روسیه و توده‌ای‌ها و دمکرات‌ها بود. وقتی مردم خبر رحلت این مرجع تقلید را شنیدند، بی اختیار به کوچه‌ها و خیابان‌ها ریختند و چهل روز در مساجد و تکایا عزاداری کردند و معلوم شد که تبلیغات چهار ساله کمونیست‌ها بر ضد دین، مذهب و روحانیت، هیچ اثری نداشته است و مردم همچنان علاقه‌مند به این مذهب هستند و کمونیست‌ها جایگاهی در میان مردم ندارند.

در شرح حال وی نوشتند که پس از جنگ جهانی دوم، سفیر انگلستان از وی تقاضای دیدار خصوصی کرد؛ ولی او نپذیرفت و فرمود: سفیر هم مانند دیگران بیاید؛ سپس این دیدار به صورت عمومی انجام گرفت. سفیر پس از سلام و تعارف، مبلغ یک صد هزار دینار، معادل دو میلیون تومان تقدیم سید کرد و گفت: دولت انگلیس نذر کرده بود اگر در جنگ بر آلمان پیروز شد، مبلغی به نیازمندان کمک کند. آیه الله اصفهانی آن را در میان چشمان حیرت زده حاضران گرفت و پس از اندکی تأمل یک حواله صد هزار دیناری دیگری روی آن گذاشت و به سفیر داد و فرمود: در میان نیروهای انگلیسی، مسلمانان هندی زیادی کشته شدند و خانواده‌های آنان بی سرپرست هستند، شما از طرف من این مبلغ را در میان آنان تقسیم کنید. در این حال، سفیر که نقشه خود را بر آب دید، شرمسار از منزل سید خارج شد. (۴)

حاج آقا حسین طباطبایی قمی

مرجعیت این فقیه سترگ، مصادف با سلطنت و قلدری رضا خان پهلوی بود. او در حوزه علمیه مشهد و تحت لوای حرم علی بن موسی الرضا علیهما السلام، حضور پر نشاطی داشت. حاج آقا حسین قمی وقتی برنامه‌های ضد دینی رضا خان را مشاهده کرد، شجاعانه در مقابل او ایستاد و به عنوان اعتراض به سوی تهران حرکت کرد. مقاومت او سبب قیام مردم

۱- مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۱۷.

۲- گلشن ابرار، همان، ص ۵۸۴.

۳- ر، ک: گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۸۵.

۴- اصغری نژاد، سید ابوالحسن اصفهانی، ص ۶۱-۶۲.

ص: ۱۲۴

مشهد در مسجد گوهرشاد و سرانجام، توقیف و تبعید او به عراق و شهر کربلا شد.

پس از فرار رضاخان، وی دوباره به ایران بازگشت و در مشهد طی تلگرافی به دولت، خواستار لغو کشف حجاب، انحلال مدارس مختلط، برپایی نماز و تعلیم قرآن و درس دینی در مدارس دولتی و آزادی حوزه‌های علمیه و کاهش فشار اقتصادی بر مردم فقیر شد و دولت وقت را مجبور به اجرای آنها کرد.

وی پس از رحلت آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی، به مرجعیت عامه رسید و سرانجام در حالی که در ۲۸ رجب ۱۲۸۲ ق. متولد شده بود، در روز پنجشنبه ۱۴ ربیع الاول ۱۳۶۶ ق. و در سن ۸۴ سالگی به دیار حق شتافت و در مقبره شیخ الشریعه اصفهانی، واقع در صحن مطهر علوی، به خاک سپرده شد. (۱)

#### حاج آقا مصطفی خمینی

او فرزند بزرگ حضرت امام خمینی است و در سال ۱۳۰۹ ش. در شهر قم متولد شد. علوم اسلامی را در محضر بزرگان قم آموخت و یکی از شاگردان برجسته درس امام خمینی بود و در سن جوانی، به درجه رفیع اجتهاد نایل آمد. آثار و تألیفاتی که به قلم حاج آقا مصطفی تألیف و چاپ شده است، حکایت از علم، استعداد و نبوغ سرشار وی در فقه، اصول، تفسیر، فلسفه، رجال، اخلاق، عرفان و حتی علم هیئت دارد. اگر وی به شهادت نمی‌رسید، به یقین امروز یکی از شخصیت‌های کم نظیر حوزه به شمار می‌آمد. حاج آقا مصطفی در نهضت اسلامی ایران، نقش تعیین کننده‌ای داشت و در مراحل حساس و بحرانی، همواره مقاوم و استوار بود و جای خالی پدر را پر می‌کرد و پناهگاه طلاب، و فضلا و مردم ستم‌دیده بود و به همین خاطر، تحمل او برای ساواک و عوامل رژیم پهلوی، امکان‌پذیر نبود؛ از این رو، حاج آقا مصطفی نیز همراه پدر به ترکیه و عراق تبعید شد و سرانجام در شب یکشنبه اول آبان سال ۱۳۵۶ ش. در سن ۴۸ سالگی، وی به طرز مشکوکی مسموم و به شهادت رسید.

وقتی حضرت امام خمینی از این خبر تلخ آگاه شد، ضمن اظهار کلمه استرجاع (انا لله و انا الیه راجعون)، رحلت فرزندش را از الطاف خفیه الهی دانست؛ چنان که همین طور نیز شد و این رخداد تاریخی، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی شد و به روند نهضت سرعت بیشتر بخشید.

مردم و طلاب و روحانیون نجف، بیکر او را به کربلا آوردند، با آب فرات غسل دادند و در خیمه گاه حسینی کفن کردند و پس از طواف در حرمین شرفین، به نجف بازگرداندند و در آنجا نیز پس تشییع و طواف در صحن حرم علوی، وی را در کنار مقبره علامه حلی به خاک سپردند. (۲)

#### سید ابوالقاسم خویی

وی فرزند سید علی اکبر خویی از عالمان سرشناس آذربایجان است که پانزدهم رجب ۱۳۱۷ ق. در شهر خوی به دنیا آمد.

۱- ر، ک: پورامینی، حاج آقا حسین قمی، انشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

۲- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۷۴.

ص: ۱۲۵

مقدمات علوم اسلامی را در زادگاهش آموخت و بعد همراه پدر به نجف هجرت کرد و در محضر آیه الله شیخ الشریعه اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و میرزای نایینی، به کسب علوم اسلامی پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. وی سپس خود به تدریس در حوزه نجف مشغول شد و با شور و نشاط کم نظیر به تعلیم و تربیت شاگردان بی شمار همت گماشت؛ چنان که عالمانی چون شهید سید محمد باقر صدر، امام موسی صدر، آیه الله بهجت، سیستانی، ملکوتی، تبریزی، فضل الله، مغنیه، وحید خراسانی و موسوی اردبیلی، از شاگردان این فقیه سترگ محسوب می شوند.

آیه الله خویی، پس از رحلت آیه الله بروجردی در قم و آیه الله حکیم در نجف، به مرجعیت رسید و حوزه نجف را در مدت بیش از دو دهه، به طور مظلومانه اداره کرد. مرجعیت وی با دیکتاتوری صدام حسین در عراق مصادف شد و این مرجع بزرگ در حفظ و حراست از حوزه نجف در برابر او، بیشترین مصائب و دشواریها را متحمل شد.

آثار قلمی و علمی آیه الله خویی کم نظیر و مورد توجه فقیهان بزرگ و محافل علمی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها می باشد. کتاب‌های «معجم رجال الحدیث»، «مصباح الفقاهه»، «البيان فی تفسیر القرآن»، «المحاضرات» و «مصباح الاصول»، از آثار فقهی، اصولی، تفسیری و رجالی او هستند که توسط شاگردانش تدوین شده‌اند.

سرانجام وی در عصر روز شنبه هشتم صفر ۱۴۱۳ برابر با ۱۷ مرداد ۱۳۷۱ ش. در سن ۹۴ سالگی، چشم از جهان فرو بست. پیکر او در محیط خفقان آور حکومت بعثی صدام، به طور مظلومانه و غریبانه، تشییع و در مسجد خضراء، محل تدریسش، به خاک سپرده شد. (۱)

ص: ۱۲۶

. علامه حلی با بحثهای علمی، سردار مغول را به مذهب تشیع علاقه‌مند کرد و اندکی بعد، اولجایتو شیعه شد و نام «محمد خدابنده» را برای خود برگزید. فقیه بزرگ شیعه با نفوذ معنوی و علمی خویش در دربار مغول، فرهنگ تشیع را در سرتاسر ایران فراگیر ساخت و رسمی کرد

. مثل هر روز، قبل از طلوع فجر، جهت روشن کردن چراغ‌های حرم به آن‌جا مشرف شدم؛ اما ناگهان صدای راز و نیاز و گریه‌ای را شنیدم؛ کنجکاو شدم تا ببینم این صدای جان سوز از آن کیست! چون جلو رفتم، دیدم شیخ مرتضی انصاری صورتش را به ضریح امیرالمؤمنین علیه السلام نهاده و مانند مادران جوان مرده، ناله می‌کند و از آن حضرت می‌خواهد تا در

ص: ۱۲۷

امر مرجعیت و رهبری مردم و ایفای این مسئولیت او را از لغزش‌ها در امان نگه داشته، یاری کند.  
. حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی در تقوا و علم، منقولاً و معقولاً، یگانه بود ... و اندیشه‌اش هم اکنون جزء اندیشه‌های  
زنده‌ای است که در میان علما و فضیای حوزه‌های درس فقه و اصول، مطرح است

ص: ۱۲۸

سرزمین کربلا

عباس مشفق کاشانی

ساربانان، ز اشتران بگشای بار

لحظه‌ای ما را به حال خود گذار

این که بینی سرزمین کربلاست

خاک او آغشته با خون خداست

در حریم قدسی صحرای دوست

بشنو این گلبانگ، این آوای دوست

نی نوا، در نینوای راستین

مویه‌ها دارد ز نای اربعین

درد، جان‌سوز و فضای سینه تنگ

پای، ماند از شتاب واز درنگ

اشک می‌ریزد ز چشم کائنات

در عزای تشنه کامان فرات

ریختند این جا مگر خون حسین؟

سرور آزادگان نور دو عین

آن که پیش دشمنان سر خم نکرد

چهره از زخم سنان درهم نکرد

باخت جان، تا دفتر نیرنگ بست

لشکر بیداد را درهم شکست

گر فرات این جا چو دریا خون گریست

نی عجب، خورشید بر هامون گریست!

ص: ۱۲۹

بهانه برای گریستن

قادر طهماسبی (فرید)

ای بهترین بهانه برای گریستن

وی داغ جاودانه برای گریستن

با نام داغدار تو ای لاله بهشت

زیباست هر ترانه برای گریستن

نام تو در کشاکش دل‌های داغدار

رمزی است عاشقانه برای گریستن

در راه بازگشت به خود، عشق کاشته است

داغ تو را نشانه برای گریستن

بیدار کرد داغ تو وجدان خفته را

با موج تازیانه برای گریستن

در راه کربلای تو، هر لاله می‌دهد

ما را به کف بهانه برای گریستن

شش سوی لاله می‌دهد، ای چشم باز کن

راهی از این میانه برای گریستن

لبریز شو ز چشم من ای هر چه اشک من

تنگ است چشمخانه برای گریستن

آماده شو «فرید» به فتوای بازگشت

در خلوت شبانه برای گریستن



ص: ۱۳۰

جذبه مهر

جواد محدثی

جذبه مهر تو آورد مرا بار دگر  
غیر عشق تو نبوده است مرا کار دگر  
هر که رانیست به دل شور ولایت، برود  
بفروشد دل بی مهر به بازار دگر  
این دل سوخته و دیده گریان مرا  
نیست جز دست کریم تو خریدار دگر  
ای حسین! ای که بود مرقد تو کعبه عشق  
بر لبم نیست به جز یاد تو گفتار دگر  
من که عمری است که به درگاه تو سر می‌سایم  
نروم از در این خانه به دربار دگر  
زائر کوی حسینیم، خدایا میسند  
در ره عشق گزینیم جز او یار دگر

ص: ۱۳۱

کربلا، کعبه عشق

(تضمینی از غزل حافظ)

اصغر عرب (خرد)

لاله گون دشت غم از خون خدا می بینم

این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم

عجیبی نیست که شد کرب و بلا کعبه عشق

در خرابات مغان نور خدا می بینم

ملک الحاج، تو در خانه و من کرب و بلا

خانه می بینی و من خانه خدا می بینم

کوی جان بازی و عشق است که خاک در او

قبله حاجت و محراب دعا می بینم

ای حسین! آن چه ز کار تو شده عالم گیر

یا که گویم که در این پرده چه ها می بینم

اثرات جهش و جنبش تو در دنیا

فکر دور است همانا که خطا می بینم

دین و آزادی و مردی اگر امروز به جاست

این همه از نظر لطف شما می بینم

بوی خون است ز جانبازی مردان خدا

آن چه من هر سحر از باد صبا می بینم

منتظر باش رسد منتقم دادستان

که من این مسئله بی چون و چرا می بینم

ص: ۱۳۲

میهمان آستان حسین علیه‌السلام  
 حسان (حبیب الله چایچیان)  
 سایه مرحمت خویش فکندی به سرم  
 کردی از شدت رأفت به محبت نظرم  
 من آلوده کجا، آن حرم قدس کجا؟  
 ای که خاک قدم زائر تو، تاج سرم  
 من که عمری است خجالت زده از لطف توأم  
 کرده این دعوت ناگاه تو، شرمنده ترم  
 جز حریم تو که آن جاست خطا شوی بشر  
 این همه بار گنه را به کجا من ببرم؟  
 رأفت عام تو هر دم طلبد زائر را  
 چون که مشمول عطای تو، نه من یک نفرم  
 نعمت سفره احسان تو کی گردد کم  
 سائلی گر ببرد بهره از این خوان کرم  
 آمدم باز اماما به در خانه تو  
 دعوتم کردی و مهمان تو در این سفرم  
 همچو «حافظ» به حضور تو «حسان» می گوید:  
 «من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم»؟

ص: ۱۳۳

کعبه عشق

سید رضا مؤید

ای کربلای کعبه عشق و امیدم  
بعد از جدایی‌ها به دیدارت رسیدم  
هر روز دیدم کربلای تازه‌ای را  
ای کربلا، تا بر سر کویت رسیدم  
منزل به منزل داغ بر داغم فزون شد  
جان کنده‌ام تا رخت در این‌جا کشیدم  
از بهر انجام رسالت زنده ماندم  
گر زنده‌ام من، زنده هر دم شهیدم

ص: ۱۳۴

حادثه سرخ زمان

عباسعلی هجر

مأذن گلبانگ بلا، کربلا

مشهد شاه شهدا، کربلا

حادثه سرخ زمان در زمین

رایحه سبز رها، کربلا

هقِ هقِ پیچیده به گوش فلک

جاری فریاد رسا، کربلا

مقتل هفتاد و دو خورشید عشق

گرم دل از خون خدا، کربلا

مشعل اندیشه فرداییان

مهبط انوار هُدی، کربلا

انجمن انجم آفاق نور

جلوه گه مهر و ولا، کربلا

کعبه دل، مروه سعی و صفا

قبله جان، کوی وفا، کربلا

زمزم آغشته به خون، علقمه

نشئه گلزار بقا، کربلا

از برکات یدِ بوفاضلی

تا به خدا دست دعا، کربلا

مشعله مشتعل انقلاب

جبهه خون، سنگر لا، کربلا

خاکِ به گردون ز شرف برشده

کرب و بلا، کرب و بلا، کربلا

ص: ۱۳۵

## گزارشی از سفر ابن جبیر به عراق

احمد نبوی

ابوالحسن محمد بن احمد بن جُبیر کنانی، معروف به ابن جُبیر، شاعر، ادیب، فقیه و سیاح عرب، متولد سال ۵۴۰ ق. در بلنسیه (والنسیا)، در شاطبه (خاتیوا) فقه آموخت و سه بار به مشرق سفر کرد و علاوه بر زیارت خانه خدا و شهرهایی که در راه اسپانیا به مکه است، از شهرهای مدینه، کوفه، بغداد، موصل، حلب و دمشق را دیدن کرد و از عکا به صقلیه (سیسیل) و قرطاجنه رفت و در سفر آخر به اسکندریه، در سال ۶۱۴ ق. درگذشت. وی در توصیف جزئیات، با نثری زیبا که سجعی لطیف و هنرمندانه نیز دارد، یادگاری پر بار از خود به جای نهاد؛ به گونه‌ای آن را می‌توان یکی از سفرنامه‌های زیبا و جاودانه به شمار آورد. سفرنامه ابن جبیر، توسط مترجم سخت‌کوش، آقای پرویز اتابکی به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۳۷۰ ش. از سوی انتشارات آستان قدس رضوی منتشر گردید. این نوشتار، برشی از قطعات جذاب این سفرنامه است.

بی‌شک، این بریده، شما را از مطالعه تمام اثر، بی‌نیاز نمی‌کند.

ورود به کوفه

نیمه شب جمعه بیست و هشتم محرم یاد شده، به حرکت درآمدیم و بر قادسیه گذشتیم که آبادی بزرگی است و نخلستان‌های بسیار دارد و شاخه‌هایی از آب فرات آن را مشروب می‌کند و صبح، به نجف درآمدیم که پشت کوفه واقع است و گویی مرز بین کوفه و صحراست و زمینی است سخت و گسترده و دل باز که چشم را از گستردگی و نیکی خود می‌نوازد. ما هنگام طلوع آفتاب روز جمعه یاد شده، به کوفه رسیدیم و خدای را سپاس بر نعمت سلامتی که به ما ارزانی داشت.

کوفه شهری است بزرگ و کهن ساز که ویرانی بسیار بر آن دست یافته و (اکنون) ویرانه‌هایش بیش از آبادی‌های آن است.

یکی از اسباب ویرانی کوفه، وجود قبیله خفاجه در همسایگی آن شهر است که همواره بدان گزند رسانند و همین بس که به توالی روزها و شب‌ها، بدان شهر در آیند و آن را غارت و ویران کنند. ساختمان‌های این شهر، به ویژه آجری است و شهر دیوار ندارد.

مسجد کوفه

مسجد جامع کهنه، در انتهای شرقی شهر است و از سوی شرق، هیچ ساختمانی بدان مسجد که بسیار بزرگ است، پیوسته نباشد. این مسجد در سمت قبله، پنج رواق و در دیگر جوانب هر یک دو رواق دارد و این رواق‌ها را ستون‌های سنگی سخت تراش خورده‌ای است که قطعه بر قطعه بر روی هم نهاده شده و با سرب به هم پیوسته است؛ ولی طاق‌هایی بر آن صفت که در مورد مسجد پیامبر خدا صلی‌الله و علیه و آله (در مدینه) ذکر کردیم، ندارد.

این ستون‌ها را بسیار بلند افراشته و (مستقیماً) به سقف مسجد پیوسته‌اند؛ چنان که دیدگان از فزونی بلندای آنها به حیرت می‌افتد و من در زمین، مسجدی با ستون‌هایی بلندتر و سقفی افراشته‌تر از آن مسجد ندیدم. این مسجد گرمی را آثاری

ص: ۱۳۶

ارجمند است؛ از جمله اتاقی به محاذات محراب در سمت راست کسی که روی به قله بایستد و گویند: مصلای ابراهیم صلی الله علیه بوده و بر آن پوششی سیاه افکنده‌اند که محفوظ ماند. از همان اتاق است که خطیب- که جامه‌ای سیاه می‌پوشد- برای ایراد خطبه، بیرون آید و مردم برای نمازگزاری در این جایگاه مبارک، ازدحام کنند. نزدیک آن (اتاق) در سمت راست نسبت به قبله، محرابی است که با ستون‌های ساج برآورده‌اند و از کف رواق بالاتر است؛ چنان که گویی (خود) مسجدی است کوچک و همان محراب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است رضی‌الله عنه در آن جایگاه بوده که شقاوت پیشه ملعون، عبدالرحمن بن ملجم، آن حضرت را به شمشیر زده است. مردم در آن جا، همراه با دعا و ندبه و

زاری، نماز می‌گزارند. در گوشه‌ای دیگر از آن رواق جنوبی، پیوسته به آخر رواق غربی نیز مسجد گونه‌ای کوچک با ستون‌هایی از چوب ساج قرار دارد که جایگاه فوران آب از تنوری است که نشانه و آیتی برای نوح علیه السلام بوده و پشت آن، در بیرون مسجد، خانه‌ای است که وی در آن می‌زیسته و پشت آن خانه دیگری است که گویند: عبادتگاه ادريس صلی الله علیه و سلم بوده و پیوسته به این دو خانه، فضایی چسبیده به دیوار جنوبی مسجد واقع است که گویند: محل ساختن کشتی (نوح) بوده است. در انتهای این فضا، خانه علی بن ابی طالب رضی الله عنه و اتاقی هست که او رادر آن غسل داده‌اند و پیوسته به آن خانه‌ای است که گویند: خانه دختر نوح صلی الله علیه و سلم بوده. ما شرح این آثار و بقایای گرامی را از زبان پیران شهر (کوفه) شنیدیم و چنان که ایشان گفتند، به قید نگارش در آوردیم و خدا، خود بر صحت تمام این مطالب آگاه‌تر است.

در سمت شرقی مسجد جامع، خانه‌ای است کوچک که در آن، قبر مسلم بن عقیل بن ابی طالب رضی الله عنه قرار دارد و در جنوب شرقی مسجد، با فاصله‌ای اندک از آن خانه، سقاخانه‌ای بزرگ از آب فرات تعبیه کرده‌اند که سه حوض بزرگ دارد. مزار امیرمؤمنان علیه السلام

در یک فرسنگی غرب شهر مزاری گران قدر، منسوب به علی بن ابی طالب رضی الله عنه هست که ناقه حامل پیکر بی‌جان آن حضرت، در آن جا بر زمین نشسته و گویند: قبر حضرتش همان جاست و خدا به صحت این سخن آگاه‌تر است. در این زیارتگاه- چنان که به ما گفتند- ساختمانی است با شکوه، ما خود به سبب آن که هنگام درنگ در کوفه وقتی چندان فراخ نداشتیم و جز شب شنبه در آن شهر نخفتیم و صبح بعد، از آن شهر روانه شدیم، نتوانستیم آن مزار را به عیان ببینیم.

شهر حله

نزدیک ظهر بر نهر منسرب، از شاخه‌های جدا شده از فرات، فرود آمدیم. فرات از سمت شرقی کوفه به اندازه نیم فرسخ

ص: ۱۳۷

فاصله دارد و سمت شرقی تمام نخلستان‌هایی است که سواد به سواد شهر پیوسته و تا آن جا که چشم به دید می‌آرد، امتداد دارد. ما از آن جا نیز روانه شدیم و شب یک شنبه آغاز ما محرم، نزدیک حله خفتیم و سپس روز یکشنبه مذکور، بدان شهر در آمدیم. حله، شهری است کهن بنیان و مستطیل گونه که از دیوار آن جز کمانی‌های گسیخته از دیوار گلین مدور قدیم، بر جای نمانده. این شهر بر کناره فرات است و از سوی شرق، بدان پیوسته و موازی با طول نهر فرات، امتداد دارد. حله را بازارهایی است با رونق؛ شامل تمام مؤسسات شهری و صنایع و حرفه‌های ضرور؛ شهری است قوی بنیان و آباد و پرجمعیت که نخلستان‌های درون و برون آن به هم پیوسته و خانه‌های شهری در میان نخلستان‌ها واقع شده است. ما در آن شهر، پلی بزرگ را مشاهده کردیم که بر پایه‌هایی عظیم، نصب شده بود و کناره‌ای را به کناره دیگر می‌پیوست و در دو کناره آن، زنجیرهایی آهنین، چون بازوان پیچیده استخوان و سستبر، کشیده شده بود که به چوب‌هایی که بر روی هر دو کناره، استوار کرده بودند پیوسته و نشانه توان‌مندی و قدرت تحمل (آن پل) بود.

رود فرات

این رود که چون نام خود، فرات (بسیار گوارا) است از پاکیزه‌ترین و سبک‌ترین آب‌هاست و رودی است بزرگ که کشتی‌ها بر روی آن به بالا دست و پایین دست، حرکت کنند.

مدائن

و شبانگاه به روستایی معروف به زیران رسیدیم. این روستا از بهترین و زیباترین و خوش منظره‌ترین و پهناورترین آبادی‌های روی زمین است که وسیع‌تر از دیگر روستاها و آبادی‌ها طرح ریزی شده و از همه نظایر خود، بوستان و گل و گیاه و نخلستان، بیشتر دارد. در این روستا، بازاری هست که بازارهای پررونق شهری در پیش آن کوچک و حقیر می‌نماید. در نیکویی موضع این آبادی، همین بس که دجله بخش شرقی و فرات بخش غربی، آن را سیراب می‌کند و آن آبادی چون عروسی در میان این دو رود، به جلوه‌گری آراسته و گستره‌ها و روستاها و کشتزارها بین این دو رود گران‌قدر پر برکت، به هم پیوسته است. از (نشانه‌های) شرف این آبادی، یکی آن که در برابر آن، از سوی شرق، ایوان کسری قرار دارد در محاذات آن، به سمت چپ، شهر مداین او (کسری) واقع شده و آن ایوان، ساختمانی است سر به هوا کشیده و بسیار سپید که از کاخ‌های آن، جز بخشی باقی نمانده است. ما آن ایوان بلند آستان را از فاصله یک میلی، درخشان و تابان دیدیم؛ اما شهر مداین اینک ویران است. ماسح‌گاه روز چهارشنبه سوم صفر، بر آن شهر گذشتیم و از درازا و گستردگی آن (شهر)، منظره‌ای شگفت آور دیدیم. نیز از فضیلت‌های این آبادی آن است که در شرق آن به اندازه نیم فرسنگ، مزار سلمان فارسی رضی الله عنه قرار دارد و این ناحیه جز به سبب فضل خاک خود، به فضیلت دفن چنان فرخنده پیکری



ص: ۱۳۸

پاک، اختصاص نیافته است.

آبادی مذکور بر ساحل دجله واقع شده و دجله، میان این آبادی و آن مزار مبارک آثار، قرار گرفته است. کوفه شهری است بزرگ و کهن ساز که ویرانی بسیار بر آن دست یافته و (اکنون) ویرانه‌هایش بیش از آبادی‌های آن است. یکی از اسباب ویرانی کوفه، وجود قبیله خفاجه در همسایگی آن شهر است که همواره بدان گزند رسانند و همین بس که به توالی روزها و شب‌ها، بدان شهر در آیند و آن را غارت و ویران کنند. ساختمان‌های این شهر، به ویژه آجری است و شهر دیوار ندارد. پیوسته به آخر رواق غربی نیز مسجد گونه‌ای کوچک باستون‌هایی از چوب ساج قرار دارد که جایگاه فوران آب از تنوری است که نشانه و آیتی برای نوح علیه السلام بوده و پشت آن، در بیرون مسجد، خانه‌ای است که وی در آن می‌زیسته و پشت آن خانه دیگری است که گویند: عبادتگاه ادریس صلی الله علیه و سلم بوده و پیوسته به این دو خانه، فضایی چسبیده به دیوار جنوبی مسجد واقع است که گویند: محل ساختن کشتی (نوح) بوده است.

## کتاب‌شناسی زیارت

کتاب‌شناسی زیارت، سید رضا باقریان موحد، نشر مشعر، تهران ۱۳۸۷، ۴۰۰ صفحه، رقعی.

## ۱. اهمیت موضوع کتاب

در تمامی ادیان الهی، آموزه‌های تأثیرگذار و مهمی با عنوان «زیارت»، «توسل» و «ارتباط با انسان‌های بزرگ و اسوه» وجود داشته که نقشی اساسی در تربیت معنوی و رشد اخلاقی جوامع ایفا می‌کنند.

تمامی انبیا و اولیای الهی، در انجام این آموزه‌های دینی، کوشا بودند و پیروان خود را به انجام آنها تشویق و ترغیب می‌کردند. به جرأت می‌توان گفت که در بین ادیان الهی، بیشترین توجه به زیارت، در دین اسلام وجود دارد و در بین مذاهب مختلف اسلامی نیز هیچ مذهب و مکتبی به اندازه مذهب شیعه، در این زمینه برنامه ندارد و از مناسبت‌ها و فرصت‌ها در جهت ساختن روح‌های بزرگ و تربیت انسان‌های پاک، استفاده نکرده است.

گواه این سخن، تألیف صدها کتاب ارزشمند با عناوینی چون «زیارت»، «مزارات» و «توسلات» در ادیان اسلامی و به ویژه در ادبیات تشیع است که در دیگر مکاتب و مذاهب، به این وسعت - هم از نظر کمیت و هم کیفیت - وجود ندارد.

خوشبختانه با وجود شبهات ایجاد شده و دشمنی‌های ناآگاهانه برخی مخالفان اندیشه‌های دینی، امروزه فرهنگ زیارت‌پژوهی و زیارت‌نامه‌خوانی در جوامع بشری، رواج بیشتری یافته است؛ گرچه هنوز آن چنان که شایسته این آموزه دینی است، تحقیقات و پژوهش‌های علمی صورت نگرفته و جای تألیفات زیارت‌پژوهی، هم چنان خالی است.

## ۲. اهداف کتاب حاضر

کتاب‌شناسی زیارت در راستای غبارزدایی از میراث پیشینیان و احیای گنجینه‌های علمی در قلمرو زیارت، منتشر شده است و امید است که انتشار آن، روزنه جدیدی را با عنوان «زیارت‌پژوهی در قلمرو تحقیقات علوم انسانی» بگشاید و دیده محققان و پژوهش‌گران جوان را به جمال گنجینه‌های زیارتی روشن نماید.

هدف این کتاب، آن است که زمینه تحقیقات و پژوهش‌هایی عالمانه در قلمرو زیارت و مفاهیم مرتبط با آن را آماده نماید و سیمای کلی زیارت‌پژوهی در قرن‌های گذشته را فراروی خوانندگان قرار دهد.

## ۳. پیشینه کتاب‌شناسی زیارت

به نظر می‌رسد که این مجموعه، اولین کار مستقل درباره معرفی کتاب‌های زیارتی باشد.

با این حال، در مقدمه ارزشمند «موسوعه زیارت المعصومین» که به همت آقای سید هادی رفیعی منتشر شده، فهرستی از مهم‌ترین کتاب‌ها، رساله‌ها و نسخه‌های زیارتی آمده است که مجموعه‌ای از اطلاعات پرارزش را فراهم نموده است.

همچنین در بخش پایانی کتاب «زیارت»، اثر سید محمد حسینی، شماری از آثار پیشینیان در این باره، معرفی شده‌اند.

## ۴. معرفی کتاب‌شناسی زیارت

ص: ۱۴۰

در این مجموعه، مهم‌ترین آثار فارسی و عربی، پیرامون زیارت در دنیای اسلام- به ویژه در ایران- به ترتیب حروف الفبا، معرفی توصیفی شده‌اند. این کتاب، به پرسش‌های زیر پاسخ داده است:

۱. مهم‌ترین کتاب‌هایی که درباره زیارت و دیگر مفاهیم مربوط به آن- مانند مزار، زیارتگاه، توسل و شفاعت- به زبان فارسی یا عربی، نوشته یا ترجمه شده‌اند، کدامند؟

۲. محتوا و موضوع اصلی این آثار چیست؟

۳. ویژگی و امتیازهای این نوشته‌ها در چیست؟

به دیگر سخن، در این مجموعه، گزارشی از موضوع و محتوای مهم‌ترین کتاب‌های زیارتی- از کامل‌الزیارات ابن قولویه در قرن چهارم تا فرهنگ زیارت استاد جواد محدثی در عصر حاضر- به طور مختصر و با زبانی ساده و روان، آمده است.

۵. ساختار فنی کتاب‌شناسی زیارت

۱. این کتاب‌شناسی، جامع نیست؛ بلکه گزیده است و در آن، حدود یکصد کتاب مهم درباره زیارت و موضوعات مربوط به آن، گزیده و معرفی شده‌اند.

۲. این کتاب‌شناسی، توصیفی است؛ نه تحلیلی- انتقادی و در معرفی هر کتاب، بیشتر به توصیف محتوای آن پرداخته شده و از تحلیل انتقادی، پرهیز شده است.

۳. موضوع اصلی، مفهوم زیارت و زیارت‌نامه‌ها در اسلام است؛ اما به موضوعات مربوط به زیارت، همچون مزارات، زیارتگاه‌ها و ... نیز پرداخته شده است.

۴. زبان این کتاب‌شناسی، فارسی و عربی است و تنها کتاب‌هایی معرفی شده‌اند که زبان آنها فارسی یا عربی است.

۵. بیشتر کتاب‌های این مجموعه، در ایران نوشته، ترجمه و منتشر شده‌اند؛ اما در بخش غیر توصیفی، برخی کتاب‌های چاپ بیروت، قاهره و بغداد نیز آمده‌اند.

۶. مجموعه حاضر، کتاب‌شناسی زیارت است؛ نه مأخذشناسی زیارت. این کتاب، مشتمل بر معرفی کتاب‌هایی است که درباره زیارت نوشته شده‌اند؛ نه مقاله‌های مربوط به زیارت که در کتاب‌های تفسیری، حدیثی و ... یا در نشریات و روزنامه‌ها و یا پایان‌نامه‌های دانشجویی به چاپ رسیده‌اند.

۶. معیار انتخاب کتاب‌ها

مهم‌ترین معیارهای نویسنده این مجموعه، برای انتخاب کتاب‌ها عبارتند از:

الف) قدمت آنها؛ مانند کامل‌الزیارات ابن قولویه قمی (قرن چهارم).

ب) تأثیرگذاری آنها؛ مانند آثار زیارتی علامه مجلسی.

ج) مرجع بودن آنها؛ مانند کامل‌الزیارات و مزار شهید اول.

د) اعتبار آنها؛ مانند آثار شیخ مفید، علامه مجلسی و موسوعه زیارات المعصومین.

ص: ۱۴۱

ه) ابتکاری بودن موضوع و قالب و نحوه بیان آنها؛ مانند فرهنگ زیارت استاد جواد محدثی.

۷. بخش‌های این کتاب

این مجموعه در دو بخش زیر تنظیم شده است:

۱. کتاب‌شناسی زیارت؛ در این بخش، در ابتدا مهم‌ترین کتاب‌های زیارتی معرفی و توصیف محتوایی شده، سپس آماری از کتاب‌های چاپ شده در موضوع زیارت، در پایان آن، آمده است.

۲. نسخه‌شناسی زیارت؛ در این بخش، فهرستی از نسخه‌های خطی زیارت از مجموعه ارزشمند معرفی میراث مخطوط که به همت استاد سید احمد حسینی اشکوری و سید صادق حسینی اشکوری، منتشر می‌شود و همچنین فهرستی از نسخه‌های خطی معرفی شده در مقدمه موسوعه زیارات المعصومین آمده است.

در معرفی کتاب‌ها، سعی شده که دورنمایی از محتوای آنها ارائه شود و از تحلیل و نقد دیدگاه‌ها، خودداری شود.

۸. کاستی‌های کتاب

۱. همان‌طور که در مقدمه مؤلف نیز آمده، این کتاب بر اساس عنوان کتاب‌ها از حرف الف تا یاء تنظیم شده، نه تاریخ تألیف آثار و یا اسامی مؤلفان، و شایسته بود که مؤلف در ابتدای کتاب، تاریخچه مختصری از زیارت‌پژوهی در اسلام - به ویژه در مذهب تشیع - را می‌گنجاند؛ تا خواننده کتاب، در ابتدا تاریخ زیارت‌پژوهی از آغاز تا عصر حاضر را مطالعه می‌کرد؛ سپس با مهم‌ترین آنها آشنا می‌شد.

در این کتاب، ابتدا کتاب «آثار اسلامی مکه و مدینه» که از تحقیقات تاریخی درباره زیارتگاه‌های اسلامی است، معرفی شده، سپس کتاب مهم «کامل الزیارات» که از نخستین کتاب‌های زیارت‌پژوهی محسوب می‌شود، در بخش‌های پایانی کتاب، معرفی می‌شود و این عدم تنظیم تاریخی در معرفی کتاب‌ها، از نقایص جدی این کتاب محسوب می‌شود.

۲. یکی دیگر از اشکالاتی که به واسطه تنظیم کتاب بر اساس الفبای نام کتاب‌ها پدید آمده، این است که کارنامه علمی نویسندگان زیارت‌پژوه، همچون علامه مجلسی، در کنار هم نیامده و به طور پراکنده، در سراسر کتاب پخش شده است و این امر، سبب می‌شود که عظمت کارهای علمی یک پژوهش‌گر، برای خوانندگان روشن نباشد و پراکنده جلوه کند.

۳. از آن‌جا که این اثر، در مدت چهار ماه فراهم آمد و قرار بود که در هم‌اندیشی زیارت ارائه شود، کتاب‌های ارزشمندی از دید مؤلف کتاب پنهان ماند و یا وی امکان دسترسی به آنها را نیافت که جای آنها در این کتاب خالی است و امید است که این کمبود، در چاپ‌های بعدی از سوی مؤلف، جبران شود.

۴. مؤلف در مقدمه کتاب آورده است که موضوع اصلی کتاب، زیارت و زیارت‌نامه است و مفاهیمی همچون مزارات، زیارتگاه‌های اسلامی، توسل، شفاعت و ... در حاشیه بحث اصلی مطرح شده‌اند.

از این رو، شایسته بود که در قالب نمایه‌ای موضوعی، کتاب‌های مربوط به هر کدام از این سرفصل‌ها، به طور جداگانه و مستقل، معرفی شوند؛ تا پرونده علمی هر کدام از این موضوعات، به صورت جداگانه مشخص می‌شد.

ص: ۱۴۲

۹. پیشنهادهایی برای رفع کاستی‌های کتاب

۱. نوشتن مقدمه‌ای مختصر با عنوان تاریخچه زیارت‌پژوهی در تاریخ شیعه که در آن، سیر تاریخی و فراز و فرودهای زیارت‌پژوهی از صدر اسلام تا عصر حاضر، بررسی شده باشد.

۲. کتاب حاضر، دارای دو نمایه کتاب‌ها و نویسندگان آنهاست و بهتر است که نمایه‌های دیگری نیز به منظور رفع کاستی‌های کتاب و بهره‌برداری هر چه بیشتر، به کتاب اضافه شود؛ مانند نمایه کتاب‌ها بر حسب تاریخ تألیف، نمایه کتاب‌ها بر حسب موضوع اصلی و فرعی کتاب، نمایه نویسندگان بر حسب تاریخ تولد یا فوت و نمایه نویسندگان بر حسب موضوع کتاب‌هایشان.

۳. معرفی و توصیف کتاب‌های جدیدی که در این کتاب معرفی نشده‌اند.

۱۰. نکته پایانی

همان‌طور که نویسنده کتاب در مقدمه ذکر کرده، در این مجموعه، معرفی کتاب‌های زیارتی آمده است؛ نه معرفی مقالات و پایان‌نامه‌های زیارتی.

از این رو لازم است که مأخذشناسی جامع و کاملی از موضوعات مربوط به زیارت، مشتمل بر معرفی کتاب‌های زیارتی، مقالات و پایان‌نامه‌های زیارتی انجام گیرد؛ تا حق این آموزه مهم دینی، آن‌طور که شایسته آن است، ادا شود.

سوتیتر:

۱. در این مجموعه، مهم‌ترین آثار فارسی و عربی، پیرامون زیارت در دنیای اسلام- به ویژه در ایران- به ترتیب حروف الفبا، معرفی توصیفی شده‌اند.

۲. این کتاب بر اساس عنوان کتاب‌ها از حرف الف تا یاء تنظیم شده، نه تاریخ تألیف آثار و یا اسامی مؤلفان، و شایسته بود که مؤلف در ابتدای کتاب، تاریخچه مختصری از زیارت‌پژوهی در اسلام- به ویژه در مذهب تشیع- را می‌گنجاند؛ تا خواننده کتاب، در ابتدا تاریخ زیارت‌پژوهی از آغاز تا عصر حاضر را مطالعه می‌کرد؛ سپس با مهم‌ترین آنها آشنا می‌شد

ص: ۱۴۳

کشته‌شدگان حملات تروریستی عتبات عالیات شهید محسوب شدند

مدیر کل پذیرش و امور اداری بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: براساس بخشنامه جدید بنیاد شهید و امور ایثارگران، کشته‌شدگان حملات تروریستی عتبات عالیات شهید محسوب شدند.

سیدحسین آسیابان به خبرگزاری فارس گفت: براساس بخشنامه جدید بنیاد شهید و امور ایثارگران، کشته‌شدگان حادثه‌های بمب‌گذاری در عتبات عالیات، شهید و زخمی‌شدگان این حوادث جانباز محسوب می‌شوند.

وی ادامه داد: افرادی که مشمول این بخشنامه می‌شوند که از سوی سازمان حج و زیارت به عتبات عالیات مشرف شده باشند.

آسیابان اظهار داشت: اسامی افراد مشمول این طرح از سوی سازمان حج و زیارت به بنیاد شهید و امور ایثارگران ارائه خواهد شد تا پرونده آن‌ها تشکیل شود.

وی افزود: از نماینده سازمان حج و زیارت دعوت کرده‌ایم تا برای برنامه ریزی جهت اجرای این بخشنامه جدید، هماهنگی‌های لازم انجام شود.

مدیر کل پذیرش و امور اداری بنیاد شهید و امور ایثارگران تأکید کرد: بنیاد شهید و امور ایثارگران تنها به مواردی رسیدگی می‌کند که اسامی آن‌ها از سوی سازمان حج و زیارت اعلام شود.

آغاز فعالیت شبکه تلویزیونی آستان حسینی در ماه محرم

مدیر شبکه تلویزیونی کربلا اعلام کرد: این شبکه، اولین برنامه‌های خود را از آستان حسینی، روز پنجم ماه محرم سال ۱۴۳۰ آغاز خواهد کرد.

مهندس حیدر جلوخان گفت: پخش مستقیم این شبکه، از روز پنجم ماه محرم به مدت شش روز آغاز خواهد شد و مراسم عزاداری در صحن مطهر را به صورت زنده پخش خواهد نمود و پس از عاشورا، پخش شبکه، متوقف خواهد شد؛ تا اقدامات لازم برای از سرگیری پخش صورت گیرد.

جلوخان افزود: شبکه تلویزیونی کربلا- برنامه‌های خود را از شهر کربلای معلی و از داخل آستان حسینی پخش خواهد کرد و فرکانس شبکه نیز توسط شرکت (۱) در کشور امارات، برای خدمت به امام حسین علیه السلام، تهیه شده است.

بازسازی گنبد عسکرین علیهما السلام در سامراء

خبر اول: پایان عملیات نصب اسکلت خارجی

یک مقام مسئول در نهاد وقف شیعی که در عملیات بازسازی مرقد عسکرین علیهما السلام مشارکت می‌کند، اعلام کرد:

عملیات نصب اسکلت خارجی گنبد مرقد عسکرین علیهما السلام در سامراء، به پایان رسید.

ص: ۱۴۴

وی افزود: ساخت آجری گنبد، بعد از تعطیلات عید آغاز می‌شود و قالب‌های فلزی مناره‌ها نیز به زودی به مرقد می‌رسند و هم اکنون عملیاتی برای توسعه ضریح مقدس در حال اجراء می‌باشد و هم اکنون در حال مذاکره با طرف سازنده ضریح هستیم؛ تا با حفظ شکل قدیمی ضریح، عملیات ساخت را به سرعت، به پایان برساند.

گنبد مرقد عسکرین علیهما السلام با قطر ۵۴ متر و ارتفاع ۳۰ متر، یکی از بزرگ‌ترین گنبدهای طلایی جهان به شمار می‌رود که در سال ۲۰۰۶ م. طی یک عملیات تروریستی تخریب شد و هم اکنون در حال بازسازی می‌باشد واز دو گنبد متداخل با اسکلت آهنی، تشکیل خواهد شد که بین این دو هیکل، پوشیده از ماده‌ای است که قادر به تحمل فشار ناشی از ضربه انفجار خمپاره‌های مختلف می‌باشد.

خبر دوم: پایان عملیات نصب اسکلت خارجی

گنبد طلایی جدید حرمین عسکرین در شهر سامرا که بر اثر انفجار تروریستی منهدم شده بود، پنجشنبه، ۱۵ فروردین ۸۸، پس از نصب، با حضور مقامات مذهبی، سیاسی و نظامی عراقی پرده برداری شد. ...

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حج، در این مراسم روسای اوقاف شیعیان و اهل تسنن عراق و مسوولان حرمین امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام و جمعی از نمایندگان پارلمان عراق، حضور داشتند.

جلال‌الدین صغیر عضو پارلمان عراق از مجلس اعلاى اسلامى در مراسم پرده برداری از گنبد جدید حرمین عسکرین ضمن دعوت مردم عراق به کنار گذاشتن اختلافات و تنش‌ها، گفت که حرمین عسکرین سمبل وحدت شیعه و سنی برای مردم عراق است.

وی گفت: بازسازی سریع حرمین عسکرین، بدون همبستگی و همدلی مردم این منطقه با دیگر مناطق عراق ممکن نبود.

صغیر اهالی شهر سامرا را به همکاری با نیروهای امنیتی جهت راندن آخرین بازمانده‌های تروریست‌ها از این شهر فراخواند.

کار بازسازی این حرم، از حدود یک سال پیش توسط شرکت‌ها و پیمانکاران عراقی و با نظارت ادارات اوقاف شیعیان و اهل تسنن آغاز شد.

از حدود سه ماه پیش به دنبال بهبود نسبی اوضاع امنیتی استان صلاح‌الدین، سفر سامرا برای زائران عراقی حرمین عسکرین مهیا شده است.

ایرانی‌های عراقی و عراقی‌های ایرانی!

به گزارش سرویس بین‌الملل «تابناک»، به نقل از «الزمان»، چاپ لندن، هزاران عراقی که سال‌ها پیش به ایران رانده شده‌اند، شناسنامه ایرانی دریافت کرده و نیز هزاران نفر از اتباع ایرانی که به عراق پناهنده شده‌اند، شناسنامه عراقی دارند و این مشکل با درخواست بازگشت اتباع دو کشور به وطنشان، تشدید شده و موجبات سردرگمی وزارت کشور و دستگاه

ص: ۱۴۵

دیپلماسی دو کشور را فراهم کرده است.

این در حالی است که روند دریافت تابعیت اتباع عراقی از ایران و مهاجرت آنها به جمهوری اسلامی، از زمان روی کار آمدن صدام حسین، با سیر صعودی چند برابری همراه شده بود.

نگرانی رویترز از رنگ و بوی ایرانی نجف

خبرگزاری رویترز در تحلیلی به موقعیت ایران در شهرهای جنوبی و مناطق شیعه نشین عراق، به ویژه نجف پرداخته است و به طور تلویحی از آن چه که آن را گسترش روز افزون نفوذ ایران در عراق خوانده است، ابراز نگرانی کرده است.

این خبرگزاری می‌نویسد: در شهر نجف که یکی از شهرهای مهم و شیعه نشین عراق است، ایرانیان زائر به راحتی در بازار و سایر مکان‌های مذهبی در حال رفت و آمد هستند. آنها پول ایرانی خرج می‌کنند و با فروشندگان اجناس و کالاها در مغازه‌ها به زبان فارسی سخن می‌گویند؛ این جا همه چیز رنگ و بوی ایرانی دارد.

این تحلیل در ادامه با اشاره به این که نفوذ ایران در نجف و دیگر شهرهای مذهبی و شیعه نشین عراق، در حال تعمیق است، این امر را باعث نگرانی اعراب سنی عراق، کشورهای عرب منطقه و آمریکا خواند و مدعی شد که برخی از مردم نجف نیز از افزایش نفوذ ایران در این شهر نگرانند.

این گزارش در ادامه با اشاره به فعالیت‌های گسترده ایران در شهر نجف می‌نویسد: پیمانکاران سازنده ایرانی در مناطق مختلف شهر، مشغول ساخت مکان‌های مختلف، از جمله یک بیمارستان بزرگ و مجهز هستند.

از سوی دیگر، ایرانیان، کار باسازی و تعمیر حرم حضرت علی علیه السلام را بر عهده دارند که با پول‌ها و بودجه‌هایی که از ایران می‌آید، در حال باسازی است.

ماشین‌های مخصوص جمع آوری زباله از سطح شهر نیز ساخت ایران هستند و کارگران عراقی زیر نظر پیمانکاران ایرانی، مسئولیت نظافت و جمع آوری زباله از سطح شهر را بر عهده دارند. ایران همچنین پیشنهاد ارائه برق به مناطق شیعه نشین جنوب عراق را به دولت مالکی ارائه داده است.

این مطلب در ادامه به بیان دیدگاه‌های مسئولین عراقی شهر نجف پرداخته است.

«اسد ابو جلال»، استاندار نجف، به انکار نفوذ ایران در نجف می‌پردازد و می‌گوید: آیا شما در بین مسئولان شهر، فردی ایرانی می‌بینید؟ آیا این جا نماینده‌ای از ایران فرمان می‌راند؟ آیا شما پلیس ایرانی می‌بینید؟ همه امور به دست خود ما و در واقع، به دست عراقی‌ها در حال انجام است؛ اما برخی دیگر از مردم نجف چنین نظری ندارند و معتقدند که همه امور در نجف، از کانال ایران کنترل می‌شود.

«حسین عباس»، کارگر و فروشنده یک مغازه اسباب بازی فروشی در شهر نجف، در این باره می‌گوید: «ما نفوذ و دست قدرت ایران را در نجف می‌بینیم؛ اما معتقدم که این دست، یک دست مثبت است. ایرانی‌ها در این جا به ما خیلی کمک



ص: ۱۴۶

می‌کنند. آنها امکانات در اختیار ما گذاشته‌اند و در این جا بیمارستان می‌سازند و در آبادانی این جا، نقش عمده‌ای دارند». رویترز در ادامه تحلیل خود با اشاره به سابقه تاریخی روابط ایران و عراق و جنگ ۸ ساله دو کشور و حمله صدام به ایران، می‌نویسد: «با حمله آمریکا به عراق، وضعیت روابط ایران و عراق نیز متحول شد و شیعیان مورد حمایت ایران، توانستند اکثر مناصب قدرت را در عراق به دست گیرند».

رویترز در ادامه از «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» به عنوان گروه و تشکلی که در ایران تأسیس شده، نام می‌برد و این گروه عراقی را نزدیک‌ترین دوستان ایران در عراق معرفی می‌کند که ایران سعی دارد از طریق تقویت موقعیت این حزب در عراق، جایگاه و نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش دهد.

طلاکوبی مناره‌های مرقد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

عبدالامیر عزیز القریشی، عضو هیئت امنای مرقد مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام اعلام کرد: کارگران عراقی فعال در طلاکوبی دو مناره مرقد ابوالفضل العباس علیه السلام، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند و تا کنون ۳۰ درصد این عملیات را به پایان رسانده‌اند.

القریشی افزود: مبلغ چهار میلیارد دینار برای این عملیات اختصاص یافته است و مقدار مس استفاده شده در این پروژه، ۱۲ تن می‌باشد و علاوه بر این، ۱۰۸ کیلو طلا خالص ۲۴ و تعداد ۳۶۳۰ آجر نیز در این دو مناره مورد استفاده قرار خواهد گرفت که تاکنون ۱۴۳۰ آجر نصب شده که حجم هر آجر، ۱۸\*۱۸ می‌باشد و هر کدام با دو گرم طلا، پوشانده می‌شود. علاوه بر این، تعداد ۵۰۴ آجر با حجم ۵۴\*۵۴ نیز با مینا پوشانده خواهد شد.

القریشی گفت: استفاده از پوشش طلا، برای ایجاد تمایز با مناره‌های مرقد امام حسین علیه السلام می‌باشد علاوه بر این، پس از ساخت مناره‌های جدید، شکل اثری آن که با خط کوفی مزین شده است؛ برجسته‌تر خواهد شد.

وی در ادامه اظهار داشت: برای کوبیدن طلا بر روی مس، از پوست آهو استفاده شده است و کارگران هندی و پاکستانی، انجام این کار را بر عهده داشته‌اند. این عملیات در ۱۵ ماه به پایان خواهد رسید.

لازم به ذکر است که تولیت آستان مرقد مطهر امام حسین علیه السلام، سه ماه پیش با حضور مردم و مسئولین، دو مناره جدید این مرقد را- پس از تعویض طلای قدیمی آن و نصب طلای جدید- افتتاح کرده است.

حمل و نقل رایگان زائران در کربلا

خبرگزاری عراق نو: عبد الواحد البیر، عضو هیئت مدیره آستان حسینی و مسئول واحد خدمات، اعلام کرد: اقدامات قانونی برای ایجاد خط مسافر بری انتقال رایگان زائران از دروازه طویریج به باب القبلة امام حسین علیه السلام، انجام شده است.

ص: ۱۴۷

البیر گفت: بنا به دستور شیخ عبدالمهدی الکر بلائی، تولیت آستان حسینی، این واحد، اقدام به قرار دادن خودروهای حمل مسافر در روزهای عید فطر، در مسیرهای اصلی چهارگانه خواهد کرد که شامل خط باب‌القبله امام حسین علیه‌السلام به منطقه‌المرکزیه و برعکس و خط خیابان‌العباس تا باب‌القبله ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام و باب‌القبله امام حسین علیه‌السلام و خط دروازه بغداد از ایستگاه بازرسی هتل القمر تا چهارراه دروازه بغداد و برعکس و خط خیابان طویریج تا باب‌القبله امام حسین علیه‌السلام و برعکس می‌باشد که این خودروها، علاوه بر خودروهای برقی برای انتقال زائران در منطقه بین‌الحرمین می‌باشند.

البیر افزود: از ماه آینده، تعداد ۵۰ دستگاه مینی بوس مجهز به کولر، با گنجایش ۳۰ مسافر، به خدمت گرفته خواهند شد؛ تا اقدام به انتقال زائران کنند.

خرید ۱۲ خودروی برقی، برای خدمت به زائران در نجف اشرف

خبرگزاری عراق نو: دیوان وقف شیعی اعلام کرد که ۱۲ خودروی برقی، برای انتقال زائران مرقد مطهر حضرت امام علی علیه‌السلام به صورت رایگان خریداری کرده است.

هزینه این خودروها، ۲۵۹ میلیون دینار بوده است که در بودجه طرح سرمایه‌گذاری در این استان، منظور شده بود و این خودروها، دارای مشخصات فنی پیشرفته می‌باشند.

لازم به ذکر است که مبلغ دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون دینار برای توسعه آستان حیدری اختصاص یافته و قرار است دستگاه‌ها و تجهیزات مختلفی برای رفاه زائران این مرقد مطهر، تهیه شود.

اجرای پروژه قبرستان نوین در سال ۲۰۰۹ م.

خبرگزاری عراق نو: اسعد سلطان ابو کلل، استاندار نجف اشرف، آمادگی این استانداری را برای اجرای پروژه قبرستان نوین با هزینه حداقل ۴۰ میلیارد دینار، در سال ۲۰۰۹ م. اعلام کرد.

ابو کلل گفت: ستاد سازندگی استان، برای آغاز توسعه قبرستان وادی‌السلام آمادگی کامل دارد که شامل ایجاد خیابان‌ها، غسل‌خانه‌ها، دفاتر کفن و دفن، روشنایی، فضای سبز، مغازه خواروبار و شعب بانکی می‌باشد.

وی همچنین گفت: این طرح بر اساس استانداردهای جهانی قبرستان‌ها می‌باشد.

تور علمی در آثار باستانی ناصریه

خبرگزاری عراق نو: در ادامه فعالیت‌های سومین کنفرانس علمی دانشگاه ذی‌قار، تعدادی از استادان، دانشجویان و شرکت‌کنندگان در این کنفرانس، در یک تور علمی، از آثار باستانی اور که در برگیرنده منزل ابراهیم پیامبر علیه‌السلام

ص: ۱۴۸

می‌باشد، بازدید کردند.

دکتر عباس الجابری، معاون عملی دانشگاه ذی قار گفت: اور، آخرین باقیمانده از سلسله سومری‌ها می‌باشد و سومری‌ها معروف به ساختن ساختمان‌های با شکوه بودند که الزقوره یکی از این ساختمان‌هاست.

الجابری افزود: در ذی قار، حدود ۱۳۰۰ مکان باستانی وجود دارد که هنوز به صورت کامل، شناسایی نشدند و در حال حاضر، فعالیت‌های لازم برای شناسایی و کاوش در این آثار در جریان است.

وی خاطر نشان ساخت: شهر ناصریه، مکان‌های باستانی زیادی دارد که می‌توانند سود فراوانی برای این شهر داشته باشند. این آثار، هم ردیف آثار باستانی مصر می‌باشند که اکنون آن کشور به علت توجه مناسب به این آثار باستانی، درآمد زیادی از فعالیت‌های توریستی به دست می‌آورد.

نصب سه پل عابر پیاده در نزدیکی عتبات در کربلا

تولیت آستان حسینی جهت کاهش ازدحام ناشی از تردد زائران، به ویژه در مراسم اربعین، اقدام به نصب سه پل عابر پیاده در نزدیکی درب‌های این آستان نموده است.

مهندس محمد حسن کاظم، رئیس واحد امور مهندسی و فنی آستان اعلام کرد: پل اول که به طول ۵.۱۱ متر و به عرض ۶ متر و ارتفاع ۴ متر می‌باشد، به صورت دو طرفه در باب القبله قرار دارد و پل دوم که به طول ۵.۱۱ متر و عرض ۴ متر و ارتفاع ۴ متر می‌باشد، مقابل باب الشهدا قرار دارد و پل سوم که به طول ۵.۱۱ متر و ارتفاع ۴ متر و عرض ۴ متر است، در نزدیکی مرقد مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام قرار دارد. این پل‌ها در کاهش ازدحام در درب‌های ورودی عتبات در مراسم عزاداری، مؤثر خواهند بود.

کاظم افزود: هزینه این پل‌ها توسط مهندس محمد شاکر حمید، یکی از اهالی شهر سماوه، اهدا شده است و با نظارت امور مهندسی و فنی عتبات کربلای معلا، ساخته می‌شوند.

لازم به ذکر است که منابع رسمی و غیر رسمی آستان کربلای معلا اعلام کردند: سال گذشته تعداد زائران شرکت کننده در مراسم اربعین حسینی که از داخل عراق و کشورهای همسایه و کشورهای خارجی آمده بودند، به ۵.۹ میلیون نفر رسید که از این تعداد، ۷۰ هزار زائر از کشورهای خارجی بودند.

سال جدید صابئه بصره

مذهب صابئه مندایی یکی از کهن‌ترین مذاهب به حساب می‌آید که هنوز در جنوب عراق زنده است. تعداد زیادی از محققان معتقدند که ریشه این مذهب به هزاران سال پیش باز می‌گردد و قدیمی‌تر از سومری‌ها می‌باشد. پیروان این مذهب در استان‌های جنوبی عراق و خوزستان ایران، حضور دارند.

ص: ۱۴۹

صابئین مندایی در میان اقبال زیاد و احساس امنیت فراوان، سال نو مندایی را جشن گرفتند، این مراسم، یکی از مهم‌ترین مناسبت‌ها با ابعاد اجتماعی مهم، برای پیروان این مذهب است.

شیخ رعد الزهیری، رئیس شورای امور این مذهب گفت: گرامی داشت این مناسبت، شامل اجرای مراسم مذهبی متعددی، مانند غسل تعمید و رنگ شدن و خوردن غذای غفران است و ده‌ها خانواده در این مراسم شرکت می‌کنند. وی افزود: این مراسم ابعاد اجتماعی عمیقی از گذشته دور دارد و پیروان این مذهب، این روز را به یکدیگر تبریک می‌گویند و نیز یک فرصت طلایی برای حل اختلافات شخصی میان پیروان می‌باشد.

الزهیری تأکید کرد: شورای امور این مذهب تصمیم گرفت که در سال جاری، مراسم ویژه عید را که معمولاً در کنار رودها برگزار می‌شد، به علت آلودگی آب‌ها، در داخل معبد، واقع در منطقه طویسه در مرکز شهر برگزار نماید. وی توضیح داد که معبد، مجهز به استخر و دارای پمپ تصفیه آب است و می‌تواند جواب گوی اجرای مراسم باشد؛ زیرا این مراسم به آب جاری نیاز دارد که در مذهب ما، سمبل پاکی جسد و روح است.

الزهیری در ادامه اظهار داشت: پس از پایان مراسم مذهبی، مردم به خانه‌های خود می‌روند و روز بعد را بایستی در منازل خود بمانند و در هیچ صورتی از منزل خارج نشوند و افرادی که از این امر سرپیچی کنند، در این روز، بیش از هر روز دیگر، در معرض اتفاقات بد خواهند بود.

تعداد زیادی از صابئین مندایی در دو دهه گذشته، پس از تعرض به آنان، به ویژه در سال‌های اخیر به خارج از عراق مهاجرت کردند و تعداد افرادی که تصمیم گرفتند در استان بصره بمانند، حدود ۱۰۰۰ نفر برآورد شده‌اند.

پروژه توسعه حرم مطهر کاظمین

تولیت آستان مطهر کاظمین اعلام کرد که اقداماتی برای توسعه منطقه شمالی مرقد مطهر، برای افزایش ظرفیت گنجایش زائران، انجام شده است.

نمار صالح، سخن‌گوی تولیت این آستان اعلام کرد: ساختمان‌هایی به شیوه معماری اسلامی ساخته شده و سالن‌هایی برای مطالعه، مجالس، حفظ و تلاوت قرآن، استقبال از میهمانان، درمانگاه و تصفیه خانه آب، ساخته شده‌اند و طرحی برای نوسازی پوشش طلای گنبد مطهر با استفاده از کارگاه موجود در این آستان وجود دارد. این پروژه، توسط متخصصان عراقی انجام خواهد شد.

کاخ صدام در شهر تاریخی بابل

سالم المسلماوی، استاندار بابل، کاخ متعلق به صدام در شهر تاریخی بابل و فضای پیرامون آن را برای بازدید گردش‌گران و شهروندان، پس از نوسازی آن با هزینه ۸۰۰ میلیون دینار، افتتاح کرد.

ص: ۱۵۰

عبدالحسین العبیدی، مدیر این مرکز تفریحی اعلام کرد: شهروندان می‌توانند از این فضای تفریحی استفاده کنند که در حال حاضر، شامل کاخ ریاست جمهوری که به سالن کنفرانس‌های بین‌المللی تبدیل خواهد شد و یک موزه باستانی و نمایشگاه‌های مختلف هنری می‌باشد. علاوه بر آپارتمان‌هایی که با قیمت مناسب در اختیار نوجوانان قرار خواهد گرفت و امکانات رفاهی دیگر، مانند دریاچه قایق سواری و رستوران‌ها و بازارهای موجود در آن، در نظر است یک شهر بازی بزرگ در کرانه مقابل آن در حله، ساخته شود.

حسین الفتلاوی، معاون استاندار بابل نیز اعلام کرد: استانداری در نظر دارد یک شهر گردش‌گری، بزرگ در امتداد کرانه رود در الحله ایجاد کند که از شهر تاریخی بابل آغاز و به شهر السده، منتهی می‌گردد.

وی افزود: نوسازی مجتمع تفریحی در شهر بابل که به رئیس رژیم سابق اختصاص داشت، با هزینه ۸۰۰ میلیون دینار صورت گرفته است.

الفتلاوی در ادامه اظهار داشت: افتتاح این مجمع، جهش بزرگی در زمینه گردش‌گری در این استان به شمار می‌رود که نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر است و البته در آمد مالی مناسبی نیز در پی خواهد داشت.

لازم به ذکر است که کاخ صدام در بابل بر فراز یک تپه مصنوعی ساخته شده است و یکی از ده‌ها کاخی است که صدام در طول ۲۵ سال حکومت ظالمانه خود در عراق، ساخته است.

دلایل اعدام سریع صدام حسین

به گزارش شیعه نیوز، به نقل از اعتماد ملی، زمانی که دادگاه عالی عراق در روز ۲۶ دسامبر، محکومیت به مرگ صدام را در ۳۰ روز آینده تأیید کرد، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که وی پس از سه روز اعدام شود. صدام حسین هیچ‌گاه به خاطر سرکوب کردها در عملیات «انفال» که در جریان آن حلبچه به گازه‌های شیمیایی آلوده شد و ۵۰۰۰ نفر در این شهر کشته شدند، محاکمه نشد؛ در حالی که دادگاه وی توسط دادگستری عراق هدایت می‌شد. شتاب در اعدام صدام به خوبی نشان می‌دهد که او به شخصیتی مشکل‌ساز و دست‌وپاگیر، تبدیل شده بود.

مطمئناً صدام حسین به عنوان زندانی نیروهای خارجی مستقر در عراق، نمی‌بایست توسط قوه قضاییه دولت جدید این کشور که دست‌نشانده اشغال‌گران بود، محاکمه می‌شد و حداقل می‌بایست یک دادگاه بین‌المللی مستقل، در این رابطه نظر می‌داد؛ زیرا دادگاه ویژه عراق، توسط پل برمر، فرماندار آمریکایی در عراق، تأسیس شد؛ تا به جنایاتی که بین تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸- کودتای حزب بعث- و اول ماه می ۲۰۰۳ م. به دست عراقی‌ها انجام شده- و البته جنایات مرتکب شده در جنگ بر ضد ایران و حمله به کویت- رسیدگی کند.

واشنگتن، جانبداری خود از دادگاه‌های کشوری تحت اشغال نظامی و قربانی یک جنگ داخلی را چنین توجیه می‌کند:

محاکمه صدام نباید به هیچ وجه به عنوان یکی از چند مسئولیت کشورهای غربی محسوب شود. و به همین دلیل، با

ص: ۱۵۱

وجود خواست و کلای صدام حسین و فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، مسئله محاکمه او در یک دادگاه بین‌المللی، منتفی شد. او دیگر زنده نیست؛ تا برای قتل عام ۱۸۰ هزار کرد در جریان عملیات انفال و در زمان جنگ برضد ایران، محاکمه شود. او دیگر زنده نیست؛ تا برای سرکوب شورش شیعیان در سال ۱۹۹۱ م. که طی آن هزاران نفر کشته شدند، محاکمه شود.

نباید فراموش کرد که صدام حسین تا سال ۱۹۸۹ م. یکی از متحدان امریکا و دیگر کشورهای غربی به حساب می‌آمد و در هنگام جنگ ایران و عراق و زمانی که واشنگتن و متحدان غربی آن دریافتند که حمله عراق به ایران در حال تبدیل به یک ناکامی است، تصمیم گرفتند به حکومت صدام کمک کنند؛ زیرا برخلاف حکومت عراق حکومتی لائیک و غرب‌گرا بود، حکومت خمینی به مثابه تهدیدی برضد منافع غربی‌ها و «جهان آزاد» بود. در سال ۱۹۸۲ م. ویلیام کیسی، رئیس سازمان سیا به بغداد آمد و یک سال پس از او نیز دونالد رامسفلد، به عنوان فرستاده ویژه جرج بوش پدر به عراق اعزام شد. دلیل این بازدیدها، اطمینان بخشیدن به صدام و پشتیبانی از او در مقابل حکومت خمینی بود.

از طرف دیگر، شرکت‌های خارجی، به ویژه فرانسوی، قراردادهای سرسام‌آوری را در زمینه‌های مختلف به چنگ می‌آوردند. براساس یکی از مدارک آشکار شده مجلس سنای امریکا، معلوم شد که جدا از تسلیحات نظامی کلاسیک-هلیکوپترها، هواپیماهای جنگی، موشک‌ها و سلاح‌های سنگین-تعداد ۶۱ محموله «کشت بیولوژیکی» توسط یک آزمایشگاه تحت کنترل ارتش امریکا، به عراق فرستاده شده.

شرکت بکتل یکی از زیرمجموعه‌های شرکت هالی برتون، کارخانه‌ای در زمینه تولید گازهای تسلیحاتی-شیمیایی تأسیس کرد. همچنین، شرکت دیگری، آلمانی-فرانسوی، واقع در استان آژاس فرانسه، شعبه‌ای را برای تولید گازهای تسلیحاتی در شهر سامرا تأسیس کرد. بنابراین به خوبی روشن می‌شود که سلاح‌های شیمیایی استفاده شده توسط ارتش صدام برضد نیروهای ایرانی و غیرنظامیان کرد حلبچه، به کمک شرکت‌های امریکایی و دیگر شرکت‌های غربی ساخته شده‌اند. از طرف دیگر، مسئولیت پرتاب گاز خردل بر سر غیرنظامیان کرد نیز بر عهده هلیکوپترهای «بل» امریکایی بود و این میراژهای فرانسوی بودند که موشک‌های «اگزوست» تأمین شده توسط فرانسه را به سوی شورشیان کرد و شیعه، شلیک کردند.

در مدتی که ارتش صدام از هرگونه سلاح غربی، از هر نوع آن، اشباع شده بود و به بمباران‌ها و قتل عام‌های بیرحمانه خود ادامه می‌داد، واشنگتن، تمامی راه‌های منتهی به شورای امنیت را بسته بود؛ تا مبادا قطعنامه‌ای برضد جنایات جنگی عراق، تصویب شود. اقدامات واشنگتن تا بدان جا پیش رفت که ابتدا ایران را مسئول استفاده از بمب‌های شیمیایی دانستند.

آری، صدام حسین رازهای فراوانی را با خود به گور برد؛ رازهایی که برای واشنگتن، بسیار دردسرساز بودند و نیز برای تمامی کسانی که از «خاموشی» صدام سود می‌برند.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

